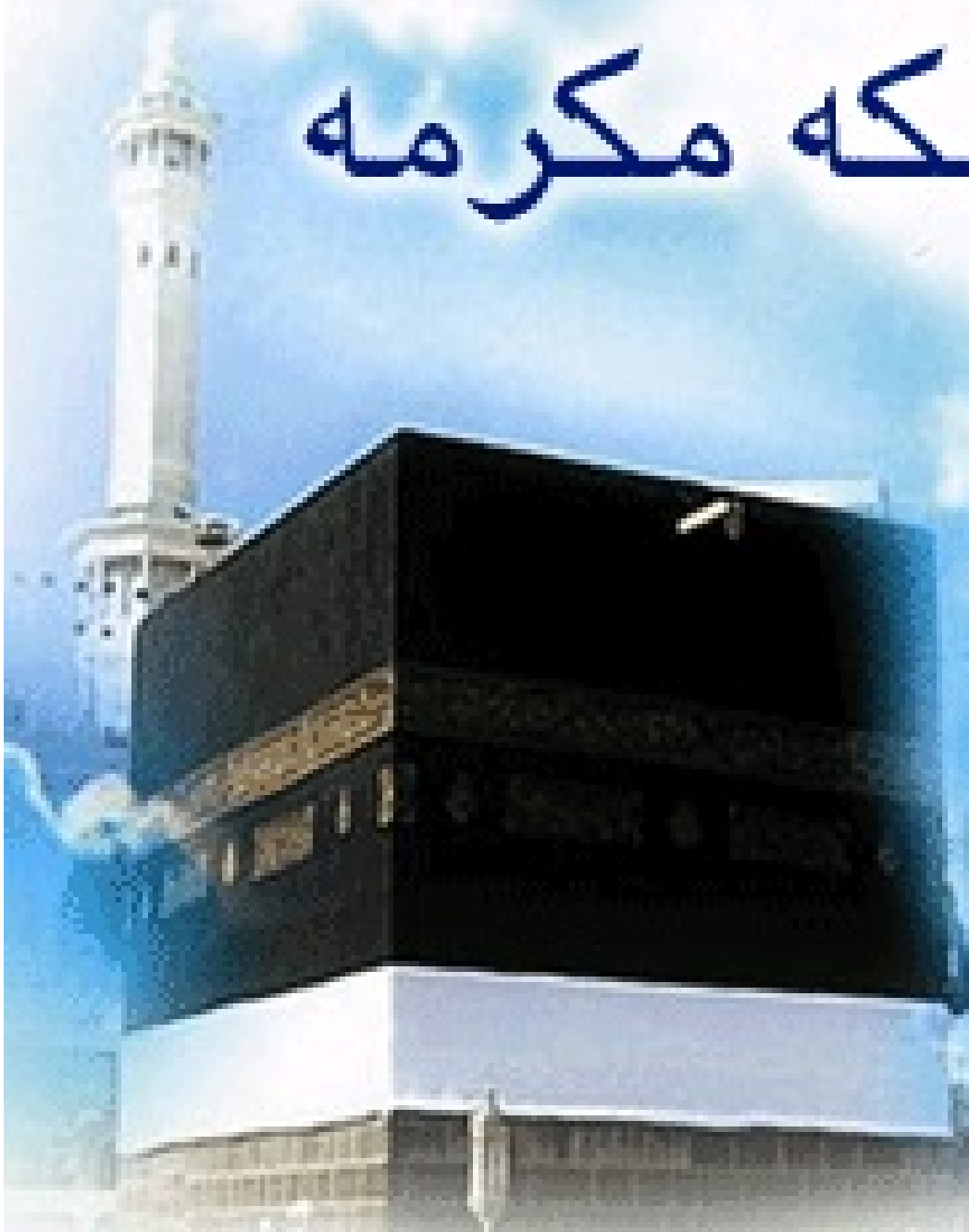


WWW.YJC.IR

WWW.YJC.IR

WWW.YJC.IR

ادعيہ و آداب مکہ مکرمہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادعیه و آداب مکہ مکرمه با ترجمه فارسی

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

فهرست

۵	فهرست
۹	ادعیه و آداب مکه مکرمه با ترجمه فارسی
۹	مشخصات کتاب
۹	پیشگفتار
۹	دعا و اقسام آن
۹	رجاء مطلوبیت:
۱۰	شرایط استجاب و قبولی دعا:
۱۰	آثار پذیرفته شدن دعا و زیارت در زندگی انسان:
۱۱	چند توصیه در زمینه وحدت امت اسلامی:
۱۲	جایگاه حج
۱۲	جایگاه حج
۱۲	فلسفه تشریح حج
۱۳	حضور قلب در دعا در مراسم حج:
۱۴	بخش اول: اعمال و آداب حج
۱۴	واجبات عمره تمتع:
۱۴	واجبات عمره مفرده:
۱۴	میقات‌های احرام:
۱۵	واجبات احرام:
۱۵	مستحبات احرام:
۱۶	محرمات احرام:
۱۶	مستحبات ورود به حرم:
۱۶	آداب ورود به مسجد الحرام:
۱۹	مستحبات طواف:

- ۱۹ اشاره
- ۱۹ دعای اشواط طواف:
- ۱۹ دعای دور اول:
- ۱۹ دعای دور دوم:
- ۱۹ دعای دور سوم:
- ۲۰ دعای دور چهارم:
- ۲۰ دعای دور پنجم:
- ۲۰ دعای دور ششم:
- ۲۰ دعای دور هفتم:
- ۲۱ مستحبات نماز طواف:
- ۲۱ مستحبات سعی:
- ۲۳ آداب تقصیر عمره:
- ۲۳ اقسام حج:
- ۲۳ اشاره
- ۲۴ واجبات حج تمتع:
- ۲۴ مستحبات إحرام حج تا وقوف به عرفات:
- ۲۴ مستحبات واعمال شب عرفه:
- ۲۵ دعای شب عرفه:
- ۳۰ مستحبات وقوف به عرفات:
- ۳۰ ادعیه وقوف به عرفات:
- ۳۲ دعای امام حسین (ع) در روز عَرَفَه:
- ۴۴ دعای امام سجّاد (ع) در روز عرفه:
- ۵۴ زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه
- ۵۴ برخی از مستحبات وقوف به مشعرالحرام:

- مستحبات رمی جمرات: ۵۵
- آداب قربانی: ۵۵
- مستحبات حلق و تقصیر: ۵۵
- مستحبات منا: ۵۶
- مستحبات مسجد خَیْف: ۵۶
- مستحبات برگشت به مکه معظمه: ۵۶
- مستحبات واعمال مکه مکرمه: ۵۶
- طواف وداع: ۵۷
- بخش دوم: زیارت مزارهای متبرکه مکه مکرمه ۵۷
- توضیحی کوتاه درباره مزارهای مکه مکرمه: ۵۷
- زیارت عبد مناف علیه السلام ۵۸
- زیارت عبدالمطلب جدّ پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله ۵۸
- زیارت حضرت ابوطالب عموی گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله ۵۹
- زیارت حضرت خدیجه، همسر گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۵۹
- زیارت حضرت قاسم فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله ۵۹
- مزار شهدای فخ ۵۹
- زیارت حضرت اسماعیل و هاجر علیهما السلام ۶۰
- زیارت سایر انبیای عظام علیهم السلام ۶۱
- بخش سوم: اماکن متبرکه مکه مکرمه ۶۱
- حدود حرم: ۶۱
- برخی از مساجد شهر مکه: ۶۱
- مسجد الحرام و خصوصیات کعبه ۶۲
- ارکان کعبه ۶۲
- جِجر اسماعیل: ۶۲

- ۶۲ مقام ابراهیم:
- ۶۳ زمزم:
- ۶۳ صفا و مروه:
- ۶۳ شعب ابی طالب
- ۶۳ محلّ ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۶۳ غار حِرا
- ۶۴ کوه ثور
- ۶۴ عَرَفَات
- ۶۴ مُزْدَلَفَه (مشعرالحرام)
- ۶۴ مِنا
- ۶۵ مسجد حَیْف:
- ۶۵ بخش چهارم: اماکن مقدّسه بین راه مکه و مدینه
- ۶۵ اماکن مقدّسه بین راه مکه و مدینه
- ۶۵ مسجد غدیر خم:
- ۶۵ ابواء
- ۶۵ زیارت آمنه بنت وهب مادرگرامی حضرت رسول صلی الله علیه و آله
- ۶۶ بدر
- ۶۶ بخش پنجم:
- ۶۶ ریزه
- ۶۷ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ادعیه و آداب مکّه مکرمه با ترجمه فارسی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: ادعیه و آداب مکّه مکرمه با ترجمه فارسی تالیف مرکز تحقیقات حج . مشخصات نشر: تهران: مشعر ۱۳۸۴.
 مشخصات ظاهری: ۲۱۴ ص ۱۲×۱۶/۵سم شابک: ۶۰۰۰ ریال ۹۶۴-۷۶۳۵-۶۷-۲؛ ۶۰۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۶۰۰۰ ریال (چاپ چهارم) وضعیت فهرست نویسی: فایا(چاپ دوم) یادداشت: فارسی - عربی یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۳(فایا) یادداشت: چاپ سوم: پاییز ۱۳۸۵. یادداشت: چاپ چهارم: تابستان ۱۳۸۶. موضوع: دعاها موضوع: حج -- کتاب‌های دعا شناسه افزوده: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. مرکز تحقیقات حج رده بندی کنگره: BP۲۶۷/۸/الف ۳۵۴۰۴۱/۱۳۸۴ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۳۴۹۴۲

پیشگفتار

دعا و اقسام آن

دعا در لغت به معنای خواندن و در اصطلاح، درخواست حاجت از خداوند می‌باشد. دعا بر دو قسم است: ۱. گاه دعا کننده مطالب و نیازهای خود را به زبان خود و به هر بیانی که قدرت بر آن دارد در پیشگاه خداوند اظهار می‌کند، این قسم را «دعاهای غیر وارده» می‌نامند. ۲. گاه دعا کننده مطالب و خواسته‌های خود را با الفاظ مخصوصی که از معصومین علیهم السلام رسیده است اظهار می‌نماید، این قسم ادعیه را «دعاهای وارده» یا «ادعیه مأثوره» می‌نامند. ادعیه مأثوره نیز بر دو قسم است: الف- ادعیه‌ای که باید در شرایط خاصی خوانده شود، مثلاً در وقت مخصوص یا محل معلوم، و بالاخره آداب و ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۲ شرایط ویژه‌ای از زبان معصوم علیه السلام برای آن ذکر شده باشد. ب- دعاهایی که از معصوم رسیده ولی برای آنها هیچ‌گونه شرطی ذکر نشده است. البته هر نوع دعا و درخواست از پروردگار یکتا، مطلوب شارع است، و در روایت وارد شده: «الدُّعَاءُ مُخَّ الْعِبَادَةِ» (۱) مغز و روح عبادت همان دعا است. همچنین در قرآن کریم در مناسبت‌های مختلف از زبان پیامبران و اولیای الهی دعاهایی نقل شده است، لکن ثواب و فضیلت دعاهای مأثوره- وارده از معصوم علیه السلام- برای کسی که آشنا به معانی آنها باشد، به مراتب بیش از دعاهای معمولی است، زیرا معصومین علیهم السلام به امراض روحی فرد و جامعه آشناتر و به کیفیت راز و نیاز با حق تعالی آگاه‌تر هستند، و سایر انسان‌ها گاهی به جای خیر خویش شرّ، و گاهی به جای سود و سعادت، زیان و شقاوت می‌طلبند: وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالْشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا. «۲» ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۳ بنابر این سزاوار است دعا کننده چگونگی درخواست مطالب و حاجات خود را از معصوم فرا گیرد. البته تشخیص دادن دعاهای وارده و آگاهی از سخن معصوم کار آسانی نیست. اگر کسی بتواند از مدارک موجود، و با موازین علمی صحت صدور دعا از معصوم را به دست آورد، می‌تواند آن را به قصد ورود بخواند، ولی اگر دلیل معتبر و مدرک قابل اعتمادی پیدا نکند و در پژوهش‌ها و بررسی‌های خود به این نتیجه برسد که سند فلان دعا ضعیف و غیر قابل اعتماد است، نباید آن را به‌طور جزم به معصوم نسبت دهد، بلکه به امید درک ثواب و رسیدن به پاداش آن را بخواند، در این صورت حتی اگر در تشخیص خود به خطا رفته باشد، به ثواب آن خواهد رسید.

رجاء مطلوبیت:

گاهی دعا یا عملی که سند معتبر هم دارد مربوط به زمان یا مکان خاصی است، مانند دعاهای ماه رمضان یا مناجات مسجد کوفه،

در چنین مواردی اگر کسی بخواهد آنها را در غیر آن زمان یا آن مکان انجام دهد باید آنها را فقط به ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۴ عنوان رجاء و احتمال مطلوبیت بجا آورد، نه به قصد استجاب یا ثواب ثابت، یعنی چنین نیت کند: «این دعا را می‌خوانم و این عمل را انجام می‌دهم به امید آنکه مطلوب باشد و مأجور باشم».

شرایط استجاب و قبولی دعا:

در احادیث و روایات ما برای اجابت دعا شرایط متعددی بیان شده که برای آگاهی از آنها می‌توان به کتاب‌های مفصل روایی مراجعه کرد که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم «۱»: امام صادق علیه السلام در جواب قومی که عرض کردند: ما دعا می‌کنیم ولی مستجاب نمی‌شود، فرمودند: چون کسی را می‌خوانید که نمی‌شناسید: «لَا تَنْكُمُ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ». «۲» شرط اول استجاب دعا معرفت پروردگار است، زیرا هر کس را به قدر معرفتش مزد می‌دهند. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۵ از حضرت علی علیه السلام سؤال شد: «فَمَا بَالُنَا نَدْعُوا فَلَا نُجَابُ؟» چرا دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ حضرت فرمود: «إِنَّ قُلُوبَكُمْ خَائِتٌ بِثَمَانٍ خِصَالٍ: أَوْلَاهَا أَنْكُمْ عَرَفْتُمْ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدُّوا حَقَّهُ كَمَا أُوجِبَ عَلَيْكُمْ ...». «۱» اولین علت آن است که نسبت به خداوند معرفت و شناخت پیدا کردید، ولی حق معرفت را عملاً پیاده نکردید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب شود باید لقمه و کارش حلال باشد. «۲» امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند دعای بنده‌ای را که برعهده‌اش، مظالم و حقوق مردم باشد یا غذای حرام بخورد، قبول نمی‌کند. «۳» رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند دعای کسی را که حضور قلب ندارد، قبول نمی‌کند. «۴» امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به عزت و جلال خود قسم ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۶ یاد کرده که من دعای مظلومی را که خود در حق دیگری چنین ظلمی نموده است، مستجاب نمی‌کنم. «۱» رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دعایی که اولش «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» باشد، رد نمی‌شود. «۲» رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: صلوات شما بر من مایه اجابت دعای شما خواهد بود. «۳» امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس پیش از خود به چهل مؤمن دعا کند، دعایش مستجاب می‌شود. «۴» در حدیث قدسی وارد شده است: خداوند به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: ای عیسی مرا بخوان همانند خواندن شخص اندوهناک و غرق شده‌ای که هیچ فریادرسی ندارد «۵». ملاحظه می‌کنید که برای اجابت دعا شرایطی بیان شده ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷ است، و از همه بیشتر بر روی خود سازی و آمادگی برای ضیافت پروردگار و شناخت میزبان حقیقی تکیه شده است.

آثار پذیرفته شدن دعا و زیارت در زندگی انسان:

قبولی دعا و زیارت از دو جهت قابل بررسی است: الف: صحیح خواندن و قصد قربت داشتن ادعیه و زیارات و اگر غلط خوانده شود معنای آن به کلی تغییر یافته و انسان را از رسیدن به اهداف آن دور می‌کند. ب: قبولی دعا و زیارت و پذیرفته شدن عند الله. یعنی علاوه بر اینکه قربتاً اِلَى اللَّهِ انجام داده است، حضور قلب و معرفت الهی هم داشته و توانسته از تمایلات نفسانی رهایی پیدا کند، و باخسوع و خشوع دعا و زیارت را انجام دهد، و در طول سفر خصلت‌های زشت درونی را یکی پس از دیگری ترک کرده و از سفره گسترده حق تعالی بهره‌مند شود، یعنی در مهمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و زهرای مرضیه علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام شرکت نماید و به قدر توان از غذاهای معنوی تناول کند. چنین فردی توانسته است درجاتی از تقوا را به دست آورد. قرآن کریم می‌فرماید: گوشت و خون قربانی به ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۸ خدا نمی‌رسد، ... وَ لَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ ... «۱» بلکه تقوای حاصل از قربانی است که انسان را بالا-می‌برد و به خدا نزدیک می‌کند. در آیه دیگر می‌فرماید: در روزهای مشخص به یاد خدا باشید (اشاره به مناسک منا). آنگاه می‌فرماید: ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ ... «۲» «از خدا پروا کنید». اگر زائر حرمین شریفین

به یاد خدا باشد، خود را از گناه حفظ نماید، تمرین ترک معاصی داشته باشد، و حالت تقوا و پرهیزکاری پیدا کند، پس از حج مرتکب گناه نمی شود، و خصلت‌های خدایی در درونش جوانه می‌زند، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «آیَةُ قَبُولِ الْحَجِّ تَزُكُّ مَا كَانَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ مُقِيمًا مِنَ الذُّنُوبِ»، «۳» نشانه قبولی حج، ترک گناهان گذشته است. بنابراین نشانه قبولی اعمال، دستیابی به تقوا و مراعات حدود الهی، پرهیز از گناه، و دوری از خصلت‌های زشت ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹ است، و این معنا امکان ندارد مگر اینکه انسان همیشه خود را در محضر حق سبحانه و تعالی ببیند، و مراقب اعمال و رفتار خود باشد، هر کاری را جهت رضای پروردگار انجام دهد، با مردم آن‌گونه رفتار نماید که دوست دارد مردم با او رفتار کنند، بندگان خدا از دست و زبانش در امان باشند، در سختی‌ها و گرفتاری‌ها تکیه‌گاه محکمی برای نزدیکان به حساب آید، به اعمال عبادی بویژه نماز اهمیت دهد، و سعی کند نمازهای واجب را اول وقت و به «جماعت» برگزار نماید.

چند توصیه در زمینه وحدت امت اسلامی:

اگرچه درباره توصیه‌های لازم به حجاج محترم کتاب‌های جداگانه‌ای نوشته شده و به طور مفصل نکاتی را تذکر داده‌اند، و ما هم در همین کتاب به مناسبت‌های مختلف به بعضی از آنها اشاره کرده‌ایم، لکن به خاطر اهمیت موضوع سزاوار است برخی از نکات یادآوری شود: الف- اهمیت وحدت امت اسلامی یکی از اسرار اعمال و مناسک حج و زیارت مشاهد ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰ مشرفه، تمرین تواضع و اخلاص، متخلق شدن به اخلاق الهی، نمایش وحدت و عزت امت اسلامی و ارتباط نزدیک با برادران دینی، و همدلی و تبادل نظر با آنها است. از این رو زائر بیت الله الحرام و حرم نبوی صلی الله علیه و آله باید به همه میهمانان خانه خدا با هر ملیت و مذهب و از هر سرزمینی که باشند، با چشم عزت و برادری بنگرد، و با برخورد مودت آمیز، آن‌گونه که مایل است بندگان خدا با او رفتار نمایند، با دیگران رفتار کند، و با اقتدا به پیشوایان دینی خود مایه عزت و زینت اسلام و رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام باشد، و در یک سخن اختلاف در مذهب نباید موجب بدبینی و تشمت گردد؛ زیرا مشترکات موجود میان ما و مسلمانان فراوان است، و باید تمام مسلمین در برابر دشمنان قرآن و انسانیّت ید واحده باشند، و از عظمت و عزت قرآن و اسلام دفاع کنند، و شاید به همین دلیل است که در روایات ما توصیه‌های مؤکد درباره شرکت در جماعات برادران دینی شده است. پس زائران محترم از انجام کارهایی که موجب بدبینی و تفرقه جدایی امت بزرگ اسلامی می‌شود باید پرهیز نمایند. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۱ ب- میهمانان خدا در سفر الهی حج زیارت خانه خدا و قبر مطهر پیامبر اکرم و ائمه بقیع- صلوات الله علیهم اجمعین- سفر الهی و دارای ابعاد گوناگون می‌باشد، و چه بسا در زندگی تنها یک بار توفیق این سفر معنوی نصیب انسان گردد، لذا سزاوار است به اهمیت و سازندگی آن بیش از پیش توجه کنیم، و از هنگام تصمیم و عزم به مسافرت تا پایان آن قدم به قدم، الهی بودن این میهمانی را مد نظر داشته باشیم، و از ارزش و منزلت همسفران و رعایت حقوق آنها غفلت نکنیم، و در مواقع ازدحام و شلوغی روحیه عفو و اغماض و چشم پوشی از خطای دیگران را پیشه خود سازیم، و از کمک و همراهی و خدمت به میهمانان خانه خدا غفلت نوزیم، و این سنت ارزشمند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام را زنده نگه داریم. ج- فرصت را مغتنم بشماریم عمر سفر کوتاه، و ایام زیارت به زودی سپری می‌گردد، باید با برنامه‌ریزی منظم بهترین استفاده را از اوقات شبانه روز خود بنماییم، و به جای وقت گذرانی برای کارهای بی‌نتیجه یا ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۲ کم نتیجه، بیشترین وقت خود را صرف شناخت احکام و آداب و اسرار حج و زیارت و بهره‌مندی از مشاهد شریفه و مواقف کریمه نماییم، که از جمله آنها، حضور و شرکت به موقع در نمازهای جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و قرائت قرآن در این دو مسجد با عظمت (حداقل یک ختم قرآن در مسجدالحرام و یک ختم در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله) و خواندن دعاها و مناجات‌های وارده از طرف معصومین علیهم السلام در ایام و مناسبت‌های مختلف می‌باشد. د- کیفیت

عبادت را فدای کمیت آن نکنیم همان‌گونه که قبلاً تذکر دادیم، روح و عظمت دعا و عبادت و مناسک حج به معرفت و اخلاص و رعایت ادب و حضور در محضر خداوند متعال بستگی دارد. لذا باید تنها به مقدار و کمیت اعمال و عبادات خود اکتفا نکرده، بیشتر به کیفیت آن پردازیم؛ زیرا اگر یک دعا یا زیارت و یا نماز، از روی معرفت و اخلاص باشد، موجب شکستن دل و تحویل درونی انسان می‌گردد، و باعث نجات از عذاب الهی و دست یافتن به بهشت جاوید خواهد شد. «رَزَقْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى .

جایگاه حج

جایگاه حج

حج در لغت به معنای: «قصد» و در اصطلاح شرع به معنای: قصد زیارت خانه خدا و انجام اعمال و مناسک مخصوص می‌باشد. حج به معنای زیارت خانه خدا و انجام اعمال مخصوصه و یکی از ارکان پنج‌گانه اسلام است، و به اتفاق نظر علمای فریقین، از ضروریات دین، و منکر آن کافر می‌باشد و لذا تارک حج مورد تهدید شدید خداوند واقع شده است. و رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: «مَنْ سَيَّوَفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا» کسی که حج را به تأخیر اندازد تا مرگ او فرا رسد، خداوند در روز رستاخیز او را یهودی و یا اَوْ نَصْرَانِيًّا. «۱» نصرانی محشور سازد. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۴ و امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت‌نامه خود می‌فرماید: وَاللَّهِ، اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تُخَلُّوهُ مَا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرِكَ وَخَدَا رَا، خَدَا رَا، در مورد خانه خدا «کعبه» تا هستید، مبدا آن را خالی بگذارید، که اگر ترک شود لَمْ تُنَاطِرُوا. «۱» مهلت داده نمی‌شوید.

فلسفه تشریح حج

دستور و جوب حج، بعد از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه نازل گردیده، و از هر مسلمان مستطیعی در تمام دوران عمر یک بار به عنوان حج واجب (حَجَّةُ الْإِسْلَام) خواسته شده است. (صرف نظر از عناوین دیگری که موجب و جوب حج می‌شود مانند نذر و ...). حج گرچه جزو فروع دین به حساب می‌آید، ولی از افضل عبادات است. و دارای فواید و آثار بسیار عظیم دنیوی، اخروی، فردی، اجتماعی، سیاسی و معنوی است که در کمتر عبادتی دیده می‌شود. حج نمایش تعبد محض و عبادت خالص خدا و اظهار ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۵ بندگی و ایجاد ارتباط قلبی با خداوند است. حج کلاس تعلیم و تربیت است، زمینه‌ای است برای تحصیل علم زندگی و حسن معاشرت، و تحکیم مبانی اخلاق اسلامی در عمل. حج درس جهاد و فداکاری با مال و جان و گسستن از خود و خودخواهی‌ها، و جدا شدن از تعلقات و جذبات زندگی مادی، و رو آوردن به عالم معنا، و حرکت به سوی خدا است. حج به ما آموزش توحید در عقیده و وحدت در روئیه و ضرورت تبادل افکار و آرا و همکاری‌های اجتماعی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را می‌دهد، و خلاصه حج در مجموعه اعمال و مناسک، تابلویی از تمامیت دین مقدس اسلام و حیات دنیا و آخرت را به نمایش می‌گذارد، و انسان حج گزار را از عالم خاکی به اوج می‌برد، و به عالم قدس و ملکوت پرواز می‌دهد، و حیاتی نوین از معنویت و ارتباط با حق و حضور نزد رب، در کالبد خسته حاجی می‌دمد. امام صادق علیه السلام در بیان آداب باطنی حج می‌فرماید: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۶ «إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَبْلِ عَزْمِكَ» هنگامی که اراده حج نمودی، پیش از هر تصمیم دل خود را از هر چه غیر خدا است خالی، مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَحِجَابٍ كُلِّ حَاجِبٍ، وَفَوْضْ أُمُورَكَ كُلَّهَا إِلَى وَهْر حِجَابِي رَا که میان تو و او حاجب و حائل شده است برطرف کن، و تمام امور خویش را به آفریدگارت واگذار. خَالِقِكَ، وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ مَا يَظْهَرُ مِنْ حَرَكَاتِكَ در تمام حرکات و سکنات خود، بر او توکل کن، وَسَيَكُنَاتِكَ، وَسَيَلِمُ لِقَضَائِهِ وَحُكْمِهِ وَقَدَرِهِ، وَوَدِّعِ الدُّنْيَا وَالرَّاحَةَ وَبِرِ قِضَا وَقَدْرِ الهی و حکم و تقدیر او تسلیم باش، و از آسایش دنیا و مردم منقطع شو ... وَالْخَلْقَ

... ثُمَّ اغْتَسِلَ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ مِنَ الذَّنُوبِ، وَ الْبَسَ سِيسَ بِأَبِ زَلَالٍ وَ خَالِصَ تَوْبَةٍ كُنَّ هَانَتِ رَا شِشْتَشُو كُنَّ، وَ لِبَاسِ كِشْوَةِ الصِّدْقِ وَ الصَّفَاءِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْخُشُوعِ، وَ أَحْرَمَ عَنِ كُلِّ صِدَاقٍ وَ رَاسْتِي، پَاكِي، صَفَا، خُضُوعِ وَ خُشُوعِ رَا بَر تَن نَمَا، وَاز آنچه كه تو را شئی یمَنَعِيكَ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَحْبُجِّيكَ عَنِ طَاعَتِهِ، وَ لَبَّ از یاد و ذکر خدا باز می‌دارد و مانع تو از اطاعت او می‌گردد، «احرام» بند، و لیسکهایت، بِمَعْنَى إِجَابَتِهِ صَافِيَةً خَالِصَةً زَاكِيَةً لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي دَعْوَتِكَ، شَفَافَتِيْنِ وَ خَالِصَانَةِ تَرِيْنِ پَاسِخِ وَ اجَابَتِ دَعْوَتِ خُدَايِ مَتَعَالِ بَاشَد. در حالی كه مَتَمَسِّكًا بِالْعَزْوَةِ الْوُثْقَى وَ طُفَّ بِقَلْبِكَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَوْلَ بَه رِيَسْمَانِ مَحْكَمِ الْهِي تَمَسِّكُ جِسْتَه (از غير او دل بریده‌ای). از صمیم قلب و در عالم دل، به همراهی فرشتگان ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۷ الْعَرْشِ كَطَوَافِكَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ بِنَفْسِكَ حَوْلَ الْبَيْتِ ...». «۱» عرش الهی طواف کن، هم‌چنان كه خود با مسلمانان، دور كعبه طواف می‌کنی».

حضور قلب در دعا در مراسم حج:

قبلًا اشاره کردیم كه حج از اعظم عبادات اسلامی است، و می‌دانیم كه هر عبادتی را ظاهری است و باطنی. و باطن عبادات را، توجه خالص و ارتباط دائم قلبی و مراقبت و مواظبت همیشگی تشکیل می‌دهد. كه بنده خود را در محضر ربّ العالمین مشاهده كند. بر این اساس، دعا در لسان پیشوایان بزرگوار اسلام به «مُخِّ الْعِبَادَةِ»، «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ»، «سَلَاحُ الْمُؤْمِنِ»، «عَمُودُ الدِّينِ»، «نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»، «تُرْسُ الْمُؤْمِنِ»، «سَلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ»، «مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ» و «مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ» تعبیر شده است. «۲» یعنی دعا مغز عبادت، برترین نیایش، سلاح مؤمن، ستون دین، فروغ آسمان و زمین، سپر مؤمن، سلاح انبیا، کلید ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۸ پیروزی و رستگاری می‌باشد. و مرحوم کلینی در «اصول کافی» به اسناد خود از زراره از امام باقر علیه السلام ذیل آیه شریفه إِنَّ الدِّينَ يَشْتَرِيكَ بِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ. «۱» آورده كه حضرت فرمودند: منظور از عبادت در آیه شریفه دعا است. و بعد فرمودند: «وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ»، «و بهترین عبادتها، دعا است». «۲» و آنچه از شیوه زندگی معنوی پیامبران الهی و ائمه معصومین و بزرگان اسلام به ما رسیده نیز این معنا را تصدیق و تأیید می‌کند، كه بالاترین مقام انسان، مقام عبودیت است كه توفیق بندگی حضرت ذوالجلال نصیبش می‌گردد، و اصلی‌ترین مرتبه و شیرین‌ترین مرحله عبادت، مرحله دعا و ایجاد ارتباط بنده با خدا، و توفیق تضرع و توبه، و اظهار خضوع و خشوع، و اعلان تقدیس و تسبیح و تحمید حقّ است، كه اگر بنده اهل دعا نباشد مورد توجه خدا نخواهد بود: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۹ ... قُلْ مَا يَعْزُبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ... «۱» و حاجی باید بداند كه گرچه در عتبات عالیات و مشاهد مشرفه و اماكن و ازمنه حجّ، عرض حاجت دنیوی و اخروی به محضر حضرت حقّ بردن خلاف نیست ولی نزد اولیای خدا و شیفتگان جمال ذوالجلالش دعا برای رسیدن به مرحله «كمال الانقطاع» و تحصیل نورانیت، بصیرت قلوب و وصول اتّصال به معدن عظمت، و كنار زدن حجاب‌های ظلمت، و سر بر آستانش سودن، و آسودن است. ای برادران و خواهران، اینك كه به توفیق حقّ عازم حریم حرم امن «الهی» و راهی سرزمین مقدّس وحی، گشته‌اید. به آوای آن شب زنده‌دار معصوم؛ حضرت سالار شهیدان، گوش فرا دهید، كه در مناجات شعبانیه‌اش به درگاه واهب المواهب عرض می‌كند: «... إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْأَنْقِطَاعِ إِلَيْكَ، وَ أَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا «بار الها كمال انقطاع و بریدن از دیگران و پیوستن به خویش را به من عنایت فرما، و دیدگان دل‌های ما را ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۳۰ بِضَيْءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ، حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ، به نور دیدارت روشن گردان. تا آنجا كه دیدگان و بصیرت دل، حجاب‌های مانع نور را پاره كنند، فَتَصِلَ إِلَى مَعْيَدِنِ الْعَظَمَةِ، وَ تَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ وَبِهِ مَعْدِنِ عَظَمَتِ وَاصِل گردند، و روح و جان ما (تنها و تنها) به پیشگاه مقدّس تو تعلق و وابستگی بیابند، و به مقام قُدْسِكَ ...». قدس تو بیاویزند». و به دعای امام حسین علیه السلام كه در سرزمین عرفات به درگاه خداوند می‌نالد، توجه كنید: «إِلَهِي تَرُدُّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي «خداوندا جستجویم در آثار قدرت و عظمت تو، موجب دوریم از زیارت جمالت می‌گردد، پس مرا خدمتی فرما عَلَيَّكَ بِخِدْمَتِي تُوَصِّلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسَدِّدُ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي تَا بَه مقام وصلت نایل كردم. چگونه برای قرب و جودت، به آثاری

استدلال شود که خود در وجوده مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْ كَوْنُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ، وجود خویش نیازمند تو می‌باشند. آیا ظهور و پیدایش برای غیر تو هست که آن ظهور، از تو و برای تو نباشد حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ تَأْتِي نَتِيجَةَ دَلِيلِ ظُهُورِ تُو كَرَدَد؟ چه وقت غایب از نظر بوده‌ای تا برای ظهورت یَدُلُّ عَلَيْكَ، وَ مَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَرُ هِيَ اللَّيْ تُوَصِّلُ نِیَازَ بَهِ دَلِيلِ وَ بَرَهَانَ بَاشَد؟ وَ چَهِ وَ قَهِ دُورِ بُودَهِی تَأْثَارِ وَ پَیدِیدَهِی تَ دَلِیلِ نَزْدِیکِی اَدْعِیَهِ وَ آدَابِ مَکَهِ مَکْرَمَهِ، ص: ۳۱

إِلَيْكَ، عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا، وَ خَسِرَتْ صِفْقَةً عَبْدٍ لَمْ وَ وَصَلَتْ بَاشَد؟ کُورِ اسْتِ دَیدَهِی کَهِ تُو رَا نِیَنِد، دَرِ صُورْتِی کَهِ هَمُورَهِ مَراقِبِ او، بَا او وَ دَرِ کِنَارِ او هَسْتِی دَرِ خَسِرَانَ وَ زِیَانَ اسْتِ تَجْعَلُ لَهُ مِنْ حُجْبِكَ نَصِيبًا، إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ، بَنَدَهِی کَهِ اَزِ عَشْقِ وَ مَحَبَّتِ تُو نَصِيبِی نَدَارَدِ مَعْبُودًا! هَمْگَانَ رَا اَمْرِ کَرْدِی کَهِ بَهِ اَثَارِ قَدْرَتِ وَ عَظْمَتِ رُجُوعِ کَنَد، فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَ هِدَايَةِ الْأَسْتِيبْصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ وَلِي مَرَا بَهِ تَجَلِّيَاتِ اِنْوَارِ خُودِ رُجُوعِ دَهِ، وَ بَا مَشَاهِدَهِ وَ اسْتِيبْصَارِ، هِدَايَتِمِ فَرْمَا، تَا اَزِ اَثَارِ بَگَدرَمِ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا، مَصُونٌ السَّرِّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا، وَ بَهِ تُو وَاصِلِ گَرْدَمِ، هَمْچَنانِ کَهِ اَزِ اَنهَا گَگذشتَهِ وَ دَرِ سِرِّ دَرُونِمِ بَدُونِ تُوْجَهِ بَهِ اَنهَا، بَرِ تُو وَارَدِ گَگشتَهِ. وَ مَرْفُوعِ الْهَمِّ عَنِ الْأَعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. هَمْتَمِ رَا چَنانِ بَلَنَدِ گَرْدانِ کَهِ نِیَازِ وَ اعْتِمَادِ بَرِ پَیدِیدَهِ وَ اَثَارِ نَدَاشْتَهِ بَاشَمِ کَهِ تَنهَا تُو بَرِ هَمَهِ چِیزِ تُو اِنَايِی...» وَ شَمَا زائِرانِ مَحْتَرَمِ خَانهِ خُدا دَرِ تَمَامِ مَراحِلِ وَ مَواقِیتِ وَ مَواقِفِ وَ دَرِ ضَمَنِ اَعْمَالِ وَ مَناسِکِ، اذْکَارِ وَ اَدْعِیَهِی دَارِیدِ کَهِ سَزَاوارِ اسْتِ اَنهَا رَا بَا تُوْجَهِ وَ خُلُوصِ کَامَلِ بَخُوانِیدِ، وَ بَدانِیدِ کَهِ رُوحِ حَجِّ، تَزْکیَهِ وَ تَعَالِیِ رُوحِی اسْتِ کَهِ بَا اِنجامِ مَناسِکِ حَجِّ وَ مَلازِمَتِ بَرِ دَعِواتِ وَ اذْکَارِ وَارَدَهِ وَ قَرائتِ قَراَنِ کَرِیمِ وَ دَقَّتِ دَرِ ثَمَراتِ مَعنُویِ وَ اسرارِ باطنیِ وَ عَمَلِ بَهِ وَاجِباتِ وَ مَسْتَحَباتِ، حاصِلِ می‌گَرَدَد.

بخش اول: اعمال و آداب حج

واجبات عمره تمتع:

در عمره تمتع پنج چیز واجب است: ۱. احرام. ۲. طواف کعبه. ۳. نماز طواف. ۴. سعی بین صفا و مروه. ۵. تقصیر (گرفتن قدری از مو یا ناخن). احکام مربوط به عمره تمتع را در مناسک بخوانید، و ادعیه و اذکار در همین کتاب خواهد آمد.

واجبات عمره مفرده:

در عمره مفرده هفت چیز واجب است: ۱. احرام. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۳۴. ۲. طواف کعبه. ۳. نماز طواف. ۴. سعی بین صفا و مروه. ۵. تقصیر (کوتاه کردن ناخن یا مو). ۶. طواف نساء. ۷. نماز طواف نساء. احکام مربوط به واجبات عمره مفرده را در کتاب‌های مناسک، و ادعیه و اذکار مربوطه را در همین کتاب بخوانید.

میقات‌های احرام:

کسانی که به قصد حج یا عمره عازم بیت الله الحرام می‌باشند، باید با احرام وارد مکه شوند. محلی که برای احرام بستن معین شده «میقات» نامیده می‌شود. و میقات حِجْزِیْمَهِ به اختلاف راههایی که از آنها به طرف مکه می‌روند مختلف می‌شود، و آن پنج محل است: ۱. میقات کسانی که از طرف مدینه به مکه عازم هستند «ذو الْخُلَیفَه» است که همان «مسجد شجره» می‌باشد. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۳۵. ۲. برای کسانی که از طرف شام می‌آیند «جُحْفَه» است. ۳. و برای کسانی که از عراق و نجد عازمند «وادی عقیق» است. ۴. و برای کسانی که از طرف طائف می‌آیند «قَرْنُ الْمَنَازِل» است. ۵. و برای کسانی که از سوی یمن عازم هستند «یَلْمَلَم» می‌باشد.

واجبات احرام:

برای مُحَرَّم شدن سه امر واجب است. ۱. پوشیدن دو قطعه لباس احرام (لنگ و ردا). ۲. نیت: در نیت باید به سه نکته توجه شود: الف: قربۀ الی الله باشد. ب: همراه با شروع پوشیدن لباس احرام باشد. ج: تعیین نوع احرام که برای عمره، حج، برای خود یا به نیابت است. ۳. تلبیه: که گفتن این ذکر شریف می‌باشد: ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۳۶ «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ أَجَابَتُ كَرَمًا، أَجَابَتُ كَرَمًا، شَرِيكِي بَرَاءَتٌ نَمِي بَشَادًا، أَجَابَتُ كَرَمًا، سَبَّاسٌ وَالنُّعْمَةُ لَكَ وَالْمُلْكُ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ». و نعمت و ملک هستی ترا است، شریکی برایت نیست، اجابت کردم.»

مستحبات احرام:

۱. غسل: مستحب است قبل از احرام، به قصد احرام غسل کنند، و بهتر است که بعد از ادای نماز فریضه احرام ببندند. شیخ صدوق فرموده: مستحب است این دعا هنگام غسل احرام خوانده شود: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِزْزًا وَأَمْنًا «بنام خدا و به یاری خدا، خداوند! آن را برایم نور و پاکیزگی و مصونیت و امنیت من کُلِّ خَوْفٍ، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ. اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي وَطَهِّرْ لِي مِنْ شَرِّهِ وَشَفَايَ مِنْ دَرْدٍ وَبِمَارِي قَرَارِ دَعَا خَدَاوَنَدَا! پاكيزه‌ام ساز و قلبم لي قلبی، وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَاجْرِ عَلَي لِسَانِي مَحَبَّتَكَ رَا پاك كن و سينه‌ام را گشاده فرما و بر زبانه محبت خویش ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۳۷ وَمِدْحَتَكَ وَالنَّيِّبَةَ عَلَيكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ وَمَدْحَ وَثَنَاتِ رَا قَرَارِ دَعَا خَدَاوَنَدَا» که نیرویی جز به کمک تو نمی‌باشد و می‌دانم که آن قوام دینی التَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ، وَالْآتَابِعُ لِسُنَّتِهِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتُكَ اسْتَوَارِي دِينِي تَنْهَا تَسْلِيمَ بُوْدِنِ دَرِّ بَرَابَرِ فَرْمَانِ تَوِ وَبِرُوِي از سنت پیامبرت صلی الله علیه و آله عَلَيْهِ وَآلِهِ. می‌باشد.» سپس جامه‌های احرام را پوشیده و این دعا را بخواند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوْرِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأُوْدَى بِهِ «ستایش خداوندی را سزااست که به من جامه‌ای روزی ساخت که بوسیله آن شرمگام را بپوشانم و واجم را فَرُوضِي، وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَأَنْتَهِي فِيهِ إِلَي مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ ادا کنم پروردگام را نیایش نمایم و به آنچه مأمورم ساخته است عمل نمایم، ستایش خدایی الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي، وَأَرْدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي، وَلَمْ يَقْطَعْ بِي، رَا سَزَاَسْتَ كِهْ أَهْنَكْ اَوْ نَمُوْدَمْ وَ اَوْ بَهْ مَقْصَدَمْ رَسَانَدَمْ، وَقْصَدُ اَوْ كَرْدَمْ كَمَكَمْ نَمُوْدَمْ وَ پَذِيْرَايِمْ كَرْدِيْدَمْ، وَ مَرَا نُوْمِيْدُ نَسَاَسْتَ، وَوَجْهَهُ أَرْدْتُ فَسَلَّمَنِي، فَهُوَ حِضْنِي وَكَهْفِي وَحِزْزِي وَطَهْرِي وَقْصَدُ اَخْلَاَصَ كَرْدَمْ مَرَا بَهْ سَلَاَمَتِ دَاَسْتَ، پَسْ اَوْ پَنَاهْگَاْمَمْ وَ پَسْتِ وَمَلَاذِي وَمَلْجِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُدْتِي فِي شِدْتِي وَرَخَائِي». و پستوانه‌ام و امید و پناه‌م و یار و یاورم در سختی و آسانی است.» ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۳۸ و مستحب است بعد از تلبیه واجب بگوید: «لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، «دعوت را اجابت کردم، ای خداوند بلند مرتبه، اجابت کردم، اجابت کردم، که مرا به خانه امن و سلامت فرا خوانده‌ای، اجابت کردم، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا أَجَابَتِ كَرْدَمْ، اَيْ بَخْشَنَدَهْ گَنَاهَانِ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، اَيْ شَايَسْتَهْ أَجَابَتِ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، اَيْ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبْدِي وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَارِنْدَهْ جَلال و كرامت، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، اَيْ آغَاَزْ كَرْ هَسْتِي، كِهْ بَاَزْ كَشْتِ بَهْ سُوِي تُوَسْتِ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، تَسْتَعْنِي وَيُقْتَرُّ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، اَيْ بِي نِيَاَزِي كِهْ بَهْ تُو نِيَاَزَسْتِ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، كِهْ بِيْمِ وَ اَمِيْدِ بَهْ سُوِي تُوَسْتِ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ أَجَابَتِ كَرْدَمْ، اَيْ مَعْبُوْدُ بَهْ حَقِّ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، اَيْ دَارِنْدَهْ نَعْمَتْ هَا وَافْزُوْنِ بَخْشِ نِيْكُوِيِي وَ جَمَالِ، لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَّافِ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ أَجَابَتِ كَرْدَمْ، اَيْ بَرَطْرَفِ كَنْنَدَهْ غَمْهَائِ بَزْرُكْ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، بِنْدَهْ تُو وَ پَسْرِ عِبْدِيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيْمُ لَبَّيْكَ.» بِنْدَه‌ات، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، أَجَابَتِ كَرْدَمْ، اَيْ كَرِيْمِ أَجَابَتِ كَرْدَمْ اَيْ كَرِيْم.» و خوب است این جملات را نیز بگوید: لَبَّيْكَ أَنْتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةِ أَجَابَتِ كَرْدَمْ، بَهْ مَحْمِدِ وَ آلَش

تقرب می‌جویم، اجابت کردم، اجابت کردم، برای حج ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۳۹ وَعُمْرَةٌ مَعًا لَتَيْبِكَ، لَتَيْبِكَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَةً إِلَى الْحَجِّ لَتَيْبِكَ، لَتَيْبِكَ و عمره، اجابت کردم، اجابت کردم، اینک تمتع با حج است، اجابت کردم، اجابت کردم، أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَتَيْبِكَ، لَتَيْبِكَ تَلْبِيَةٌ تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ.» ای شایسته‌اجابت، اجابت کردم، اجابت کردم، اجابتی که تمام و کمالش به لطف توست.»

محرمات احرام:

پس از آنکه حاجی مُحَرَّم شد، بیست و چهار چیز بر او حرام می‌شود، که عبارتند از: ۱. شکار حیوان صحرائی (وحشی). ۲. جماع کردن با زن، و بوسیدن و نگاه به شهوت و هر نوع لذت بردن از او. ۳. عقد کردن زن برای خود یا غیر. ۴. استمناء. ۵. استعمال عطریات و بوی خوش. ۶. پوشیدن پوشش‌های دوخته برای مردان. ۷. سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد. ۸. نگاه کردن در آینه. ۹. پوشیدن کفشی که تمام روی پا را می‌گیرد. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۴۰ فسوق (اعم از دروغ گفتن و فحش دادن یا فخر و مباحات کردن). ۱۱. جدال و گفتن لا- وَاللَّهِ، وَبَلَى وَاللَّهِ (قسم یاد کردن به نام الله). ۱۲. کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند. ۱۳. انگشتر به دست کردن به جهت زینت. ۱۴. پوشیدن زیور برای زن. ۱۵. روغن مالیدن به بدن. ۱۶. ازاله مو از بدن خود یا غیر چه مُحَرَّم باشد چه مُحَلَّل. ۱۷. پوشانیدن مرد سر خود را، با هر چه که آن را بپوشاند. ۱۸. پوشانیدن صورت برای زنان. ۱۹. زیر سایه قرار گرفتن برای مردان، در حال راه رفتن و طوی طریق. ۲۰. بیرون آوردن خون از بدن. ۲۱. ناخن گرفتن. ۲۲. کندن دندان. ۲۳. کندن درخت یا گیاه از حرم. ۲۴. سلاح برداشتن (حمل سلاح).

مستحبات ورود به حرم:

۱. غسل کردن. ۲. پیاده شدن از وسیله نقلیه. ۳. خواندن این دعا: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: وَأَذِّنْ خِدَاوَنَدًا! در قرآنت (به ابراهیم) فرمودی و فرموده‌ات درست است که «مردم را فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكُّ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ بِهِ حَجَّ فِرَاخُونَ تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لا-غیر اندام از هر راه دور به سویت آیند» فَسَجَّ عَمِيْقٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ خِدَاوَنَدًا! من امیدوارم از کسانی باشم که دعوت را پاسخ گفته و از سرزمین جنتُ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَمِنْ فَجَّ عَمِيْقٍ، سَامِعًا لِدَعَائِكَ، وَمُسْتَجِيبًا و راه دوری آمده‌ام، ندایت را شنوا و پذیرا و فرمانبردارت لَحْكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، وَكُلِّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَكَعَمِي بَشَم، و این همه به فضل و احسان توست، پس سپاس ترا سزد که الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَتَبَغَى بِذَلِكَ الزُّلْمَةَ عِنْدَكَ، وَالْقُرْبَى إِلَيْكَ، مرا به آن توفیق بخشیدی که به سویت تقرب جویم و نزدیکی به سوی تو و الْمُنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي، وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنْكَ، و جاه و منزلت نزد تو و مغفرت گناهانم خواستار شوم که بر من به لطف خویش ببخشایی ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۴۲ اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحَرِّمْ يَدَنِي عَلَيَّ النَّارِ، خِدَاوَنَدًا! درود فرست بر محمد و آلش، و بدنم را بر آتش حرام ساز و آمینی مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.» و از عذاب و کیفیت امانم دهی به رحمت ای مهربانترین مهربانان.»

آداب ورود به مسجد الحرام:

۱. غسل کردن. ۲. پای برهنه با حالت متانت و وقار قدم برداشتن. ۳. ورود از باب بنی شیبه که مقابل باب السلام کنونی می‌باشد. و مستحب است بر در مسجد الحرام ایستاده، بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ «سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو ای پیامبر، به نام خدا وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ وَبِهِ يَارِي أُو و یاری از خداست و خواست خواست خداست، سلام بر رسول خدا و آل او، سلام علی ابراهیم وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيَّ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَالْحَمْدُ لِبِرِّ اِبْرَاهِيمِ

خلیل الله و آتش، سلام بر پیامبران خدا و فرستادگانش و سپاس ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۴۳ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». مخصوص خداوند؛ پروردگار جهانیان است.» و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى» به نام خدا و به کمک او و بازگشت به سوی خداست و خواست خداست و بر مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، شَرِيعَتِ رَسُولِ خُودَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِی‌باشم و بهترین نام‌ها برای خداست وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَبْدُ اللَّهِ، سَلَامٌ وَرَحْمَةٌ وَبَرَكَاتٌ خُودَا بِرِ تُو اِی پیامبر، سَلَامٌ عَلَى أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَانِ، السَّلَامُ بِرِ انبِیای خُودَا و پیامبرانش، سَلَامٌ بِرِ خَلِیلِ خُودَایِ رَحْمَانِ، سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى بِرِ پیامبران خُودَا و فرستادگان و سپاس مخصوص خُودَا؛ پروردگار جهانیان است، سَلَامٌ بِرِ مَا وَ بِرِ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ بِرِ بندگان شایسته خداوند، خداوند! دُورِدُ فِرِسْتِ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِشِ وَ بِرِ بَرَكَتِ بِخُشِ ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۴۴ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِشِ وَ تَرَحَّمْ كُنْ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ خاندانش، چنانچه دُورِدُ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ بِرِ كَتِ وَ تَرَحَّمْ وَرَزِيدِ بِرِ اِبْرَاهِيمَ وَ دُودِمَانِ اِبْرَاهِيمَ كِه تُو سِتُودِه مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عِبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَ بزرگی، خداوند! دُورِدُ فِرِسْتِ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ خاندانِ مُحَمَّدٍ؛ بنده و پیامبرت، وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِیَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ خُودَاوند! دُورِدُ فِرِسْتِ بِرِ اِبْرَاهِيمَ خَلِیلِ وَ بِرِ انبِیای و پیامبرانت که دُورِدُ عَلَیْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، بِرِ آنان و سَلَامٌ فِرِسْتِ بِرِ رِسُولانِ وَ سپاس مخصوص خداوند؛ پروردگار جهانیان است، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ خُودَاوند! ابواب رحمت را برایم بگشا و مرا به فرمانبرداری و مَرْضَاتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ ثَنَاءٌ وَ جَلْبُ خُشْنُودِیْتِ بِه کار گیر و در پناه ایمان برای همیشه تا آنگاه که باقیم داشته‌ای محفوظم دار، سَتایش ذات تو وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُورِهِ، وَجَعَلَنِي بِرِ بزرگ است، حَمْدٌ مُخْصُوصٌ خُودَایِی است که مرا از واردین و زائرینش قرار داد، مِمَّنْ یَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ یُنَاجِیهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ از کسانی که مساجدش را آباد می‌کنند و با او مناجات می‌نمایند، خداوند! من بنده ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۴۵ فِي بَيْتِكَ، وَعَلَى كُلِّ مِائْتَةٍ حَقٌّ لِمَنْ آتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ وَ زَائِرِ خَانهات می‌باشم و بر هر وارد و زائری حقی بر صاحب خانه می‌باشد، و تُو مَاتِي وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي بِهترین و گرامی‌ترین کسی هستی که بر او وارد می‌شوند، پس از تو می‌خواهم ای خُودَایِ رَحْمَانِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَخَدِّدْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، كِه مَعْبُودِی جِز تُو نِیست تنها و بی‌همتایی، یگانه، یگانه، بی‌نیاز، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ وَلَمْ یَكُنْ لَهُ لَكَ كُفُؤًا أَحَدٌ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ نِه زاده‌ای و نه زاده شده‌ای، و برای تو همتایی نمی‌باشد و اینکه مُحَمَّدٌ وَرَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، یا جِوَادُ یا كَرِيمُ یا بنده و فرستاده توست که صلوات خُودَا بر او و خاندانش باد ای بخشنده ماجِدُ یا جَبَّارُ یا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُخَفَّتَكَ إِیَّایِ بِزِیارتی ای کریم ای بزرگ ای خطاپوش، ای کریم از تو می‌خواهم که هدیه مرا به خاطر إِیَّاكَ أَوَّلَ شَیْءٍ تُغَطِّينِي فَكَاكَ رَقِیْبَتِي مِنَ النَّارِ. زیارتم از خانه تو، نخستین عطایت را رهایم از آتش قرار بده.» پس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ فَكَّ رَقِیْبَتِي مِنَ النَّارِ». خداوند! مرا از آتش رهایی بخش.» ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۴۶ آنگاه چنین ادامه دهد: «وَ أَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ» و از روزی حلال و پاکیزه بر من وسعت بخش و شرّ شیاطینِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ». شیطان‌های جن و انس، و شر فاسقان عرب و عجم را از من دفع کن.» پس داخل مسجد الحرام شود، و رو به کعبه دست‌ها را بلند نموده بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، فِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ» خداوند! در این جایگاهم و در اوّل مناسکم از تو می‌خواهم که تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَ تَصْعَ عَنِّي وَزْرِي، تُو بهام را پذیرا و از خطایم درگذری و وزر و وبال را از من برداری الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا حَمْدٌ مُخْصُوصٌ خُودَایِی است که مرا به بیت الله الحرام خویش رساند، خداوند! من

گواهی دهم که اینک بَیتُکَ الحَرَامُ الَّذِی جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًی بَیتَ اللَّهِ الحَرَامِی است که تو محل آمد و شد مردم و محل امن و مبارک و هدایت لِّلْعَالَمِینَ. اللَّهُمَّ إِنِّی عَبْدُكَ، وَالْبَلَدَ بَلَدُكَ، وَالْبَیْتَ بَیْتُكَ، جِئْتُ جَهِانِیَانِ قَرَارِ دَادِی، خَدَاوَنَدَا! مِنَّم بِنَدَه تُو وَ اَیْنِ شَهْرِ شَهْرِ تُوَسْتِ وَ خَانَه خَانَه تُو مِی بَاشَد آمَدَهَامِ اَدْعِیَه وَ آدَابِ مَکَه مَکْرَمَه، ص: ۴۷ أَطْلُبُ رَحْمَتَکَ، وَأَوْمُّ طَاعَتَکَ، مُطِيعًا لِأَمْرِکَ، رَاضِيًا بِقَدْرِکَ، تَا رَحْمَتِ تُو رَا بَطْلِبِمِ وَ آهَنَکَ اطَاعَتِ تُو کَرَدَمِ، فَرْمَانِبَرَدَارِ اَمْرِ تُو مِی بَاشَمِ، وَ رَاضِی بَه تَقْدِیرِ تُو هَسْتَمِ، أَسْأَلُکَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَیْکَ الخَائِفِ لِعُقُوبَتِکَ. اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی اَز تُو مِی خَوَاهِمِ هَمَانَنَدِ نِیازمندی که از تو خائف می باشد، خَدَاوَنَدَا! دَرَهَای أَبْوَابِ رَحْمَتِکَ، وَاسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ وَ مَرْضَاتِکَ». رحمت را به رویم بگشا و به طاعت و جلب رضایت و ادارم ساز. «بعد خطاب کند به کعبه و بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَظَّمَکَ وَ شَرَّفَکَ وَ کَرَّمَکَ وَ جَعَلَکَ مَثَابَةً «حمد خدایی را که ترا بزرگ و با شرافت و محل آمد و شد لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًی لِّلْعَالَمِینَ». مردم و جای امن و مبارک و عامل هدایت جَهِانِیَانِ قَرَارِ دَادِ». و مستحب است وقتی به محاذی «حجر الأسود» رسید، بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ، «گواهی می دهم که معبودی جز خدای یکتای بی همتا نیست وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ اَیْنِکَه مُحَمَّدِ بِنَدَه و فرستاده اوست، ایمان آوردم به خدا، و به جبت و ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۴۸ وَالطَّاعُوتِ وَبِاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَعِبَادَةِ الشَّیْطَانِ، وَعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ طَاغُوتٍ وَ لَاتٍ وَ عَزَى وَ عِبَادَتِ شَیْطَانٍ وَ عِبَادَتِ هَر چِه شَرِیکِ خَدَا یُدْعِی مِنْ دُونِ اللَّهِ». خوانده شود کفر می ورزم. امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: هنگامی که داخل مسجد شدی جلو برو تا روبروی «حجر الأسود» که رسیدی متوجه آن شده، این دعا را بخوان: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا «حمد مخصوص خدایی است که ما را به اینجا هدایت کرد و اگر هدایت خدا نبود به اینجاراه الله، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، أَكْبَرُ نَمِی یافْتِیمِ، منزّه است خدا و سپاس ویژه اوست و معبودی نیست جز خدا و خداوند بزرگ است، خداوند بزرگتر از مَنْ خَلَقَهُ، وَأَكْبَرُ مِمَّا أَحْشَى وَأَخِذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا آفَرِیدَه هَایِشِ مِی بَاشَد، خَدَاوَنَدِ بَزَرگَتَرِ اَسْتِ اَز اَنچِه اَز اَن بَیْمَانِکِیمِ، مَعْبُودِی جِزِ خَدَایِ یِکْتایِ شَرِیکِ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، یُحِیِّی وَ یُمِیتُ، وَ یُحِیِّی بَی هَمْتَا نِیسْتِ، مَلِکِ هَسْتِی وَ حَمْدِ بَرایِ اوست، زنده می کند و می میراند و می میراند وَ یُحِیِّی، یَبْیِدُهُ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ. اللَّهُمَّ وَ دُوبَارَه زنده می کند، خیر و خوبی به دست اوست، و او بر هر چیز توانا است، ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۴۹ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِکْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، خَدَاوَنَدَا! سَلامِ وَ دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ حَضْرَتِ مُحَمَّدِ وَ آلَشِ، وَ بَرِ اَنانِ بَرِکْتِ بَخْشِ؛ کَأَفْضَلِ مَا صَدَّیْتُ وَ بَارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلٰی اِبْرَاهِیمَ وَآلِ بَهْتَرِینِ دَرُودِ وَ بَرِکْتِ وَ رَحْمَتِی کِه بَرِ اِبْرَاهِیمِ وَ آلَشِ اِبْرَاهِیمِ، اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ، وَ سَلامٌ عَلٰی جَمِیعِ النَّبِیینِ فَرَسْتاده ای که تو ستوده و بزرگی، سلام بر تمام پیامبران وَ الْمُرْسَلِینَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ. اللَّهُمَّ إِنِّی أُوْمِنُ وَ فَرَسْتادگان، و سپاس مخصوص خداوند؛ پروردگار جَهِانِیَانِ اَسْتِ، خَدَاوَنَدَا! بُوْعِیدِکَ، وَأَصِیدِ قُ رُسُلِکَ، وَ اتَّبِعْ کِتَابِکَ». به وعده توایمان دارم و پیامبرانت را تصدیق می کنم و از کتابت پیروی می نمایم.» و در روایت معتبر وارد است که وقتی نزدیک حجرالأسود رسیدی دست های خود را بلند کن، و حمد و ثنای الهی را بجا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست، و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند، پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و اگر بوسیدن ممکن نشد لمس کن، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن، و بگو: «اللَّهُمَّ أَمَانَتِی أَدِیْتُهَا وَ مِثَاقِی تَعَاهَدْتُهَا لَتَشْهَدَ لِی بِالْمُؤَافَاةِ، «خداوند! امانتم را ادا و پیمانم را تجدید کردم تا تو بر وفا به عهدم گواهی دهی، ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۵۰ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِکِتَابِکَ وَ عَلٰی سُنَّةِ نَبِیکَ، أَشْهَدُ أَنْ خَدَاوَنَدَا! کِتَابَتِ رَا تَصَدِیقِ مِی کِنَمِ وَ اَز سَنَّتِ پِیامبَرْتِ - که درود تو بر او و بر آلش - پیروی می نمایم لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَ گواهی می دهم که معبودی جز خدای یکتای بی همتا نیست و محمد بنده او آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاعُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى پِیامبَرِ وَ رَسولِ اوست، به خدا ایمان آوردم و به جبت و طاغوت و لای و عِبَادَةِ الشَّیْطَانِ، وَ عِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ یُدْعِی مِنْ دُونِ اللَّهِ». و عزّی و عبادت شیطان و عبادت هر شریکی برای خدا کفر می ورزم.» و اگر نتوانی همه را بخوانی قسمتی از آن را بخوان، و بگو: اللَّهُمَّ إِلَیْکَ بَسَطْتُ یَدِی وَ فِیْمَا عِنْدَکَ عَظَّمْتُ رَغْبَتِی

خداوندا! به سوی تو دست گشودم و اشتیاقم به آنچه نزد توست بزرگ است فَاقْبِلْ سُبْحَتِي، وَاعْفُ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ پَسِ تَسْبِيحِمَ رَا بِيذِيرِ، گناه‌ها را بیامرز و بر من ترحم کن، خداوندا! به تو از الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. کفر، فقر، و خواری دنیا و آخرت پناه می‌برم.» ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۵۱

مستحبات طواف:

اشاره

مستحب است حاجی در حال طواف، با کمال خلوص و توجه به خدا، در هر دوری از طواف‌های هفت گانه، راز و نیازی آهسته و آرام، با حضرت حق داشته باشد، پس علاوه بر اذکاری که دارد، می‌تواند در هر شوط این ادعیه را بخواند:

دعای اشواط طواف:

برای اینکه طواف کننده در تعداد دورهای طواف شک نکند، می‌تواند دعاهای وارده را تقسیم کرده و در هر دور طواف بخشی از آن را به قصد رجاء بخواند، و اگر تکرار شد مانعی ندارد.

دعای دور اول:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ، خداوندا! از تو مسألت می‌کنم به آن نامت که با ذکر به وسیله آن بر روی آب راه می‌روند، ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۵۲ کَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جَدَدِ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ چنانچه بر روی زمین سخت و هموار، و از تو می‌خواهم به حق آن نامت که عرش برای آن لَهُ عَرْشُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، به لرزه می‌افتد، و از تو می‌خواهم به حق آن اسمت که گام‌های فرشتگان به لرزه می‌افتد، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ، و از تو می‌خواهم به حق آن نامت که موسی ترا با آن از سوی کوه طور خواند فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَدَعَائِهِ رَا مَسْتَجَابَ كَرْدِي وَ مَحَبَّتِ خَوِيْشِ رَا بَهْ اَوِ الْقَا كَرْدِي، و از تو می‌خواهم به آن نامت که غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا گناه گذشته و آینده حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بخشیدی تَأَخَّرَ، وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتِكَ، أَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» و نعمت خود را بر او تمام کردی که مرا از خیر دنیا و آخرت بهره‌مند سازی.» و حاجات خود را می‌خواهی.

دعای دور دوم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقْبِلْ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُعْزِرْ» خداوندا! من به تو نیازمندم، و من بیمناک و پناه جویم، پس جسمم را دگرگون ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۵۳ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلِ اسْمِي». مساز و نامم را تبدیل مکن» سپس می‌گویی: سَأَلْتُكَ فَاقْبِلْ، فَاقْبِلْ بِاسْمِكَ، فَتَصِدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ. اللَّهُمَّ گدای تو، مسکین تو به در خانه‌ات آمده، بهشت را الْبَيْتُ بَيْتِكَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِهِ اَوِ عَطَا فَرَمَا، خداوندا! خانه، خانه تو و حرم، حرم تو و بنده، بنده تو است، الْمُسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَاعْتَنِي وَوَالِدِي وَاهْلِي وَوُلْدِي و این است جایگاه پناهنده تو از آتش دوزخ، مرا و پدر و مادرم را و خانواده‌ام و فرزندانم وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، یا جوادُ یا کریم». و برادران ایمانی‌ام را از آتش آزاد ساز، ای بخشنده ای کریم.»

دعای دور سوم:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَجِرْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ «خداوندا! مرا به بهشت وارد ساز به رحمت از آتش پناهم ده، و از بیماری النَّارِ، وَعَافِنِي مِنَ السُّتْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَأَدْرَأْ عَافِيَتِي بِخَشْيِ، وَرِزْقِي حَلَالٍ وَسَعْتِمْ دَه، وَدُورِ كُنْ مِنْ شَرِّ اَدْعِيهِ وَآدَابِ مَكَّةِ مَكْرَمِهِ، ص: ۵۴ عَنِي شَرَّ فِسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فِسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، يَا ذَا تَبْهَكَارَانَ جَنَّ وَانْسِ رَا، وَشَرَّ فَاَسْقَانَ عَرَبٍ وَعَجَمِ رَا، اِي صَاحِبِ نَعْمَتِ الْمَنَّ وَالطَّوْلِ، وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ، اِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَفَضْلُ، اِي بَخْشَنده كَرِيمِ، عَمَلِمْ ضَعِيفٌ اسْتِ اَنْ رَا مَضَاعِفِ سَا، وَتَقَبَّلُهُ مِنِّي، اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». وَ اَنْ رَا مِنْ بِيذِيرِ كِه تُو شَنُوَا وَ دَانَايِي.»

دعای دور چهارم:

«يا الله يا ولي العافية، وخالق العافية، ورازق العافية، «ای خدا! ای صاحب عافیت و خالق عافیت و رازق عافیت و المَنَّعَم بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمَنَّانَ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمَنْفُضَلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ بَخْشَنده عَافِيَتِ وَ دهنده نَعْمَتِ عَافِيَتِ وَ افزاینده عَافِيَتِ وَ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صِلْ بَرِّ مَنْ وَ هَمِه آفریده هایت، اِي خدایِ رَحْمَانِ وَ رَحِيمِ دَر دُنْيَا وَ آخِرَتِ، دَرُودِ فَرَسْتِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ، وَ تَمَامَ بَرِّ مُحَمَّدٍ وَ خاندانِش، وَ عَافِيَتِ رَا رُوزِي گِرْدَانِ؛ تَمَامِ عَافِيَتِ الْعَافِيَةِ، وَ شُكْرِ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». وَ شُكْرِ عَافِيَتِ رَا دَر دُنْيَا وَ آخِرَتِ اِي مَهْرَبَانِ تَرِينِ مَهْرَبَانَانِ.»

دعای دور پنجم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ «حمد خدایی را که تو (کعبه) را شرف و عظمت بخشید، و حمد خدایی رَاسْتِ كِه مُحَمَّدِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَا مُحَمَّدًا نَبِيًّا، وَ جَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ خَلْقِكَ، وَجَنِّبْهُ بِه نُبُوتِ بَرَانْگِيخْتِ وَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامِ رَا اِمَامِ قَرَارِ دَادِ، خدَاوندَا نِيكَانِ خَلَقْتِ رَا بِه زِيَارَتِ كَعْبِه رَهْمُونِ بَاشِ، وَ تَبْهَكَارَانَ شِرَارِ خَلْقِكَ». رَا اَز اَنْ دُورِ گِرْدَانِ.»

آنْگَا مِي گُويِي: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ پَرُورْدِ گَارَا! دَر دُنْيَا بِه مَا نِيكِي وَ دَر آخِرَتِ نِيكِي بَخْشِ وَ اَز عَذَابِ آتَشِ النَّارِ. بَا زَمَانِ دَارِ.»

دعای دور ششم:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتِكَ، وَالْعَبِيدُ عَبْدُكَ، وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنْ «خداوندا! خانه، خانه تو، و بنده، بنده تو و این جایگاه پناهنده به تو از النَّارِ. اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرُّوحَ وَالْفَرْجَ وَالْعَافِيَةَ. اللَّهُمَّ اِنَّ عَمَلِي آتَشِ اسْتِ، خدَاوندَا! اَز سُوِي تُو اسْتِ رَحْمَتِ وَ گَشَايشِ وَ عَافِيَتِ، خدَاوندَا! عَمَلِمْ اَدْعِيهِ وَ آدَابِ مَكَّةِ مَكْرَمِهِ، ص: ۵۶ ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَاعْفِرْ لِي مَا اَطَّلَعْتَ عَلَيَّ مِنِّي وَ خَفِيَ ضَعِيفٌ اسْتِ، اَنْ رَا مَضَاعِفِ سَا، وَ اَنْجِه رَا بَر تُو آشْكَارِ وَ بَر خَلَقْتِ پَنَهَانِ اسْتِ عَلَيَّ خَلْقِكَ، اَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ». بَر مِنْ بِيخْشِ، اَز آتَشِ بِه خدَا پَنَاهِ مِي بَرْم.»

دعای دور هفتم:

«اللَّهُمَّ اِنَّ عِنْدِي اَفْوَاجًا مِنْ دُنُوبٍ، وَ اَفْوَاجًا مِنْ خَطَايَا «خداوندا! مرا انبوهی از گناه و انبوهی از لغزش است وَ عِنْدَكَ اَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَتِي، وَ اَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَتِي، يَا مَنْ اسْتَجَابَ وَ تَرَا اَنْبُوهِي اَز رَحْمَتِ وَ اَنْبُوهِي اَز مَغْفِرَتِ، اِي اَنْكِه مَسْتَجَابِ كَرْدِي دَعَايِ دَشْمَنِ تَرِينِ لِاَبْعَضِ خَلْقِهِ اِلَيْهِ اِذْ قَالَ اَنْظُرْنِي اِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ، اسْتَجِبْ لِي». خَلَقْتِ (شَيْطَانَ) رَا، اَنْگَا مِه كِه گُفْتِ: «مَرَا تَا رُوزِ رَسْتَاخِيْزِ مَهَلْتِ دَه» دَعَايِمِ رَا مَسْتَجَابِ گِرْدَانِ، سِپَسِ حَاجَاتِ رَا بَخْوَاهِ وَ اَنْگَا بَگُو: «اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَ بَارِكْ لِي فِي مَا آتَيْتَنِي». «خداوندا! مرا به

داده‌ات قناعت بخش، آنچه را داده‌ای برایم برکت ده.» و هنگامی که مقابل مقام حضرت ابراهیم رسیدی، بگو: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۵۷ «اللَّهُمَّ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَوَسِّعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، «خداوندا! مرا از آتش آزاد ساز و از روزی حلال بر من وسعت بخش و آدرأ عَنِي شَرَّ فِسْقِ قَهِّ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَشَرَّ فِسْقِ قَهِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ». و شر فاسقان عرب و عجم و جن و انس را از من دور کن.» و امام سجّاد علیه السلام هنگام طواف، به ناودان نگاه می‌کرد، و عرضه می‌داشت: «اللَّهُمَّ أَذْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَجْزِنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ «خداوندا! به رحمت خویش مرا به بهشت وارد ساز و از آتش النَّارِ، وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ پَنَاهِمَ دَه، و از بیماری عافیتم بخش و از روزی حلال بر من وسعت ده و شرَّ عَنِي شَرَّ فِسْقِ قَهِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فِسْقِ قَهِّ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ». فاسقان جن و انس و عرب و عجم را از من دور کن.»

مستحبات نماز طواف:

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد، در رکعت اول سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورده ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۵۸ و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و از خداوند عالم طلب قبول نماید، و بگوید: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، الْحَمْدُ لِلَّهِ «خداوندا! از من بپذیر و این را آخرین دیدار و زیارتم قرار مده، حمد همه آن ویژه بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَيَّ نِعْمَائِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا خَدَّوْنَا اسْت، بر تمام نعمت‌هایش، تا حدی که موجب حب و يُحِبُّ رَبِّي وَيَرْضَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي، رضای او باشد، خداوندا! درود فرست بر محمد و خاندانش، و از من قبول کن، دلم را پاک و طَهِّرْ قَلْبِي، وَزَكِّ عَمَلِي». و عملم را پاکیزه ساز.» و در روایت دیگر چنین آمده است: «اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَوَاعِيَّتِي إِيَّاكَ، وَطَوَاعِيَّتِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ «خداوندا! مرا به واسطه اطاعت از تو و پیامبرت صلی الله علیه و آله مورد رحمت علیه و آله. اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَنْعِدَى حُدُودَكَ، وَاجْعَلْنِي قَرَارَ دَه، و از تجاوز از مرزهای اطاعت بازم دار، و از کسانی قرارم ده مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ». که تو و پیامبرت و فرشتگانت و بندگان شایسته‌ات را دوست بدارم.» و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۵۹ نماز طواف به سجده رفته و چنین می‌گفت: «سَجَدَ وَجْهِي لَكَ تَعْبُدًا وَرِقًا، لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، «از سر بندگی و بردگی، برایت چهره بر زمین می‌نهم، معبودی به حق جز تو نیست تو نخستین الأوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ موجود، پیش از هر چیز و آخرین موجود پس از هر چیزی می‌باشی و اینک من که برابرت قرار دارم، يَدِيكَ نَاصِيَّتِي بِيَدِكَ، فَاعْفُ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الدَّنْبَ الْعَظِيمَ سَرْنُوشْتَم بدست تو می‌باشد، پس بیاور مرا که گناه بزرگ جز تو کسی نمی‌آورد، عَفْوِكَ، فَاعْفُ لِي، فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ مرا بیاور که به گناهم اقرار دارم و گناه بزرگ را الدَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ». جز تو از من دور نمی‌کند.» و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنان بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

مستحبات سعی:

مستحب است پس از خواندن نماز طواف و پیش از سعی، مقداری از آب زمزم بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۶۰ «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ «خداوندا! آن را وسیله آموختن دانشی سودمند، و روزی فراخ، و شفای درد و بیماری و شِفْمِ». قرار ده.» پس از آن نزدیک حجرالأسود بیاید، و مستحب است از دری که روبروی حجرالأسود است به سوی صفا متوجه شود، و با آرامش دل و بدن بالای صفا رفته، و به خانه کعبه نظر کند، و به رکنی که حجرالأسود در آن است رو نماید، و حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و نعمت‌های الهی را به‌خاطر بیاورد، آنگاه این ذکر را بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه. «خدای بزرگ است.» «الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه. «ستایش مخصوص خدا است.» «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

طول دهد، و هنگامی که از صفا پایین می‌آید رو به خانه کعبه کند و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ» خداوندا! من به تو پناه می‌برم از عذاب و فتنه قبر و تنهایی و وحشت و ظلمت و ضیق و ضنک. اللَّهُمَّ اِظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ وَتَرَس و تاریکی و تنگی و فشار آن، خداوندا! مرا در سایه عرش قرار ده روزی که ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۶۶ یَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ. سایه‌ای جز سایه لطف تو نیست. سپس می‌گویی: «يَا رَبَّ الْعَفْوِ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ» ای پروردگار بخشنده، ای آنکه دستور بخشش دادی، ای آنکه سزواترین فرد به عفو و بخششی، ای آنکه یثیب علی العفو، العفو العفو، یا جواد یا کریم یا قریب، بر بخشیدن پاداش می‌دهی، بخشش، بخشش، بخشش، ای بخشنده ای کریم، ای نزدیک (به ما) یا بعید، اَرُدُّ عَلَيَّ نِعْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ. نعمت‌های از دست رفته را به من بازگردان، و در جهت اطاعت و خوشنودیت به کارم گیر. و مستحب است پیاده سعی نماید، و از صفا تا مناره میانه، راه رود، واز آنجا تا جایی که محل بازار عطاران بوده است (این فاصله با چراغ سبز مشخص شده)، (هَزُولَهُ كُنْدُ)، و اگر سوار باشد این فاصله را کمی تند نماید، و از برای زنها هَزُولَهُ نیست، و مستحب است در هنگامی که به این محل می‌رسد، بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،» بنام خدا و با استعانت از او، خداوند بزرگ است، درود بر محمد و ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۶۷ اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمَاعِزُ خاندان او، خداوندا! بیامرزد و رحم فرما و از آنچه می‌دانی در گذر که تو بسیار عزیز الأكرم، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَحْقَوْمُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ وَجَلِيلٌ وَكَرِيمٌ مِثْلِي، وَبِكَ حَوْلِي تَوْضَاعُفُشْ كَرْدَان و از من بپذیر، خداوندا! سعی من برای تو ضعیف است فَضَاعُفُهُ لِي، وَتَقَبَّلْ مِنِّي. اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، و نیروم از تو می‌باشد، عملم را قبول فرما، ای آنکه عمل پرهیزکاران است، و توان و قوتی، تَقَبَّلْ عَمَلِي، یا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ. و گوی: «يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي» ای صاحب نعمت و فضل و کرم و جود، بیامرزد ذنوبی، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. گناهانم را که کسی جز تو گناهان را نمی‌آمرزد. و هنگامی که به مروه رسید بالای آن برود، و بجا آورد آنچه را که در صفا بجا آورد، و بخواند دعاها را به ترتیبی که ذکر شد. و پس از آن بگوید: ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۶۸ «يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُعِيبُ الْعَفْوِ، يَا مَنْ يُعْطِي عَلَيَّ» خداوندا! ای آنکه به بخشش دستور داده‌ای، ای آنکه بخشش را دوست داری، ای آنکه بر بخشش العفو، یا مَنْ يَعْفُو عَلَيَّ الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ. پاداش می‌دهی، ای آنکه هر کس را که عفو کند، او راعفومی کنی، ای پروردگار بخشنده، العفو، العفو، العفو. و مستحب است در گریه کردن بکوشد و خود را به گریه وا دارد، و در حال سعی دعا بسیار کند، و بخواند این دعا را: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ، وَصِدْقَ» خداوندا! از تو می‌خواهم که در هر حال مرا نسبت به خود حسن ظن عنایت کنی، و نیت النية في التوكل عليك. صادق در توکل بر تو را خواستارم.»

آداب تقصیر عمره:

واجب است پس از اتمام دور سعی بین صفا و مروه، قسمتی از مو یا ناخن خود را به نیت تقصیر کوتاه کند، و بهتر آن است که اکتفا به گرفتن ناخن نکند بلکه از موی خود هم قدری کوتاه کند، که موافق احتیاط است، و تراشیدن سر در تقصیر عمره تمتع کفایت نمی‌کند، بلکه حرام می‌باشد. و هنگام تقصیر مناسب است این دعا را بخواند: ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۶۹ «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ». خداوندا! به هر مویی، نوری در قیامت به من عطا فرما!

اقسام حج:

حجّ بر سه قسم است: ۱. «حجّ تمتع» و آن وظیفه کسانی است که ۴۸ میل (یعنی شانزده فرسخ) از مکه دور باشند، و حجّ تمتع همراه عمره تمتع است. ۲. «حجّ افراد» که عین حجّ تمتع است با این فرق که در حجّ تمتع قربانی واجب است و در حجّ افراد واجب نیست. ۳. «حجّ قرآن» مانند حجّ افراد است با این تفاوت که در حجّ قرآن، همراه آوردن قربانی لازم است. تفصیل مسائل اقسام حجّ را در مناسک مطالعه کنید.

واجبات حجّ تمتع:

واجبات حجّ تمتع ۱۳ عمل است: ۱. احرام بستن در مکه. ۲. وقوف در عرفات. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۳۷۰. وقوف در مشعرالحرام. ۴. زدن سنگ بر جمره عقبه در روز عید. ۵. قربانی در منا. ۶. تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منا. ۷. طواف زیارت در مکه. ۸. دو رکعت نماز طواف. ۹. سعی بین صفا و مروه. ۱۰. طواف نساء. ۱۱. دو رکعت نماز طواف نساء. ۱۲. ماندن در منا شب یازدهم و دوازدهم (و در بعضی موارد شب سیزدهم). ۱۳. رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم. و دعا‌های وارد شده ضمن این اعمال از قرآن زیر می باشد:

مستحبات احرام حجّ تا وقوف به عرفات:

اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حجّ نیز مستحب است، و پس از این که شخص احرام بست و از مکه بیرون آمد، همین که بر «أَبْطَحْ» مشرف شد، به آواز بلند تلبیه ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۷۱ گوید، و چون متوجه منا شود بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَهْرَجُ وَإِيَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَأَصْلِحْ لِي» «خداوندا! تنها بتو امیدوارم و فقط ترا می‌خوانم پس مرا به آرزویم برسان و عملم را عملی». اصلاح فرما. و با وقار و دل آرام، و در حال گفتن سبحان الله و ذکر حق تعالی حرکت کند، و چون به منا رسید بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَبَلَّغَنِي هَذَا» «حمد مخصوص خدایی است که مرا به شایستگی و تندرستی به منا رساند و به این مکان امکان». وارد ساخت. پس بگوید: «اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ مِنَ الْمَنَاسِكِ»، «خداوندا! اینک منا است که بر ما نسبت به توفیق انجام مناسک منت نهاده‌ای فَاسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ فِيهَا بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا بِسُؤَالِكَ بِسُؤَالِكُمْ» آنچه که به پیامبرانت داده‌ای بر من نیز منت نهی که من بنده تو و عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ». در اختیار تو می‌باشم. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۷۲ و مستحب است شب عرفه را در منا بوده، و به اطاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد حَيْفُ بجا آورد، و چون نماز صبح را بخواند تا طلوع آفتاب تعقیب نماز بخواند، پس به سوی عرفات روانه شود، و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح برود مانعی ندارد، ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود، و روانه شدن پیش از صبح مکروه است، و چون به عرفات متوجه شود، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي كَيْفَ صَدَدْتُمْ، وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُمْ، وَوَجَّهْتُمْ أَرَدْتُمْ»، «خداوندا! آهنگ ترا کرده‌ام و به تو اعتماد نموده‌ام، و تقرّب به ترا خواسته‌ام، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَأَنْ تُوَفَّقَنِي لِحَاجَتِي» و از تو می‌خواهم که سفرم را مبارک گردانی و حاجتم را برآورده سازی تَجْعَلْنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي». و مرا قرار دهی از جمله بهترین کسانی که به وجودشان مباحات می‌کنی. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۷۳

مستحبات اعمال شب عرفه:

شب نهم ذی حجه که شب عرفه است در فضیلت و احیا و دعا و عبادت مانند روز عرفه است، و مستحب است که در آن شب این دعاها خوانده شود.

دعای شب عرفه:

«اللَّهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَمَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَعَالَمَ كُلِّ خَدَايَايَ آغَاةِ هَر رَاذِ وَ مَرَجِ هَر شَكَايَةِ وَ دَانَايَ هَر حَافِيَّةِ، وَ مُنْتَهَى كُلِّ حَاجِيَّةِ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنَّعْمِ عَلَى الْعِبَادِ، يَا كَرِيمَ پَنَهَانِ وَ مَنْتَهَايَ هَر حَاجَتِ اِي آغَازِنْدَه نَعْمَتِهَا بِر بِنْدِگَانِ اِي بَزَرْگِ گِذِشْتِ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا جَوَادُ، يَا مَنْ لَا يُوَارِي مِنْهُ لَيْلٌ دَاجِ، اِي نِيكُو دَر گِذَرِ اِي بَخِشِنْدَه اِي كِه نَه شَبِ تَار چِيزِي رَا اَز تُو پَنَهَانِ كِنْدِ وَلَا بَحْرُ عَجَاجِ، وَلَا سِمَاءُ ذَاتِ اَبْرَاجِ، وَلَا ظُلْمٌ ذَاتِ اِرْتِجَاجِ، يَا وَ نَه دَرِيَايِ مَوَاجِ وَ نَه آسْمَانِ پَر سَتَارَه وَ نَه تَارِيكِيهَائِي پِيچِيده دَر هَمِ اِي مَنْ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ، أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي كَسَى كِه تَارِيكِي دَر پِيشِ اُو رُوشَنِ اسْتِ اَز تُو خَوَاهِمِ بَه حَقِ نُورِ ذَاتِ بَزَرْگَوَارْتِ كِه اِدْعِيَه وَ آدَابِ مَكِه مَكْرَمَه، ص: ۷۴ تَجَلَّيْتَ بِه لِلْجَبَلِ، فَجَعَلْتَهُ ذِكَاً وَخَرَّ مُوسَى صَيِّعًا، وَبَاسِمِكَ بَدَانَ وَسِيلَه بِر كُوهِ تَجَلَّى فَرمودِي وَ اَنْرَا مِتْلَاشِي كَرْدِي وَ مَوسِي مَدَهوشِ بِر زَمِينِ اِفْتَادِ وَ بَه هَمَانِ نَامْتِ الَّذِي رَفَعْتَ بِه السَّمَاوَاتِ بِلَا عَمَدٍ، وَسَطَّحْتَ بِه الْبَارِضَ عَلَى كِه آسْمَانِهَا رَا بَدُونَ سَتُونِ بَر اَفْرَاشْتِي وَ زَمِينِ رَا بِر رُويِ آبِي وَجِهِ مَاءِ جَمِيدٍ، وَبَاسِمِكَ الْمَحْزُونِ الْمَكْتُوبِ الطَّاهِرِ مَنْجَمِدِ شَدَه پَهِنِ كَرْدِي وَ بَدَانَ نَامِ مَكْتُوبِ وَ مَحْفُوظِ وَ پَاكْتِ كِه الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِه اِحْبَتٌ، وَإِذَا سُئِلَتْ بِه اَعْطِيَتْ، وَبَاسِمِكَ هَر گَاهِ بَدَانَ تَرَا بِخَوَانَدَتِ اِحْبَاتِ كِنِي وَ هَر گَاهِ بَدَانَ اَز تُو خَوَاهِنْدِ عَطَا فَرْمَائِي وَ بَه حَقِ نَامِ السُّبُوحِ الْقُدُّوسِ الْبُرْهَانِ الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ، وَ نُورٌ مِنْ مَنزَهِ وَ مَقْدَسِ وَ رُوشَنْتِ كِه اَن نُورِ اسْتِ بِر هَر نُورِي وَ نُورِ اسْتِ نُورٍ، يُضِيءُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ، إِذَا بَلَغَ الْأَرْضَ انشَقَّتْ، وَإِذَا بَلَغَ اَز نُورِي كِه رُوشَنِي گِيَرِدِ اَز اَن هَر نُورِ چُونِ بَه زَمِينِ رَسَدِ شَكَا فَنَه شُودِ وَ چُونِ بَه السَّمَاوَاتِ فُتِحَتْ، وَإِذَا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّتْ، وَبَاسِمِكَ الَّذِي تَرْتَعَدُ آسْمَانِهَا رَسَدِ گِشُودَه شُودِ وَ چُونِ بَه عَرِشِ رَسَدِ بَلَرَزْدِ وَ بَه حَقِ اَن نَامْتِ كِه بَلَرَزْدِ مِنْهُ فَرَايِصُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ اَز اَن اِنْدَامِ فَرِشْتِگَانَتِ وَ اَز تُو خَوَاهِمِ بَه حَقِّ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ اِسْرَافِيلَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى وَ اِسْرَافِيلَ وَ بَه حَقِّ مُحَمَّدِ مُصْطَفَى كِه دَرُودِ خُدَا بِر اُو وَ اَلشِّ وَ بِر اِدْعِيَه وَ آدَابِ مَكِه مَكْرَمَه، ص: ۷۵ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ، وَبِالِاسْمِ الَّذِي مَشَى بِه الْخَضِرُ جَمِيعِ پِيْمَبِرَانِ وَ هَمِه فَرِشْتِگَانِ وَ بَه حَقِ اَن نَامِي كِه حَضْرَتِ خَضِرِ بُو سِيلَه اَن عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا مَشَى بِه عَلَى خَيْدِ الْأَرْضِ، وَبَاسِمِكَ بِر رُويِ اَمَواجِ آبِ دَرِيَا رَاهِ مِي رَفْتِ چَنَانِچَه بِر رُويِ زَمِينِ هَمُوارِ رَاهِ مِي رَفْتِ وَ بَه حَقِ اَن نَامْتِ الَّذِي قَلَقْتَ بِه الْبَحْرَ لِمُوسَى وَ اَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ، كِه شَكَا فَنِي بَدَانَ دَرِيَا رَا بِر اِي مَوسِي وَ غَرَقِ كَرْدِي فَرْعَوْنَ وَ قَوْمِ اُو رَا وَ اَنْجَيْتَ بِه مُوسَى بِنَ عِمْرَانَ مِنْ وَ نَجَاتِ دَادِي بَدَانَ مَوسِي بِنِ عِمْرَانَ وَ هَمْرَاهَانِشِ رَا وَ بَه حَقِ اَن نَامْتِ كِه جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ الْقَيْتَ مُوسَى بِنِ عِمْرَانَ بُو سِيلَه اَن تُو رَا خَوَانَدِ اَز جَانِبِ رَاسْتِ كُوهِ طُورِ وَ اِحْبَاتِشِ كَرْدِي عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَبَاسِمِكَ الَّذِي بِه أَحْيَا عِيسَى بِنَ مَرْيَمَ وَ مَحَبَّتِ خُودِ رَا بِر دَلِشِ اِنْدَاخْتِي وَ بَه حَقِ اَن نَامْتِ كِه عِيسَى بِنِ الْمَوْتِي وَ تَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا، وَ أَبْرَأَ الْبَاكِمَةَ وَ الْأَبْرَصَ مَرِيْمَ بُو سِيلَه اَشِ مَرْدِگَانِ رَا زِنْدَه كَرْدِ وَ دَرِ گَهوَارَه دَرِ زَمَانِ كُودَكِي سَخْنِ گِفْتِ وَ كُورِ مَادِرَزَادِ وَ مِبْتَلَايِ بَه مَرَضِ بَرَصِ رَا يَأْذِيكَ، وَبَاسِمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِه حَمَلَمَةُ عَوْشِكَ وَ جَبْرَائِيلُ بِه اِذْنِ تُو شَفَا دَادِ وَ بَدَانَ نَامْتِ كِه خَوَانَدِ بُو سِيلَه اَن تُو رَا حَامِلِينَ عَرِشْتِ وَ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ اِسْرَافِيلَ، وَ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ مِيكَائِيلَ وَ اِسْرَافِيلَ وَ حَبِيبَتِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ اَنْبِيَاؤُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ فَرِشْتِگَانِ مَقْرَبِ وَ پِيْمَبِرَانِ مَرَسَلَتِ وَ بِنْدِگَانِ شَايِسْتَهَاتِ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ، وَبَاسِمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِه اَز اَهْلِ آسْمَانِهَا وَ زَمِينِهَا وَ بَدَانَ نَامْتِ كِه يُونَسَ تُو رَا بَدَانَ نَامِ خَوَانَدِ ذُو النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي دَرِ اَن هِنْگَامِ كِه خَشْمَنَاكِ بَرَفْتِ وَ گِمَانِ دَاشْتِ كِه بِر اُو سَخْتِ نَگِيَرِي پَسِ نَدَا كَرْدِ دَرِ الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، مِيانِ تَارِيكِيهَائِي كِه مَعْبُودِي جَزِ تُو نِيَسْتِ مَنزَهِي تُو وَ بَرَاَسْتِي مَنِ اَز سَتَمَكَارَانِ هَسْتَمِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ نَجَّيْتَهُ مِنَ الْعَمِّ، وَكَذَلِكَ تُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، پَسِ تُو اِحْبَاتِشِ كَرْدِي وَ اَز اِنْدُوه نَجَاتِشِ دَادِي وَ اَيْنِ چِنِينِ نَجَاتِ دَهِي مُؤْمِنَانَ رَا وَبَاسِمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي دَعَاكَ بِه دَاوُدُ وَخَرَّ لَكَ سَاجِدًا، فَغَفَرْتَ وَ بَدَانَ نَامِ عَظِيمَتِ كِه دَاوُدِ بَدَانَ نَامِ تُو رَا خَوَانَدِ وَ بَرَايْتِ بَه سَجْدَه اِفْتَادِ پَسِ گِنَاهِشِ لَهُ ذَنْبُهُ، وَبَاسِمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِه آسِيَّةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ اَمْرِيذِي وَ بَدَانَ نَامْتِ كِه آسِيَه هَمَسَرِ فَرْعَوْنَ بَدَانَ نَامِ تُو رَا خَوَانَدِ وَ گِفْتِ:

پروردگارا اِنِّ لِي عِنْدَكَ يَتِّأ فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي لِأَيِّ مَن نَزَلَ فِي بَيْتِكَ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَكَرْدَارِش وَنَجِّنِي مِنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، فَاشْتَجَبَتْ لَهَا دُعَاءُهَا، وَبِاسْمِكَ الَّذِي أَدْرَسْتَهُ مَرْدَمِ سَتْمَكَارِ پَسِ دَعَائِشِ رَا اِجَابَتْ كَرْدِي وَبَدَانِ نَامْتِ كِه اَدْعِيه وَ اَدَابِ مَكّه مَكْرَمه، ص: ۷۷ دَعَاكَ بِه اَيُّوبُ اِذْخَلَ بِه اَلْبَلَاءُ، فَعَافَيْتَهُ وَآتَيْتَهُ اَهْلَهُ وَمَثَلَهُمْ اَيُّوبُ تُو رَا بَدَانِ خَوَانْدِ دَر اَن هِنْكَامِ كِه بَلَا بَر اُو نَازَلِ شَدِ پَسِ اُو رَا تَنْدَرَسْتِ كَرْدِه وَ كَسَانَشِ رَا بِه اُو دَادِي وَ نَظَائِرِشَانِ رَا مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرِي لِلْعَابِدِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ نِيْزِ اَز رَحْمَتِ خَوِيْشِ وَ پَنْدِي بَرَايِ پَرَسْتَشِ كَنْنَدِگَانِ وَ بَدَانِ نَامْتِ كِه يَعْقُوبُ بِه يَعْقُوبُ، فَزَدَدَتْ عَلَيْهِ بَصِيرَةٌ وَقُوَّةٌ عَيْتِهِ يُوسُفَ، وَجَمَعِيَتْ تُو رَا بَدَانِ نَامِ خَوَانْدِ پَسِ بِيْنَائِشِ رَا وَ نُوْرِ دِيْدِهْ اَشِ يُوْسُفَ رَا بِه اُو بَازِگَرْدَانْدِي وَ پَرِيْشَانِشِ رَا شَمْلَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِه سَلِيْمَانُ، فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكًا لَا يَرْطَفُ كَرْدِي وَ بَدَانِ نَامْتِ كِه سَلِيْمَانِ بَدَانِ تُو رَا خَوَانْدِ پَسِ بَدُو سُلْطَنْتِي دَادِي كِه يَتَّبِعِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي شَايِسْتِه نَبُوْدِ بَرَايِ هِيْجَكَسِ پَسِ اَز اُو وَ بَرَاَسْتِي تُو پَرِبَخْشِشِي وَ بَدَانِ نَامْتِ كِه سَيِّخَرْتَ بِه الْبَرَاقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اِذْ قَالَ بَرَاقُ رَا بَرَايِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَسْخَرُ كَرْدِي اَنْجَا كِه فَرْمُوْدِي: تَعَالَى سُبْحَانَ الَّذِي اَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ «مَنْزَه اَسْتِ خَدَائِي كِه رَاهِ بَرْدِ بَنْدِهْ اَشِ رَا شَبَانِه اَز مَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصَى وَقَوْلُهُ: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا تَا مَسْجِدِ اَقْصَى» وَ كَفْتَارِ دِيْگَرْتِ: «مَنْزَه اَسْتِ خَدَائِي كِه مَسْخَرُ كَرْدِ بَرَايِ مَا اَيْنِ رَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ اَنَا اِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي وَگَرْنِه مَا نِيْرُوِي تَسْخِيْرِشِ رَا نَدَاشْتِيْمِ وَ مَا بَسُوِي پَرُوْرْدِگَارِمَانِ بَازِ مِيْ گَرْدِيْمِ» وَ بَدَانِ نَامْتِ كِه اَدْعِيه وَ اَدَابِ مَكّه مَكْرَمه، ص: ۷۸ تَنْزَلُ بِه جَبْرِيْلُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي نَازَلِ مِيْ شَدِ بُوْسِيْلَه اَن جَبْرِيْلُ بَر مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ بَدَانِ نَامْتِ كِه دَعَاكَ بِه اَدَمُ، فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَاسْكَنْتَهُ جَنَّتِكَ، وَاسْأَلُكَ بِحَقِّ خَوَانْدِ بَدَانِ نَامِ تُو رَا اَدَمِ پَسِ گَنَاهِشِ اَمْرِيْذِي وَ دَر بَهْشْتِ جَايِشِ دَادِي وَ اَز تُو خَوَاهِمِ الْقُرْآنِ الْعَظِيْمِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَبِحَقِّ اِبْرَاهِيْمَ بِه حَقِّ قُرْآنِ عَظِيْمِ وَ بِه حَقِّ مُحَمَّدِ خَاتَمِ پِيْمْبَرَانِ وَ بِه حَقِّ اِبْرَاهِيْمِ وَبِحَقِّ فَضِيْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ، وَبِحَقِّ الْمَوَازِيْنِ اِذَا نَصَبَتْ، وَ بِه حَقِّ جَدَا كَرْدَنْتِ حَقِّ وَ بَاطِلِ رَا دَر رُوْزِ دَاوَرِي وَ بِه حَقِّ مِيْزَانِهَا هِنْكَامِي كِه نَصَبِ گَرْدَدِ الصُّحُفِ اِذَا نُشِرَتْ، وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرَى وَاللُّوحِ وَمَا اَنكَاهِ اَنكَاهِ كِه كَشُوْدِه شُوْدِ وَ بِه حَقِّ قَلَمِ وَ اَنْجِه بَنُوِيْسِدِ وَ لُوْحِ وَ اَنْجِه اَخْصِي وَبِحَقِّ الْاِسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَيَّ سِرَادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ بِشْمَارِدِ وَ بِه حَقِّ اَن نَامْتِ كِه نُوْشْتِي اَن رَا بَر سَرَاپَرْدِهْ هَايِ عَرِشِ پِيْشِ خَلْقِكَ الْخَلْقِ وَالْاَلْبَانِي وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ بِالْفَلْقِ عَامًا، وَأَشْهَدُ اَنْ لَا اَز اَن كِه خَلْقِ رَا بِيْرِيْنِي وَ دُنْيَا وَ خُوْرَشِيْدِ وَ مَاهِ رَا خَلْقِ فَرْمَائِي بِه دُو هَزَارِ سَالِ وَ گُوَاهِي دَهْمِ كِه مَعْبُوْدِي اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَخِيْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ، وَ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ جَزِ خَدَايِ يِگَانِه نِيْسْتِ كِه شَرِيْكَي نَدَارْدِ وَ اِيْن كِه مُحَمَّدِ بَنْدِه وَرَسُوْلُهُ، وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَحْزُونِ فِي خَزَائِنِكَ الَّذِي وَ رَسُوْلِ اُو اَسْتِ وَ اَز تُو خَوَاهِمِ بَدَانِ نَامِ مَحْفُوْظِ دَر خَزِيْنِهْ هَايْتِ اَدْعِيه وَ اَدَابِ مَكّه مَكْرَمه، ص: ۷۹ اَسْتَأْثَرْتُ بِه فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، لَمْ يَظْهَرْ عَلَيْهِ اَحَدٌ مِنْ كِه مَخْصُوْصِ خُوْدِ سَاخْتِي اَن رَا دَر عِلْمِ غَيْبِ دَر نَزْدِ خُوِيْشْتَنْ وَ اَكْاهِ نَشْدِ بَر اَن هِيْجَكَسِ اَز خَلْقِكَ، لَا مَلَكٌ مُقْرَبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا عَبْدٌ مُصْطَفَى، خَلْقِ تُو نِه فَرِشْتِه مَقْرَبِي وَ نِه پِيَامْبَرِ مَرْسَلِي وَ نِه بَنْدِه بَر گَزِيْدِهْ هَايِ وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَقْتَ بِه الْبَحَارَ، وَقَامَتْ بِه الْجِبَالُ، وَ اَز تُو خَوَاهِمِ بَدَانِ نَامْتِ كِه شَكَاْفْتِي بَدَانِ دَرِيَاها رَا وَ بَر پَا شَدِ بَدَانِ كُوْهها وَ اَخْتَلَفَ بِه اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيْمِ، وَ دَر رَفْتِ وَ اَمْدِ شَدِ بَدَانِ شَبِ وَ رُوْزِ وَ بِه حَقِّ سُوْرِه مَبَارِ كِه حَمْدِ وَ قُرْآنِ وَبِحَقِّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِيْنَ، وَبِحَقِّ «طَاها» وَ «يَا سِيْنِ» وَ «كَافِها» يَا عَظِيْمِ وَ بِه حَقِّ نُوِيْسَنْدِگَانِ اَر جَمَنْدْتِ وَ بِه حَقِّ طِه وَ يَسِ وَ كَهْبِعِصِ عَيْنِ صَادِ» وَ «حَا مِيْمِ عَيْنِ سِيْنِ قَافِ»، وَبِحَقِّ تُوْرَاهِ مُوسَى وَ اِنْجِيْلِ وَ حَمِصَقِ وَ بِه حَقِّ تُوْرَاتِ مُوسَى وَ اَنْجِيْلِ عِيْسَى وَ زُبُوْرِ دَاوُدَ، وَفُوقَانَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلَيَّ وَ قُرْآنِ مُحَمَّدِ كِه دَرُوْدِ تُو بَر اُو وَ اَلْشِ وَ بَر جَمِيْعِ رَسُوْلَانِ بَادِ وَ بِه حَقِّ بَاهِي جَمِيْعِ الرُّسُلِ وَ بَاهِيًّا وَ شَرَاهِيًّا. اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِحَقِّ تَلْكَ الْمُنَاجَاةِ وَ شَرَاهِي (كِه دُو نَامِ اعْظَمِ يَا نَامِ دُو تَنْ اَز بَزْرِگَانِ دِيْنِ اَسْتِ) خَدَايَا اَز تُو خَوَاهِمِ بِه حَقِّ اَن مَنَاجَاتِي كِه مِيَاَنْ تُو اَلَّتِي كَانَتْ يَتَّبِعُكَ وَبَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَوْقَ جَبَلِ طُوْرِ سَيْنَاءَ، وَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ دَر بَالَايِ كُوْهِ طُوْرِ سَيْنَاءَ كَشَدْتِ وَ اَز تُو خَوَاهِمِ بِه اَن نَامْتِ اَدْعِيه وَ اَدَابِ مَكّه مَكْرَمه، ص: ۸۰ وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْاَرْوَاحِ، وَاسْأَلُكَ كِه اَن رَا بَرَايِ گَرَفْتَنْ جَانِهَا بِه مَلَكِ الْمَوْتِ يَادِ دَادِي

و از تو خواهم بدان نامت که بِاسْمِكَ الَّذِي كُتِبَ عَلَيَّ وَرَقَ الزُّبُونِ، فَخَضَّحَتِ النَّيْرَانُ لِيَلْتَكُ نُوْشْتَه شَدَّ بِه بَرَكِ زَيْتُونِ وَ آتَشَهَا دَرِ
مِقَابِلِ آن نام فروتن گشت الْوَرَقَةَ، فَقُلْتُ: يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ وَ فَرْمُودِي «ای آتش سرد و سلامت باش» و از
تو خواهم بدان نامت که نوشتی أَنَا الَّذِي كَتَبْتُهُ عَلَى سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَالْكَرَامَةِ، يَا مَنْ لَا يَحْفِيهِ سَائِلٌ وَلَا بَرِ سِرَاطِهَا مَجْدٌ وَ كَرَامَتِهَا
که درمانده‌اش نکند سائلی يَنْقُضُهُ نَائِلٌ، يَا مَنْ بِهِ يُشْبِغُ الْغَائِلُ وَالْيَهُ يَلْجَأُ، أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ وَ نَكَاهِدِهَا دَانِ جَائِزِهَا، أَيُّ كِهْ بِهْ اَوْ
استغاثه شود و به او پناه برند از تو خواهم به حق آنچه موجب عزت من عَزَّتِكَ، وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَ بِاسْمِكَ الْبَاعِظِ،
عرش گشته و به آخرین حد نهائی رحمت از کتاب تو و به اسم اعظم وَ جَدِّكَ الْأَعْلَى وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الْعُلَى اللَّهُمَّ رَبَّ الرِّيَّاحِ
و مقام والاترت و کلمات کامله و والایت خدایا ای پروردگار بادهای و مَا ذَرْتِ، وَالسَّمَاءِ وَمَا أَظَلَّتْ، وَالْأَرْضِ وَمَا أَقَلَّتْ، وَ آنچه
پراکنده کنند و پروردگار آسمان و آنچه را سایه کند و پروردگار زمین و آنچه بر خود دارد و پروردگار شیاطین وَالشَّيَاطِينَ وَمَا
اَضَلَّتْ، وَالْبِحَارِ وَمَا جَرَّتْ، وَ بِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ وَ آنچه را گمراه کند و دریاها و آنچه را همراه برند و به حق هر حقی که بر تو است
ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۸۱ عَلَيَّكَ حَقٌّ، وَ بِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ وَ به حق فرشتگان مقرب و
روحانیان و کرویانیان و آنانکه تسیح کنند وَالْمَسِيحِينَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ، وَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ بِهْ شَبِّ وَ رُوزِ بِي أَنْكَ سَسْتِي
کنند و به حق ابراهیم خلیل تو و به حق هر خلیلک، وَ بِحَقِّ كُلِّ وَلِيِّ يُنَادِيكَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَلِي وَ دوستی که تو را در میان صفا
و مروه صدا زند و دعایش را به اجابت رسانی ای وَ تَسْتَجِيبُ لَهُ دَعَاءَهُ يَا مُجِيبُ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ اجابت کننده از تو خواهم
به حق این نامها و به این دعاها که بیامری آنچه از گناهان که وَ بِيَهْدِي الدَّعَوَاتِ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدَّمْنَا وَمَا أَخَّرْنَا وَمَا أَسْرَرْنَا وَمَا از پیش
داشته و از این پس داریم و آنچه پنهان کرده و آنچه را آشکار کردیم و آنچه را ظاهر کرده و آنچه را مخفی کردیم اَعْلَنَّا وَمَا أَبْدَيْنَا
وَمَا أَخْفَيْنَا وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهْ مِنَّا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ وَ آنچه را تو بدان آگاهتری از ما که برستی تو بر هر چیز توانائی به رحمت ای شَيْءٍ
قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ، مَهْرَبَاترین مهربانان ای نگهدار هر غریب ای همدم هر تنها ای يَا مُؤْنِسَ كُلِّ
وَجِيدٍ، يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ، يَا نِيْرُوْهُ هَرِ نَاتُوَانِ اَيِ ياور هر ستمدیده ای روزی ده هر محروم ای رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ،
یا مُؤْنِسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ، يَا صَاحِبَ كُلِّ مُؤْنِسٍ هَرِ وَحْشَتِ زَدَه اَيِ همراه هر مسافر ای تکیه گاه هر ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص:
۸۲ مُسَافِرٍ، يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ، يَا غَافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ وَ خَطِيئَةٍ، يَا غِيَاثَ حَاضِرٍ دَرِ وَطَنِ اَيِ آموزنده هر گناه و خطای ای فریادرس
فریادخواهان الْمُسْتَعِيْنِينَ، يَا صَبْرِيْخَ الْمُسْتَضْعِرِّينَ، يَا كَاشِفَ كَرْبِ اَيِ دادرس دادخواهان ای برطرف کننده محنت محنت زدگان ای
غَمَزْدَايِ الْمَكْرُوْبِيْنَ، يَا فَارِجَ هَمِّ الْمُهْمُومِيْنَ، يَا يَدِيْعَ السَّمَاوَاتِ غَمَزْدَايِ اَيِ فرج بخشاینده اندوهناکان ای پدیدآورنده آسمانها
وَالْأَرْضِيْنَ، يَا مُنْتَهَى غَايَةِ الطَّالِبِيْنَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةٍ وَ زَمِيْنَهَا اَيِ منتهای مقصود جویندگان ای اجابت کننده دعای الْمُضْطَرِّيْنَ، يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِيْنَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ، يَا ذِيَّانَ يَوْمِ دَرْمَانْدَايِ اَيِ مهربانترین مهربانان ای پروردگار جهانیان ای جزادهنده الدِّينِ، يَا أَجْوَدَ
الْأَجْوَدِيْنَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِيْنَ، يَا أَسْمَعَ رُوزِ جِزَا اَيِ بخشنده ترین بخشندگان ای باکرترین کریمان ای شنواترین السَّامِعِيْنَ، يَا أَبْصَرَ
النَّاظِرِيْنَ، يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِيْنَ، اَعْفِرْ لِيْ شَنْوَايَا اَيِ بیناترین بینایان ای قادرترین الذُّنُوبِ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ، وَ اَعْفِرْ لِيْ الذُّنُوبِ الَّتِي تُورِثُ
النَّدَمَ، قَدْرْتَمْنَدَانِ بِيَاْمَرِزِ اَيِ از من آن گناهی را که نعمتها را تغییر دهد و بیاور از من گناهی را وَ اَعْفِرْ لِيْ الذُّنُوبِ الَّتِي تُورِثُ السَّقَمَ،
وَ اَعْفِرْ لِيْ الذُّنُوبِ الَّتِي كِهْ پشیمانی به بار آورد و بیاور از من گناهی را که موجب بیماریها گردد و بیاور ادعیه و آداب مکه
مکرمه، ص: ۸۳ تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَ اَعْفِرْ لِيْ الذُّنُوبِ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ، وَ اَعْفِرْ لِيْ اَيِ از من گناهی را که پردهها بدرد و بیاور از من
گناهی را که دعا را باز الذُّنُوبِ الَّتِي تَحْسِبُ قَطْرَ السَّمَاءِ، وَ اَعْفِرْ لِيْ الذُّنُوبِ الَّتِي كَرَدَانْدِ وَ بِيَاْمَرِزِ اَيِ از من گناهی را که باران را از
آسمان جلوگیری کند و بیاور از من تَعْجَلُ الْفَنَاءِ، وَ اَعْفِرْ لِيْ الذُّنُوبِ الَّتِي تَجْلِبُ الشَّقَاءَ، وَ اَعْفِرْ لِيْ گناهی را که شتاب در نابودی
کند و بیاور از من گناهی را الذُّنُوبِ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ، وَ اَعْفِرْ لِيْ الذُّنُوبِ الَّتِي تَكْشِفُ كِهْ بدبختی آرد و بیاور از من گناهی که
هوا را تاریک کند و بیاور از من گناهی را الْغُطَاءِ، وَ اَعْفِرْ لِيْ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا اللَّهُ، وَ اَحْمِلْ كِهْ پرده را بالا زند و

بیمرز از من گناهانی را که جز تو کسی آنها را نیامرزد عَنِّي كُلَّ تَبِعَةٍ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجاً أَي خدایا بر دار از دوش من هر حقی که از یکی از خلق تو بر گردن من است و قرار ده برای من در و مَخْرَجاً وِیُسْرَآءً، وَأَنْزِلْ یَقِینَكَ فِی صِدْقِی، وَرَجَاءَكَ فِی قَلْبِی، کارم گشایش و آسانی و وسیله بیرون آمدنی و فرود آر یقینت را در سینهام خَتِّیْ لَا- أَزْجُو غَیْرَكَ. اللَّهُمَّ احْفَظْنِی، وَعَافِنِی فِی مَقَامِی، و امیدت را در دلم تا امیدى به کسی جز تو نداشته باشم خدایا مرا حفظ کن وَاصْحَبْنِی فِی لَیْلِی وَنَهَارِی، وَمِنْ بَیْنِ یَدَیْ وَمِنْ خَلْفِی وَعَنْ وَ عافیتم ده در جایگاهم و همراه من باش در شب و روزم و از پیش رو و ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۸۴ یَمِینِی وَعَنْ شِمَالِی وَمِنْ فَوْقِی وَمِنْ تَحْتِی، وَیَسِّرْ لِی السَّبِیلَ، پشت سرم و از راست و چپم و از بالای سر و زیر پایم وَأَحْسِنْ لِی التَّیْسِیرَ، وَلَا تَخْذُلْنِی فِی الْعَبَیرِ، وَاهْدِنِی یَا خَیْرُ و راه را بر من هموار کن و آسانی خوشی برایم پیش آور و در دشواریها خوارم مکن دَلِیلَ، وَلَا تَكْلِبْنِی إِلَى نَفْسِی فِی الْأُمُورِ، وَلَقِّنِی كُلَّ سُرُورٍ، و راهنمائیم کن ای بهترین راهنما و در کارها مرا به خودم وامگذار و هر سرور و خوشحالی را و اَفْلِحْنِی إِلَى أَهْلِی بِالْفَلَاحِ وَالنَّجَاحِ مَحْبُوراً فِی الْعَاجِلِ به دلم انداز و بازگردان مرا بسوی خانوادهام به رستگاری و کامیابی وَالْآجِلِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ، وَأَرْزُقْنِی مِنْ فَضْلِكَ، و آراسته به شادکامی در دنیا و آخرت که براستی تو بر هر چیز توانائی و از فضل خویش وَأَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ طِیِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِی فِی طَاعَتِكَ، روزیم کن و فراخ گردان بر من از روزیهای پاکیزه‌ات و وادارم کن به انجام وَأَجِرْنِی مِنْ عَذَابِكَ وَنَارِكَ، وَاقْلِبْنِی إِذَا تَوَفَّيْتَنِی إِلَى جَنَّتِكَ طَاعَتِی وَپناهام ده از عذاب و آتش دوزخ و بگردانم به رحمت خود هنگامی که مرا از این جهان بیرون بری بِرَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَمِنْ تَحْوِيلِ بَسُوی بَهْشْتِ خدایا به تو پناه برم از زوال نعمت و از عافیتت، وَمِنْ حُلُولِ نِعْمَتِكَ، وَمِنْ نُزُولِ عَذَابِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ تَغْییر یافتن عافیتت و از آمدن عقوبتت و از نازل شدن عذابت ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۸۵ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرَکِ الشَّقَاءِ، وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَشِمَاتِهِ و به تو پناه برم از سختی بلاء و گرفتاری و رسیدن بدبختی و از تقدیر بد الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا یَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِی الْکِتَابِ وَ شِمَاتِ دَشْمَانِ و از شَرِّ آنچه از آسمان فرود آید و از شَرِّ آنچه الْمُنَزَّلِ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِی مِنَ الْأَشْرَارِ، وَلَا مِنْ أَضْحَابِ النَّارِ، در کتاب منزل خود (قرآن) بیان فرموده‌ای خدایا مرا از اشرار و از اهل وَلَا تَحْرِمْ نِی صِحْبَةَ الْأَخْیَارِ، وَأَحْسِنِ حَیَاةَ طِیْبَةً، وَتَوَفَّنِی وَفَاةً دُوزَخِ قَرَارِ مَدَه و از مصاحبت نیکان محروم مفرما و به زندگی پاکیزه زنده‌ام بدار و به مرگ طِیْبَةً تُلْحِقْنِی بِالْأَبْرَارِ، وَأَرْزُقْنِی مُرَافَقَةَ الْأَنْبِیَاءِ فِی مَقْعَدِ صِدْقِ پاکیزه‌ای بمیرانم که به نیکان ملحقم داری و رفاقت پیمبران را روزیم گردانی در جایگاه عِنْدَ مَلِیکِ مُقْتَدِرِ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بِلَائِكَ پسنیدیده نزد پادشاهی نیرومند خدایا از آن تو است ستایش بر خوش آزمایشی و خوش رفتاریت وَصِدْقِ نِعَمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَاتِّبَاعِ السُّنَّةِ، یا رَبِّ کَمَا و تو را است ستایش بر نعمت دین اسلام و پیروی طریقه (پیمبران) پروردگارا چنانچه هِدَیْتَهُمْ لِإِدْبَارِکَ، وَعَلَّمْتَهُمْ کِتَابَکَ، فَاهْدِنَا وَعَلِّمْنَا، وَلَكَ الْحَمْدُ آن پیمبران را به دین خود راهنمائی کردی و کتاب خود را به آنان یاد دادی ما را نیز هدایت کرده و یادمان ده و تو را است ستایش علی حُسْنِ بِلَائِكَ، وَصِدْقِ نِعَمِكَ عِنْدِی خَاصَّةً، کَمَا خَلَقْتَنِی بِرِخْصِی و رفتار نیکت درباره شخص من که مرا آفریدی ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۸۶ فَأَحْسِنْتَ خَلْقِی، وَعَلَّمْتَنِی تَعْلِیمِی، وَهَدَيْتَنِی وَخَلَقْتَنِی نِیکو کردی و یادم دادی و نیکو یاد دادی و هدایت کردی فَأَحْسِنْتَ هِدَايَتِی، فَلَمَّكَ الْحَمْدُ عَلَى إِعْنَامِكَ عَلَیَّ قَدِیماً و نیکو هدایت کردی پس تو را است ستایش بر نعمت بخشیت نسبت به من از زمان قدیم وَحَدِيثاً، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَأْتِي بِسَيِّدِي قَدْ فَرَّجْتَهُ، وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يَأْتِي بِسَيِّدِي قَدْ كَشَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ آقَايِ مِنْ تُو آن را گشودی و چه بسیار اندوهی که ای سَيِّدِي قَدْ نَفَّسْتَهُ، وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يَأْتِي بِسَيِّدِي قَدْ كَشَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ آقَايِ مِنْ تُو آن را زدودی و چه بسیار غم و غصه‌ای که ای آقَايِ مِنْ تُو آنرا برطرف کردی و چه بسیار بلا و گرفتاری یا سَيِّدِي قَدْ صَرَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ يَأْتِي بِسَيِّدِي قَدْ سَتَرْتَهُ، فَلَمَّكَ أَي آقَايِ مِنْ تُو آن را بازگرداندی و چه بسیار عیبی ای آقَايِ مِنْ تُو آنرا پوشاندی پس تو را است الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِی كُلِّ مَثْوًى وَزَمَانٍ، وَمُنْقَلَبٍ وَمَقَامٍ، ستایش بر هر حال و در هر جا و هر زمان و هر منزل و هر مقام وَعَلَى هَذِهِ الْحَالِ وَكُلِّ حَالٍ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ أَفْضَلِ عِبَادِكَ و بر این حال و هر حال خدایا قرار ده مرا از بهترین بندگانت نَصِيباً فِی هَذَا الْيَوْمِ،

مِنْ خَيْرٍ تَقْبِلُهُ، أَوْ ضَرَّ تَكْشِفُهُ، أَوْ سُوءٍ دَرَّ بَعْرُهُ مَنَدِي اَيْن رُوز از هر خیري که قسمت کنی یا گرفتاری که بر طرف کنی یا بدی تَصْرِفُهُ، أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ، أَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ، أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، أَوْ كِه بازش گردانی یا بلائی که دفعش کنی یا خیري که بفرستی یا رحمتی که بگسترانی یا ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۸۷ عَافِيَةُ تُلْسِيْهَا، فَإِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَيَدِيكَ خَزَائِنُ جَامِه تندرستی که پوشانی که برستی تو بر هر چیز توانائی و خزینه‌های السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطِي الَّذِي آسْمَانَهَا وَ زَمِينِ بَدَسْتِ تو است و تویی خدای یگانه بزرگوار عطابخشی که لا يُرَدُّ سَائِلُهُ، وَلَا يُخَيِّبُ أَمَلُهُ، وَلَا يَنْقُصُ نَائِلُهُ، وَلَا يَنْقُصُ مَا عِنْدَهُ، خواهنده‌اش دست خالی بازنگردد و آرزومندش ناامید نشود و عطاهايش نقصان نپذیرد بَلْ يَزِدَادُ كَثْرَةً وَطَبِيباً وَعَطَاءً وَجُوداً، وَأَرْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي وَ خَزِينَه‌اش پایان ندارد بلکه همواره به زیادی و پاکیزگی و عطا و جودش بیفزاید و روزیم کن از خزینه‌هايت که لا تَفْنِي وَمِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، إِنَّ عَطَاءَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُورًا، فَمَا نَظِيرُهُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَسِعَتْ كِه برستی عطاى تو از كسى منع نشده وَأَنْتَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و تو بر هر چیز توانائی به رحمت ای مهربانترین مهربانان.» و نیز این دعا را که جمعی از بزرگان علما آن را، از جمله اعمال شب و روز جمعه و عرفه ذکر کرده اند بخوانند. دعا به نقل مرحوم کفعمی در مصباح این است: «اللَّهُمَّ مَنْ تَعَبًا وَتَهَيُّنًا وَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لَوْفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ، «خدایا هر کس مجهز و آماده و مهیا و مستعد برای ورود بر مخلوقی شده ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۸۸ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَطَلَبَ نَائِلِهِ وَجَائِزَتِهِ، فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ تَعَبْتَنِي بِه امید دهش و به جستجوی جایزه و بخشش او پس ای پروردگار من آمادگی و اشتیغادی، رَجَاءَ عَفْوِكَ، وَطَلَبَ نَائِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبُ وَاسْتَعْدَادِ مِنْ بَسْوَى تو است و آرزوی عفو تو و خواهش بخشش و جایزه‌ات را دارم پس دُعَائِي، يَا مَنِ لَا-يُخَيِّبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا-يَنْقُصُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي نُوْمِدَم مکن ای كسى که هیچ خواهنده‌ای ناامید از درگاهش نرود و هیچ گیرنده عطایی از (کرمش) نکاهد و من به اعتماد لَمْ آتِيكَ ثِقْمَةً بِعَمَلٍ صَالِحٍ عَمَلْتَهُ، وَلَا لَوْفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَوْتَهُ، عَمَلِ صَالِحِي كِه کرده باشم بدرگاهت نیامده و نه به مخلوقی وارد شده‌ام که از او امیدی داشته باشم أَتَيْتَكَ مُقِرًّا عَلَي نَفْسِي بِالْإِسَاءَةِ وَالظُّلْمِ، مُعْتَرِفًا بِأَنْ لَا حُجَّةَ لِي بَلَكِه بدرگاه تو آمده‌ام در حالیکه اقرار دارم که بخود بدی و ستم کرده و معترفم که هیچ دلیل و عذر، أَتَيْتَكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ، الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِّي وَ عَذْرِي هَمَّ بِرَ اَيْنِ بَدِي وَ ستم نداشته‌ام، آمده‌ام به امید آن عفو عظیم تو که بدان از الْخَاطِئِينَ، فَلَمْ يَمْنَعِكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَي عَظِيمِ الْجُرْمِ، أَنْ خَطَاكَارَانِ درگذری و توقف طولانی آنها بر جرم بزرگ بازت نداشت از عُدَّتْ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ، فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ وَعَفْوُهُ عَظِيمٌ، یا اینکه باز بدانها مهر ورزی ای كسى که رحمتش وسیع و گذشتش بزرگ است ای خدای بزرگ عَظِيمٌ يَا عَظِيمٌ، لَا يُرَدُّ غَضَبُكَ إِلَّا جَلِيًّا، وَلَا يُنْجِيكَ إِلَّا خدای بزرگ ای خدای بزرگ خشم تو را جز بردباریت جلوگیری نکند و از غضب ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۸۹ مِنْ سَخِطِكَ إِلَّا التَّضَرُّعَ إِلَيْكَ، فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ تو جز زاری به درگاهت چیزی نجات نبخشد پس ای معبود من بدان قدرتی که سرزمینهای مرده الَّتِي تُحْيِي بِهَا مَيِّتَ الْبِلَادِ، وَلَا تُهْلِكُنِي غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، را بدان وسیله زنده می گردانی گشایشی بر من بخش و مرا به حال اندوه هلاکم مکن تا دعایم را مستجاب کنی وَتُعَرِّفَنِي الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُنْتَهَى وَ اجابت دعایم را به من بنمایانی و طعم تندرستی را تا پایان عمر به أَجَلِي، وَلَا تُسَمِّتْ بِي عَدُوِّي، وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ، وَلَا-تُمْكِنُهُ مِنْ بَعْشَانِ وَ گرفتار شماتت دشمنم مکن و او را بر من مسلط مگردان و بر گردنم عُنُقِي. اللَّهُمَّ إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي، وَإِنْ رَفَعْتَنِي سَوَارِشِ مَنْمَا خَدَايَا اِگَر تو مرا پست کنی پس کیست که (بتواند) بلندم کند و اِگَر تو بلندم کنی فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي، وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْرِضُ لَكَ پس کیست که (بتواند) پستم کند و اِگَر هلاکم کنی پس کیست که درباره این بنده‌ات متعرض توشود فِي عَيْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي يَازِ وَضَعِ اِو از تو پرسش کند ولی بطور مسلم این را دانسته‌ام که در حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَلَا فِي نَقْمَتِكَ عَجَلَةٌ، وَإِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ حُكْمَ تُو ستمی نیست و نه در انتقام تو شتابی است زیرا كسى شتاب (در انتقام) کند که بترسد الْقُوَّةَ، وَإِنَّمَا يَخْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي (فرصت) از دست برود و شخص ناتوان نیازمند به ستم می‌باشد و در صورتی که ای معبود من ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۹۰ عَنْ ذَلِكَ عَلُوًّا كَبِيرًا. اللَّهُمَّ

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِدْنِي، وَاسْتَجِيرُ بِكَ تُوَازِ اَيْنُكُونُهُ مَطَالِبُ بَسِيَارٍ بَرْتَرٍ وَبَزْرُكَتِي خَدَايَا بِي تُوَ پِنَاهِ آرْمِ بَسِ يَارِيمِ دِهْ وَازِ تُو اَمَانِ خَوَاهِمِ فَأَجِرْنِي، وَاسْتَرْزُقْكَ فَمَارْزُقْنِي، وَآتُوْكَ عَلَيَّكَ فَمَا كَفَيْتَنِي، بَسِ اَمَانَمِ دِهْ وَازِ تُو رُوْزِي طَلْبِمِ بَسِ رُوْزِيمِ دِهْ وَبِرْ تُو تُو كَلِّ كَنَمِ بَسِ كَفَايْتَمِ فَرْمَا وَاسْتَنْصِرْكَ عَلَيَّ عُدُوِّي فَاَنْصُرْنِي، وَاسْتَعِينْ بِكَ فَأَعِنِّي، وَبِرَايِ بِيروْزِي بِرِ دَشْمَنَمِ ازِ تُو يَارِي خَوَاهِمِ بَسِ يَارِيمِ دِهْ وَازِ تُو كَمَكِ خَوَاهِمِ بَسِ كَمَكَمِ دِهْ وَاسْتَعْفِرْكَ يَا اِلَهِي فَاغْفِرْ لِي، اَمِيْنَ اَمِيْنَ اَمِيْنَ. وَازِ تُو آمْرَشِ طَلْبِمِ اِي مَعْبُوْدِ مَنِ بَسِ بِيَاْمَرْمِ اَمِيْنَ، اَمِيْنَ، اَمِيْنَ.»

مستحبات و قوف به عرفات:

در هنگام وقوف در عرفات چند چیز مستحب است. ۱. با طهارت بودن. ۲. غسل نمودن و بهتر است نزدیک ظهر باشد. ۳. توجه قلبی به خدا، و از خود دور ساختن چیزهایی که موجب تفرقه حواس می‌شود. ۴. وقوف در طرف چپ جبل الرّحمه. ۵. وقوف در زمین هموار. ۶. خواندن نماز ظهر و عصر با یک اذان و دو اقامه. ۷. خواندن دعاهای وارده و تضرع به درگاه خداوند.

ادعیه و قوف به عرفات

و آنها بسیار است از جمله گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه، و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه، و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه، و «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه، و «مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه، و «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» صد مرتبه. نیز صد مرتبه بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْغَايِبُ» «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یگانه بی‌همتا نیست، ملک هستی او را است و ستایش الحمد، یحیی و یمیت، یحیی و یحیی، و هوی و حی لا یموت، ویژه او است، زنده می‌کند و می‌میراند، و می‌میراند و زنده می‌کند، و او زنده فنا ناپذیر است، بیدیه الخیر، و هوی و حی لا یموت، و هوی و حی لا یموت، خیر و نیکی به دست اوست و او بر هر چیز توانا است.» هر کدام از سوره قل هو الله احد و «آیه الکرسی» و سوره انا انزلناه فی لیله القدر را صد مرتبه بخواند. و مستحب است خواندن این دعا: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۹۲ «أَسْأَلُ اللَّهَ بِأَنَّهُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ» از خداوند مسألت می‌نمایم که او خدایی است که جز او معبودی نمی‌باشد، او ملک و قدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر، سبحانه الله عما و سلام و مؤمن و مهيمن و عزيز و جبار و متكبر است، منزّه است خداوند از آنچه به او یُشْرِكُونَ، هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى شَرِكٌ مِي و رزند، او خدایی است آفریننده و پدید آورنده و صورت بخش، برای او نامهای نیکوست، يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.» آنچه در آسمانها و زمین است او را تسبیح می‌گویند و او عزیز و حکیم است.» پس بگو: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَتِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى» خداوند تو را ستایش بر نعمتهایت که قابل شمارش نیست و با هیچ عملی بعدد، وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ.» نمی‌توان از عهده شکر آنها بیرون شد.» پس بخوان این دعا را: «أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَأَسْأَلُكَ» از تو می‌خواهم ای خدای رحمان بحق هر اسمی که تو را است و از تو می‌خواهم بقوتت و قدرتت و عزتت و بجمیع ما أحاط به علمت که به نیرو و قدرت و عزت و به همه آنچه که علم تو به آن احاطه دارد ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۹۳ وَبَارَكَ لَكَ كُلُّهَا، وَبِحَقِّ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ وَبِهْ اَرْكَانِ هَسْتِي وَبِهْ حَقِّ بِيَاْمَرْتِ كِهْ دَرُوْدِ تُو بِرِ اُو وَبِرِ اَلْسِ وَبِهْ حَقِّ اسْمِ الْاَكْبَرِ الْاَكْبَرِ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَن دَعَاكَ بِهِ كَانَ بَزْرُكًا، وَبِرِ بَزْرُكِ، وَبِرِ بَزْرُكِ، وَبِهْ حَقِّ نَامِ عَظِيمِ تُو كِهْ هَرِ كَسِّ تُو رَا بِي اَنْ خَوَانِدَ حَقًّا عَلَيَّكَ اَنْ لَا تُخَيِّبُهُ، وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ بَرِ تُوَسْتِ كِهْ اُو رَا نُوْمِيْدِ نَسَازِي وَبِهْ نَامِ بَزْرُكِ، وَبِرِ بَزْرُكِ، وَبِرِ بَزْرُكِ الَّذِي مَن دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيَّكَ اَنْ لَا تَرُدَّهُ، وَانْ تُعْطِيَهُ مَا كِهْ هَرِ كَسِّ تُو رَا بِي اَنْ خَوَانِدَ بَرِ تُو اَسْتِ كِهْ اُو رَا نُوْمِيْدِ بَا زَنْگِرْدَانِي وَ اِنْجِهْ ازِ تُو دَرْخَوَاسْتِ نَمُوْدِ بِي اُو سَيَّلْ، اَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوْبِي فِي جَمِيْعِ عِلْمِكَ فِي» عطا فرمائی و بیامری همه گناهانم را که نسبت به من از آن آگاهی داری.» و این دعا را نیز بخوان: «اللَّهُمَّ فَكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ» خداوند! مرا از آتش آزاد کن و از

روزی حلال و پاکیزه‌ات الطَّيِّبِ، وَأَدْرَأَ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ بِرِ مَنْ وَسَعَتْ بَخْشٍ وَ شَرَّ فَاسِقَانَ جِنِّ وَ أَنْسٍ وَ شَرَّ فَاسِقَانَ عَرَبٍ وَ عَجْمٍ رَا از من وَالْعَجْمِ»، دور دار. و بخواند این دُعا را: ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۹۴ «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَحْيَبِ «خداوندا! من بنده توام پس مرا از نومیدترین وارد شدگان وَفِدِكَ، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنَ الْفَجِّ الْعَمِيقِ. اللَّهُمَّ بِرِ خَوِيْشِ قَرَارِ مَدَةِ وَ بِهٖ آمَدْنَمِ از راه دور بسویت ترحم بخش، خداوندا! رَبِّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فَكُفِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ آيِ پروردگار تمام مشاعر حج مرا از آتش رهایی بخش و از روزی حلالَتِ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَأَدْرَأَ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ. اللَّهُمَّ بِرِ مَنْ وَسَعَتْ دَهٗ وَ شَرِّ فَاسِقَانَ جِنِّ وَ أَنْسٍ رَا از من دور دار، خداوندا! مَرَا لَا تَمُكِّرْ بِي، وَلَا تَخْدَعْنِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَجَازَاتٍ نَكْنَ وَ بِا دَادِنِ نَعْمَتَايِ مَغْرُورَمِ مَسَازِ، خداوندا! از تو می‌خواهم بِخَوْلِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَمَنِكَ وَفَضْلِكَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، بِهٖ قُوَّتٍ وَ جُودٍ وَ كَرَمٍ وَ فَضْلٍ وَ نَعْمَتٍ آيِ شِنَوَاتَرِينَ شِنَوَايَانِ وَيَا أَبْصِرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرِعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ آيِ بَيْنَاتَرِينَ بَيْنَايَانِ، وَ آيِ سَرِيْعَاتَرِينَ مَحَاسِبَهُ كَنَنْدِگَانِ وَ آيِ مَهْرَبَاتَرِينَ مَهْرَبَانَانِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (وَأَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا كِهٖ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانَشِ دَرُودِ فَرَسْتِي وَ خَيْرِ دُنْيَا وَ آخِرَتِ رَا بِهٖ مِنْ وَالْآخِرَةِ». روزی فرمایی. ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۹۵ پس حاجت خود را بخواهد، آنگاه دست به آسمان بردارد و این دُعا را بخواند: اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيْتِنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، خَدَايَا حَاجَتِمِ بِهٖ سُوِي تُوَسْتِ، اِگَرِ آن‌را عطا کنی دیگر هرچه‌را از من دریغ کنی زیانم نزنند و اگر وَالَّتِي إِنْ مَنَعْتِنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيْتِنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي أَنْ رَا از من دریغ‌داری دیگر سودم ندهد هرچه به من عطا کنی از تو می‌خواهم که از آتش دوزخ رهایم سازی مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَمَلِكُ يَدِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، وَأَجَلِي خَدَاوندا! مَنَمِ بنده تو و سرنوشتم به دست توست به مدت عمرم تو آگاهی بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَقِّنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي از تو می‌خواهم که مرا به موجبات خوشنودیت توفیق بخشی و مناسک مَنَاسِكِي الَّتِي اَرِئْتَهَا خَلِيلَكَ اِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَدَلَّلْتَ عَلَيَّهَا حَجْمَ رَا كِهٖ بِهٖ خَلِيلَتِ اِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ارَاثَهُ فَرَمُودِي وَ بِهٖ پيامبرت نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَاهِنَمَايِي كَرْدِي سَالَمِ دَارِي، خداوندا! مَرَا از کسانی قرار ده که از عملشان خوشنودی عَمَلَهُ، وَأَطَلَّتْ عُمُرَهُ، وَأَخِيَّتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاةً طَيِّبَةً». عمرشان را طولانی و زندگی پس از مرگشان را پاکیزه ساختی. و نیز مُسْتَحَبِّ است در روز عَرَفَةَ هَنگامِ غُرُوبِ آفتاب این دُعا خوانده شود: ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۹۶ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ تَشَّتِ الْأُمْرِ، وَمِنْ «خداوندا! به تو پناه می‌برم از ناداری و از آشفتگی کارها و از شَرِّ مَا يَخْذُلُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسِي ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا شَرِّ حَوَادِثِ شَبِّ وَ رُوزِ، از ظلم خویش بِعَفْوِكَ، وَأَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانَتِكَ، وَأَمْسِي ذُلِّي بِهٖ عَفْوِ تُوِ پناه می‌برم و از ترس و خوف به امان تو و از گناهانم مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَأَمْسِي وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ بِهٖ عَزَّتِ تُوِ وَ از فنای خویش به ذات باقی تو الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ يَا أَرْحَمَ مَنْ آيِ بَهْتَرِينَ كَسِي كِهٖ از او سؤَالِ كَنَنْدِ وَ آيِ بَخْشَنده‌ترین بخشندگان و آيِ مَهْرَبَاتَرِينَ اسْتُرْحَمَ، جَلْبَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَالْبِسْنِي عَافِيَتِكَ، وَاصْرِفْ عَنِّي مَهْرَبَانَانَ گناهانم را به رحمت مستور دار و جامه عافیت را بر من بپوشان و شَرِّ هَمِهٖ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَارْزُقْنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». آفریده‌هایت را از من بازگردان و خیر دنیا و آخرت را روزیم گردان. و نیز مُسْتَحَبِّ است بعد از غروب آفتاب این دُعا خوانده شود: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمُوقِفِ، وَارْزُقْنِيهِ «خداوندا! این وقوف را در این جایگاه، آخِرین وقوف قرار مده، و تا زنده‌ام داری ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۹۷ اَبْدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَاقْبَلْنِي الْيَوْمَ مُقْبَلًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِازْگِشْتِ بِهٖ اَيْنِجَا رَا رُوزِيمِ گَرْدَانِ وَ بِا رِسْتِگَارِي وَ دَعَايِ مُسْتَجَابِ بِازْمِ گَرْدَانِ لِي، مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ دَرِ حَالِي كِهٖ مَشْمُولِ مَغْفَرَتِ وَ رَحْمَتِ قَرَارِ گِرْفْتِهٖ بِاشْمِ بِهٖ بَهْتَرِينَ صُورَتِي كِهٖ اَمْرُوزِ فَرْدِي از واردشدگان وَفِدِكَ، وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفِدِكَ بِهٖ دَرِگَاهِ خَوِيْشِ وَ حِجَاجِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ رَا بِازْمِ گَرْدَانِي، وَ مَرَا از گرامی‌ترین واردشدگان عَلَيَّكَ، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ بِرِ خَوِيْشِ قَرَارِ دَهٗ وَ بِهٖ مِنْ بَهْتَرِينَ خَيْرِ، وَ بَرَكْتِ وَ رَحْمَتِ وَالْعَافِيَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ وَ خُوشنودِي وَ آمَرِشِ رَا كِهٖ بِهٖ يَكِي از آنان عطا

می‌فرماید عطا کن و به خانواده و اِیْلِهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَبَارِكْ لَهُمْ فِیَّ». دارایی کم یا بسیارم برکت بخش.

دعای امام حسین (ع) در روز عَرَفَه

دعای امام حسین علیه السلام در روز عَرَفَه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا «ستایش خاص خدایی است که نیست برای قضا و حکمش جلوگیری و نه برای عطا و بخششش مانعی و نه کُصْنَعِهِ صُنْعٌ صَانِعٌ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، مانند ساخته‌اش ساخته هیچ سازنده‌ای و اوست بخشنده وسعت‌ده که آفرید انواع گوناگون پدیده‌ها را ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۹۸ وَأَتَقَنَّ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضْبِعُ عِنْدَهُ وَبِهِ حِكْمَتٌ خَوِيصٌ مُحْكَمٌ صَاخَتِ مَصْنُوعَاتُهَا وَطَلَايَاهَا (ی عالم وجود) بر او مخفی نیست و امانتها در نزد او الْوَدَائِعُ، جَازِي كُلِّ صَانِعٍ، وَرَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ، وَرَاحِمٌ كُلِّ ضَارِعٍ، ضَايِعٌ نَشُودُ پاداش‌دهنده عمل هرسازنده و سامان‌دهنده زندگی هر قناعت‌پیشه و مهربان نسبت به هر نالان، وَمَنْزِلُ الْمَنَافِعِ، وَالْكِتَابُ الْجَامِعِ، بِالْأَنْوَارِ الشَّاطِعِ، وَهُوَ اللَّدَّعَوَاتِ فَرُو فَرَسْتَنْدِه هِر سَوْد وَبِهْرَه وَآن كِتَابِ جَامِعِ كِه فَرَسْتَادَش بوسيله نور آن نوردرخشان‌واواست که دعاها را سامعٌ، وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ، وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، شَنَوَاَسْتُ وَگرفتاریها را برطرف کند و درجات را بالا-برد و گردنکشان را ریشه کن سازد پس فَلَإِ إِلَهَ غَيْرُهُ، وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ مَعْبُودِي جَزَاو نِيسْت وَچيزی با او برابری نکند و چیزی همانندش نیست و او شنوا است الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي وَبِئْسَ أَهْلٌ لِي وَبِئْسَ مَا كَانَتْ يَوْمَئِذٍ تُنَادِي بِأَنْفُسِهِمْ أَهْلَ عِرْفَانَ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لِمَكَ، مُقَرَّراً بِأَنَّكَ رَبِّي، وَإِلَيْكَ بَسُوءِي تَوَاشِيَاقِ دَارِمِ وَبِه پُروردگاری تو گواهی دهم اقرار دارم به اینکه تو پروردگار منی و بسوی تو است مَرْدِي، اِبْتِدَاءً تَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبِيلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَيْدُكُوراً، وَخَلَقْتَنِي بَازْگَشْتِ مَن آغَاژ كَرْدِي وَجُود مَرَا بِه رَحْمَتِ خُودِ پِيش از آنكه باشم چيز قابل ذكري و مَرَازِ مَن التُّرَابِ، ثُمَّ أَسْأَلُكَ تَنِي الْأَضْيَالَ، آمِناً لِرَيْبِ الْمُنُونِ، خَاكِ آفَرِيدِي آنگاه در میان صلبها جايم دادی و ایمنم ساختی از حوادث زمانه ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۹۹ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسَّيِّئِينَ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِناً مِنْ صِلْبٍ إِلَى رَحِمٍ، وَتَغْيِيرَاتِ رُوزْگَارِ وَسَالِهَا وَهَمْچنان همواره از صلبی به رحمی کوچ کردم فِی تَقَادُمِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي فِي أَيَّامٍ قَدِيمٍ وَگذشته و قرنهای پیشین و از روی مهر و رأفتی لِرَأْفَتِكَ بِي، وَطُفْئِكَ لِي، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فِي دَوْلَتِهِ أُمَّةً الْكُفْرِ، كِه بِه مَن دَاشْتِي وَاحسانت نسبت به من مَرَا بِه جِهَانِ نِیاوردی در دوران حکومت پیشوایان کفر الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لِكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي رَأْفَةً مِنْكَ أَنَا كِه پیمان تو را شکستند و فرستادگانت را تکذیب کردند ولی در زمانی مَرَا بَدَنِیا آوردی که رأفت و مهربانی وَتَحَنُّناً عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَفِيهِ أُنشَأْتَنِي، تو بر من پیش از آن در علمت گذشته بود از هدایتی که اسبابش را برایم مهیا فرمودی و در آن مَرَا نَشُو وَنَمَا دادی و مَن قَبْلَ ذَلِكَ رُوْفَتٌ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَسَوَابِغِ نِعْمِكَ، فَابْتَدَعْتُ وَپیش از این نیز به من مهر ورزیدی بوسيله رفتار نيكويت و نعمتهای شایانته كه پدید آوردی خَلَقْتَنِي مِنْ مَنِيٍّ يُعْنِي وَأَسْكَتْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ، مِنْ بَيْنِ خَلْقْتَمَ رَا از منی ریخته شده و جايم دادی در سه پرده تاریکی (مشیمه و رحم و شکم) مِیَانِ گوشت لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهَدْنِي خَلْقِي، وَكَمْ تَجْعَلُ لِي شَيْئاً مِنْ وَخُونِ وَپوست و گواهم نساختی در خَلْقْتَمَ وَواگذار نکردی به من چیزی از کار خودم رَا أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَاماً سَوِيّاً، سِپَسِ بِيروم آوردی بدانچه در علمت گذشته بود از هدایتیم بسوی دنیا خَلْقْتَنِي تَاماً وَدرست ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۰۰ وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْعِدَاءِ لَبناً مَرِيّاً، وَدر حال طفولیت و خردسالی در گهواره محافظتم کردی و روزیم دادی از غذاها شیری گوارا وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرُّوَاحِمَ، وَدل پرستاران را بر من مهربان کردی و عهده‌دار پرستاریم کردی مادران مهربان رَا وَكَلَأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ، وَاز آسب جنیان نگهداریم کردی و از زیادی و نقصان سالمم دَاشْتِي فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ. حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَكْتَ نَاطِقاً بِالْكَلامِ، پس برتری تو ای مهربان و ای بخشاینده تا آنگاه كه لب به سخن گشودم أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي زَائِداً فِي كُلِّ

عام، حَتَّى و تمام کردی بر من نعمتهای شایانت را و پرورشم دادی هر ساله زیادت‌تر از سال پیش تا آنگاه که إِذَا اَکْتَمَلْتَ فِطْرَتِي، وَاعْتَدَلْتَ مِرَّتِي، اَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتِيكَ، بِأَنْ خَلَقْتُمْ كَامِلًا شَد و تاب و توانم به حد اعتدال رسید واجب کردی بر من حجت خود را بدین ترتیب اَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتِيكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِيكَ، وَاقْتَضَيْتَنِي لِمَا كَه مَعْرِفَتِ خُود رَا بَه مَن اَلْهَامِ فَرْمُودِي وَ بوسيله عجایب حکمتت به هر اسم انداختی و بیدارم کردی بدانچه ذَرَاتٍ فِي سَمَائِكَ وَ اَرْضِكَ مِنْ يَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَبَهْتَنِي آفَرِيدِي دَر آسْمَان وَ ذِكْرِ زَمِينَتِ از پدیده‌های آفرینشت و آگاهم کردی لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ، وَ اَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ، وَفَهْمْتَنِي بَه سِپَاَسْكَزَارِي وَ ذِكْرِ خُودَتِ وَ اطاعت و عبادتت را بر من واجب کردی و آنچه رسولانت ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۰۱ ما جَاءَتْ بِه رُسُلُكَ، وَيسَّرَتْ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ آوْرَدَه بُوْدَنَد بَه مَن فَهْمَانْدِي وَ پذيرفتن موجبات خوشنوديت را برايم آسان کردی فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَ لَطْفِكَ. ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ حَرِّ الشَّرِّ وَ دَر تَمَامِ اَيْنِهَا بَه يَارِي وَ لَطْفِ خُود بَر مَن مَنْت نِهَادِي سِپَسِ بَه اَيْنَكِه مَرَا از بَهْتَرِي خَاكِهآ آفَرِيدِي لَمْ تَرَضْ لِي يَا اِلَهِي نِعْمَةً دُونَ اُخْرَى وَ رَزَقْتَنِي مِنْ اَنْوَاعِ رَاضِي نَشْدِي اِي مَعْبُود مَن كَه تَنهَا از نَعْمَتِي بِرِخُور دَار شُوم وَ از ديگري منع کردم بلکه روزیم دادی از انواع المَعَاشِ، وَ صِدْقِ الرِّ يَاشِ بِمَدِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، (نعمتهای) زَنْدَگِي وَ اِقْسَامِ لُوزَامِ كَامِرَانِي وَ اَيْنِ بُوَاسِطَه آن نَعْمَتِ بَخْشِي بَزْرَگِ وَ بَزْرَگِ تَر بُوَد وَ اِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ اِلَيَّ. حَتَّى إِذَا اَنْتَمَّتْ عَلَيَّ جَمِيعِ النِّعَمِ، بَر مَن وَ آن اِحْسَانِ دِيرِنَهَاتِ بُوَد نَسَبْتِ بَه مَن تَا اَيْنَكِه تَمَامِ نَعْمَتِهَا رَا بَر مَن كَامِلًا كَرْدِي وَ صَرَفْتْ عَنِي كُلَّ النِّعَمِ، لَمْ يَمْنَعِكَ جَهْلِي وَ جُزْأَتِي عَلَيَّكَ أَنْ وَ تَمَامِ رَنجِهَا وَ بِلَاهَا رَا از مَن دُور سَاخْتِي بَا ز هَم نَادَانِي وَ دَلِيرِي مَن بَر تُو جُلُوكِ گيرت نَشْد دَلْتَنِي اِلِي مَا يُفْرِيئِي اِلَيْكَ، وَ وَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَمَدِيكَ، فَإِنْ از اَيْنَكِه رَا نَهْمَايِم كَرْدِي بَدَانِچَه مَرَا بَه تُو نَزْدِيك كِنْد وَ مَوْقِفِمْ دَاشْتِي بَدَانِچَه مَرَا بَه دَر گَا هَت مَقْرَب سَاز دَعْوَتُكَ اَجَبْتَنِي، وَإِنْ سَأَلْتِكَ اَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ اَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، كَه اِگَر بَخْوَانَمْت پَا سَخْم دَهِي وَ اِگَر بَخْوَاهَم از تُو بَه مَن عَطَا كِنِي وَ اِگَر اطاعتت كِنَم قَدَر دَانِي كِنِي وَ اِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ اِكْمَالٌ لِّاَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَ اِگَر سِپَاَسْكَزَارِيَتِ كِنَم بَر مَن بِيْفَرَايِي وَ هَمِه اَيْنِهَا بَرَايِ كَامِلًا سَاخْتِنِ نَعْمَتِهَايِ تُو اَسْت بَر مَن اَدْعِيَه وَ آدَابِ مَكِه مَكْرَمِه، ص: ۱۰۲ وَ اِحْسَانِكَ اِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ، مِنْ مُبَدِئِ مُعِيدِ حَمِيدِ وَ اِحْسَانِي اَسْت كَه نَسَبْتِ بَه مَن دَارِي پَس مَنزَهِي تُو، مَنزَه از آن رُو كَه آغَا زَنْدَه نَعْمَتِي وَ بَا ز گَر دَانِنْدَه وَ سَتُودَه مَجِيدِ، تَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ، وَ عَظُمَتْ اَلَاؤُكَ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا وَ بَزْرَگِ گُوارِي بَسِي پَا كِيزَه اَسْت نَا مَهايِ تُو وَ بَزْرَگِ اَسْت نَعْمَتِهَايِ تُو پَس اِي مَعْبُود مَن كَدَامِيك از نَعْمَتِهَايِ رَا اِلَهِي اُخَصِي عِيدًا وَ ذِكْرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَاشُكْرًا، وَ هِي بِشُمَارَه دَر آوْرَدَه وَ يَاد كِنَم يَا بَرَايِ كَدَامِيك از عَطَا هَايِ تَه سِپَاَسْكَزَارِي اَقْدَام كِنَم دَر صُورْتِي كَه يَا رَبِّ اَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحَصِّهَ يَهَا الْعَادُونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا أَنهَا اِي پُرُور دَگَار مَن بِيَش از آن اَسْت كَه حَسَابِگَران بَتُوانند آنهَا رَا بِشُمَارَنْد يَا دَانِش حَافِظانِ الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتْ وَ دَرَاتَ عَنِي اللّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ بَدَانِهَا رَسْد سِپَسِ اِي خُدا اِنِچَه رَا از سَخْتِي وَ گَر فِتَارِي از مَن دُور كَرْدَه وَ بَا ز دَاشْتِي اَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَاءِ. فَأَنَا أَشْهَدُ يَا اِلَهِي بِحَقِيقَتِهِ بِيَشْتَر بُوَدَه از اِنِچَه بَرَايِم اَشْكَار شَد از تَن دَر سْتِي وَ خُوشِي وَ مَن گُواهي دَهْم خُدايَا بَه حَقِيقَتِ اِيْمَانِي، وَ عَقْمِدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي، وَ خَالِصِ صِرِيحِ تَوْجِيْدِي، اِيْمَانِ خُود مَ وَ بَدَانِچَه تَصْمِيْمَاتِ يَقِينِمْ بَدَانِ بَسْتَه اَسْت وَ تَوْحِيدِ خَالِصِ وَ بِي شَائِبَه خُود وَ بَاطِنِ مَكُونِ ضَمِيرِي، وَ عِلَاقِ مَجَارِي نُورِ بَصْرِي، وَ اَسَا رِي رِ دَرُونِ سَر پُوشِيْدَه نِهَاد مَ وَ رِشْتَه هَايِ دِيْدِ نُورِ چَشْمَانِمْ وَ خُطُوطِ صَفْحَه جَبِينِي، وَ خُرُوقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَ خَذَارِيْفِ مَارِنِ صَفْحَه پِيَشَانِيْم وَ مَجَارِي تَنْفَسِمْ وَ پَرْدَه هَايِ نَرْمِه اَدْعِيَه وَ آدَابِ مَكِه مَكْرَمِه، ص: ۱۰۳ عَزِينِي، وَ مَسَارِبِ صِدَاحِ سَمْعِي، وَ مَا ضَمَّتْ وَ اَطْبَقَتْ عَلَيْهِ بَيْنِيْم وَ رَا هَايِ پَرْدَه گُوشِمْ وَ اِنِچَه بَجَسْبِدِ وَ رُويِ هَم قَرَار گِيرْد بَر آن شَفْتَايِ، وَ حَرَكَاتِ لَمَطِ لِسَانِي، وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَ فِكِي، دُو لَبِمْ وَ حَرَكْتِهَايِ تَلْفِظِ زَبَانِمْ وَ مَحَلِ پِيُوسْتِ كَامِ (فَكِ بِالَايِ) دَهَانِ وَ آروارَه اَم وَ مَنَابِتِ اَضْرَا سِي، وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي، وَ حِمَالِهْ اَم وَ مَحَلِ بِيُورِنِ اَمْدِنِ دِنْدَانِهَايِم وَ مَحَلِ چَشِيْدِنِ خُورَاكِ وَ اَشَامِيْدِنِهَايِم وَ رِشْتَه وَ عَصَبِ رَأْسِي، وَ بُلُوغِ فَا رِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي. وَ مَا اَشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ مَغْزِ سَرْمِ وَ لُولَه (حَلَقِ) مَتَصَلِ بَه رِگِهايِ گَر دِنَم وَ اِنِچَه دَر بَر گَر فْتَه آن رَا قَفْسَه صَدْرِي، وَ حِمَائِلِ حَبْلِ وَ تِينِي، وَ نِيَا طِ حِجَابِ قَلْبِي، وَ اَفْلَاذِ سِينِه اَم وَ رِشْتَه هَايِ رِگِ قَلْبِمْ وَ شَا هَر گِ پَرْدَه دَلْمِ وَ پَارَه هَايِ گُوشَه حَواشِي كَبِدِي. وَ مَا حَوْتُهُ شَرَا سِيْفِ اَضْلَاعِي، وَ حِقَاقُ وَ كِنَارِ جِگَر مَ وَ اِنِچَه رَا دَر

بردارد استخوانهای دنده‌هایم و سربندهای مفاصلی، وَقَبْضُ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافُ أُنَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي، استخوانهایم و انقباض عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و گوشتم و خونم وَشَعْرِي وَبَشْرِي، وَعَصَبِي وَقَصَبِي، وَعِظَامِي وَمُخِي و موی بدنم و بشره پوستم و عصبم و ساقم و استخوانم و مغزم وَعُرْوَقِي، وَجَمِيعُ جَوَارِحِي، وَمَا اسْتَسَجَّ عَلَى ذَلِكِ أَيَّامٌ و رگهایم و تمام اعضاء و جوارحم و آنچه بر اینها بافته شده از دوران ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۰۴ رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي، شیرخوارگی ام و آنچه را زمین از من بر خود گرفته و خوابم و بیداریم و آرمیدنم وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدِي و حرکت‌های رکوع و سجود من (گواهی دهم) که اگر تصمیم بگیرم و بکوشم در طول الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمِرْتُهَا أَنْ أُودِيَ شُكْرُ وَاحِدَةٍ مِنْ قُرُونٍ و اعصار بر فرض که چنین عمری بکنم و بخواهم شکر یکی از نعمتهای تو أَنْعَمْتَكَ مَا اسْتَيْطَعْتُ ذَلِكِ، إِلَّا بِمَنِّكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهٖ شُكْرُكَ را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود که آن خود واجب کند بر من سپاسگزاری را أَبَدًا جَدِيدًا، وَتَنَاءً طَارِفًا عِيدًا. أَجَلٌ، وَلَوْ حَرَضْتُ أَنَا دَوْبَارَهٗ مِنْ نُوِّ وَ مَوْجِبِ سِتَائِشِي تَازَهٗ وَ رِيشَهٗ دَارِ گَرَدِ آری و اگر حریص باشم من وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ، أَنْ نُحْصِيَ مَدِي إِنْعَامِكَ، سَالِفِهِ وَآنِفِهِ وَحَسَابِغَرَانِ از مخلوق که بخواهم اندازه نعمت بخشیهای تو را از گذشته و آینده ما حَصْرًا نَهٗ عَدَدًا، وَلَا أَحْصِيَنَاهُ أَمَدًا. هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكُ وَأَنْتَ بِهٖ حَسَابِ دَرِ آوَرِیمِ نَتَوَانِیمِ بِشِمَارَهٗ دَرِ آوَرِیمِ وَ نَهٗ از نظر زمان و اندازه آنرا احصاء کنیم! هیهات! کجا چنین چیزی میسر است و تو الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالنَّبِيُّ الصَّادِقِ: وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ خُودِ در کتاب گویا و خبر راست و درست خبر داده‌ای که «اگر بشمارید نعمت خدا را لَا تُحْصُوها، صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَ نَبُؤُكَ، وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَآؤُكَ احْصَاءَ نَتَوَانِیدِ كَرَدِ» خدایا کتاب تو و خبری که دادی راست است و رساندند پیمبران و رسولانت ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۰۵ وَرُسُلُكَ، مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْنِهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ هَرَجَهٗ رَا بَرِ ایشَانِ از وحی خویش فروفرستادی و آنچه را تشریح کردی برای آنها و بوسیله آنها دینک. غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجُهْدِي وَجِدِي، وَمَبْلَغِ طَاقَتِي از دین و آیین خود جز اینکه معبودا من گواهی دهم به سعی و کوششم و به اندازه رسائی طاق و وسعی، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ وَسَعَمِ و از روی ایمان و یقین می گویم ستایش خدایی را سزاست که نگیرد فرزندی فَيَكُونُ مَوْزُونًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ فَيُضَادُّهُ فِيمَا تَا از او ارث برند و نیست برایش شریکی در فرمانروایی تَا بَا او ضِدِّیتِ كُنند اِتِّبَدَعُ، وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ فَيُؤَفِّدُهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، در آنچه پدید آورد و نه نگهداری از خواری دارد تَا كَمَكْشِ كُنند در آنچه بوجود آورد پس منزله بادمزله لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا. سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباہ می شدند و از هم متلاشی می گشتند منزله است خدای یگانه الْأَخِيذِ الصَّمِيدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، یکتای بی نیازی که فرزند ندارد فرزند کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچکس، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَآئِهِ سِتَائِشِ خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرب او و پیمبران الْمُرْسَلِينَ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ خَيْرَ تَهٗ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ مَرْسَلِشِ باشد و درود خدا بر بهترین خلقش محمد خاتم پیمبران و آل ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۰۶ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ». پاک و پاکیزه و خالص او باد و سلام.» آنگاه حضرت شروع کرد به درخواست از پیشگاه خداوند متعال و سعی و اهتمام نمود در دعا و اشک از دیدگان مبارکش جاری بود، پس گفت: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أُرَاكَ، وَأَسْأَلُكَ بِتَفْوَاكِ،» خدایا چنانم ترسان خودت کن که گویا می بینم و به پرهیزکاری از خویش خوشبختم گردان و به وَلَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخَزَلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي وَاسِطَهٗ نَافِرْمَانِیتِ بَدَبَخْتَمِ مَكْنِ و در تعیین سرنوشت خیر برایم مقدر کن و مقدرات را برایم قَدِرْكَ، حَتَّى لَا أَحْبَبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا- تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ. مبارک گردان تاچنان نباشم که تعجیل آنچه را تو پس انداخته‌ای بخواهم و نه تأخیر آنچه را تو پیش انداخته‌ای اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي خُدَايَا قَرَارِ دَهٗ بِي نِیَازِي دَرِ نَفْسِ مَنِ و یقین در دلم و اخلاص در عَمَلِي، وَالتَّوَرَّ فِي بَصِيرِي، وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتِيعِي كَرْدَارِمِ و روشنی در دیده‌ام و بینایی در دینم و مرا از اعضا و بجوارحی، وَاجْعَلْ لِي سَمْعِي وَبَصِيرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي جَوَارِحِمِ بَهْرَهٗ مَنَدِ كُنِ و گوش و چشم مرا وارث من گردان (که تا دم مرگ بسلامت

باشند) و یاریم‌ده ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۰۷ علی مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَا رَبِّي، وَأَقْرَبْ بِذَلِكَ عَيْنِي. بر آنکس که به من ستم کرده و انتقام‌گیری مرا و آرزویم را درباره‌اش به من بنمایان و دیده‌ام را در این باره روشن کن اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاعْفُ لِي خَطِيئَتِي، وَاحْسِبْ خُدَايَا مُحْتَمِّمًا رَا بَرَطْرَفِ كَن وَ زَشْتِيهَائِم بِپوشان و خطایم بیامرز و شیطان و اهریمنم را شیطان، وَفُكِّ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِيْ اَزْ مَنْ بَرَان وَ ذمه‌ام را از گرو برهان و قرار ده خدایا برای من درجه والا الْآخِرَةَ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا در آخرت و در دنیا خدایا حمد تو را است که مرا آفریدی و شنوا بصیراً، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحِيمَةً وَ بِنَا قَرَارَم دَادِي وَ ستایش تو را است که مرا آفریدی و از روی مه‌ری که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی بی، وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَيِّبًا، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، در صورتیکه تو از خلقت من بی‌نیاز بودی پروردگارا آنطور که مرا پدید آوردی در خلقتم اعتدال بکار بردی رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسِنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسِنْتَ إِلَيَّ وَ فِيْ پَرورد گارا آنطور که بوجودم آوردی صورتم را نیکو کردی پروردگارا آنطور که به من احسان کردی نَفْسِي عَافِيَّتِي، رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَ وَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَافَيْتَم دَادِي پَرورد گارا آنچنانکه مرا محافظت کردی و موفقم داشتی پَرورد گارا آنچنانکه بر من انعام کرده فَهَيِّئْ لِي، رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا وَ هِدَايَتَم فرمودی پَرورد گارا چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از هر خیری به من عطا کردی پَرورد گارا آنچنانکه ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۰۸ أَطْعَمْتَنِي وَ سَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَ أَفْقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْتَيْتَنِي مَرَا خُورَانْدِي وَ نُوشَانْدِي پَرورد گارا آنچنانکه بی‌نیازم کردی و سرمایه‌ام دادی پَرورد گارا آنچنانکه کمکم دادی وَ اعْزَزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَ بَسَّرْتَ لِي وَ عَزَمْتَ بَخْشِيدِي، پَرورد گارا! آنچنانکه مرا از خلعت باصفایت پوشاندی و از مصنوعات به مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اعْنِي عَلَي حَدِّ كَافِي در اختیارم گذاردی درود فرست بر محمد و آل محمد و کمکم ده بَوَائِقِ الدُّهُورِ، وَ صَيْرُوفِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ، وَ نَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ بَرِ پِش آمدهای ناگوار روزگار و کشمکشهای شبها و روزها و از هراسهای الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِيْ دُنْيَا وَ اَنْدُوهُهَي آخِرْت نجاتم ده و از شر آنچه ستمگران در زمین الْمَأْرُضِ. اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي، وَمَا أَخْذَرُ فِقْنِي، وَ فِيْ نَفْسِي اَنْجَام دهنده کفایتم فرما، خدایا! از آنچه می‌ترسم کفایتم کن و از آنچه برحذر نگاهم‌دار و خودم و دینی فَاخْرُسْنِي، وَ فِيْ سَفَرِي فَاخْفِظْنِي، وَ فِيْ أَهْلِي وَ مَالِي دینم را حفظ کن و در سفر محافظتم کن و در خانواده و مال فَاخْلُفْنِي، وَ فِيْ مَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَ فِيْ نَفْسِي فَذَلِّنِي، وَ فِيْ جَانَشِينِ مَنْ بَاش و در آنچه روزیم کرده ای برکت ده و مرا در پیش خودم خُورِ كُن وَ در اَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، چشم مردم بزرگم کن و از شر جن و انس بسلامتم بدار ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۰۹ وَ بَدُّ تُوْبِي فَلَا تُفْضَحْنِي وَ بَسِّرْ بَرِيَّتِي فَلَا تُخْزِنِي، وَ بَعْمَلِي فَلَا وَ بَهْ گناهان رسوایم مکن و به اندیشه‌های باطنم سرفاکنده‌ام مکن و به کردارم تَبْتَلْنِي، وَ نَعْمَكَ فَلَا تَسْلِبْنِي، وَ إِلَي غَيْرِكَ فَلَا تَكْلِنِي، إِلَهِي إِلَي دِجَارَم مَسَاز وَ نَعْمَتِهَاتِ رَا اَزْ مَنْ مَكْبِر وَ بَجَزِ خُودْتِ بَهْ دِيْگَرِي وَ اْگِذَارَم مَكْنِ خُدَايَا مَنْ تَكْلِنِي، إِلَي قَرِيبٍ فَيَقْطَعْنِي، أَمْ إِلَي بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمْنِي، أَمْ إِلَي بَهْ كَهْ وَ اْگِذَارَم مِي كِنِي آيَا بَهْ خُويشاوندي كَهْ اَزْ مَنْ بِيْرْدِ يَا بِيْگَانَه‌اي كَهْ مَرَا اَزْ خُودِ دُور كِنْدِ يَا بَهْ كَسَانِي كَهْ الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكُ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي، خُورَام شَمْرِنْدِ وَ تُوْبِي پَرورد گار مَن وَ زَمَامْدَار كَار مَن بَسُوي تُو شَكَايْتِ أَرَمِ اَزْ غُرْبْتِ خُودِ وَ بَعِيدِ دَارِي، وَ هَوَانِي عَلَي مَنْ مَلَكْتَهُ أَمْرِي. إِلَهِي فَلَا تُخْلِلْ وَ دُورِي خَانَه‌امِ وَ خُورَايِمِ نَزْدِ كَسِي كَهْ زَمَامْدَارِ كَار مَن كَرْدِي خُدَايَا پَسِ خُشَمِ خُودِ رَا عَلَيَّ غَضَبِكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضَبْتِ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ، بَرِ مَنْ مَبَارِ وَ اْگَرِ بَرِ مَنْ خُشَمِ نَكْرَدَهْ بَاشِي بَا كِي نِدَارَمِ سُبْحَانِكَ غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلْكَ يَا رَبِّ بِنُورِ مَنْزِهِي تُو- جَزْ اَيْنَكَهْ دَرِ عَيْنِ حَالِ عَافِيْتِ تُو وَ سِيْعَتَرِ اسْتِ بَرَايِ مَنْ پَسِ اَزْ تُو خُورَاهَمِ پَرورد گارا بَهْ نُورِ وَ جِهْمَكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْمَأْرُضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَ كَيْتَفَتْ بِهْ ذَاتِ كَهْ رُوشَنِ شَدِ بَدَانِ زَمِينِ وَ آسْمَانِهَا وَ بَرَطْرَفِ شَدِ بَدَانِ الظُّلُمَاتِ، وَ صَلِّحْ بِهْ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمَيِّتَنِي عَلَي تَارِيكِيهَا وَ اَصْلَاحِ شَدِ بَدَانِ كَارِ اَوَّلِينَ وَ آخِرِينَ كَهْ مَرَا بَرِ حَالِ غُضْبِ خُويشِ ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۱۰ غَضَبِكَ، وَلَا- تُنْزِلْ بِي سَيْحَطَكَ، لَكِنَّكَ الْعُتْبَى حَتَّى نَمِيرَانِي وَ خُشَمْتِ رَا بَرِ مَنْ نَازِلِ مَفْرَمَائِي مَوْاْخِذَهْ وَ بَا زُخُوسْتِ حَقِّ تُو اسْتِ تَا گَاهِي كَهْ

تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ بِيش از آن راضی شوی معبودی جز تو نیست که پروردگار شهر محترم و مشعر الحرام، وَالْوَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي أَخْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ الْحَرَامِ و خانه کعبه‌ای آن خانه‌ای که برکت را بدان نازل کردی و آنرا برای مردمان آمتاً، یا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، یا مَنْ أَسْبَغَ النُّعْمَاءَ خَانه امنی قرار دادی ای کسی که از گناهان بزرگ به بردباری خود در گذری ای که نعمتها را به فضل خود بفضله، یا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، یا عَدَّتِي فِي شِدَّتِي، یا فراوان گردانی ای که عطایای شایان را به کرم خود بدهی ای ذخیره‌ام در سختی صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، یا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، یا وَلِيِي فِي نِعْمَتِي، ای رفیق و همدم در تنهایی ای فریادرس من در گرفتاری ای ولی من در نعمتم یا إِلَهِي وَ إِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ، وَ رَبَّ ای معبود من و معبود پدرانم ابراهیم و اسمعیل و (معبود) اسحاق و یعقوب و پروردگار جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ، وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ و پروردگار محمد خاتم پیمبران و آل الْمُتَنَبِّئِينَ، وَ مُنَزَّلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ، وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ، وَ مُنَزَّلَ بَرَكِيدِهَاش و فروفروستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن و نازل کننده ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۱۱

کهیصص، وَ طه وَ يس، وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي كَهْيِصص وَ طه و «یس و قرآن حکمت آموز» تویی پناه من هنگامی که درمانده‌ام الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَ تَضَيِّقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا، وَلَوْلَا كُنْتُ رَاهِبًا بِهَا هَمَّ وَسَعَتِي كَمَا دَارُنَا وَ زَمِينُ بَرِّ مَن تَنَكَّ كِيرًا بِهَا هَمَّ بِهَنَاوريش و اگر نبود رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَلَوْلَا سَتْرُكَ رَحْمَتِ تُو بِطُورِ حَتْمٍ مَن هَلَاكَ شُدَّةً بُوْدَم وَ تُوِي نَادِيْدَةً كِيرَ لَغْزَمٍ وَ اِگر پَرْدِه‌پوشی تُو نُبُوْدَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّضْرِ عَلَيَّ مَسْلَمًا مَن اَز رَسُوْاشْدِ كَان بُوْدَم وَ تُوِي كِي بِيَّارِي خُوْد مَرَا بِرَ اَعْيِدَائِي، وَلَوْلَا نَضْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ. یا مَنْ حَصَّ دَشْمَنانِم يَّارِي دَهِي وَ اِگر نُبُوْد يَّارِي تُو مَن مَغْلُوب شُدَّةً بُوْدَم ای كِي مَخْصُوص كَرْدِه نَفْسَهُ بِالشُّمُو وَالرَّفِيعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْزُّوْنَ، یا مَنْ جَعَلْتُ لَهُ خُوْد رَا بِه بَلَنْدِي وَ بَرْتَرِي وَ دُوسْتانِش بُوْسِيْلَه عِزْتِ او عِزْتِ يابَنْدِ ای كِي الْمُلُوكُ نَبِرَ الْمَذَلَّةِ عَلَيَّ اَعْنَاقِهِمْ، فَهَمَّ مَن سَطَواتِه خائِفُوْنَ، پادشاهان در برابرش طُوقِ خُوْاري بِه كَرْدَن كُذارَنْدِ وَ اَنها اَز سَطَواتِش تَرَسانَنْدِ يَعْلمُ خائِفَةٌ الْأَعْيُنِ وَ ما تُخْفِي الصُّدُورُ، وَ غَيْبٌ ما تَأْتِي بِه مِي داند حَرَكَتِ (يا خِيانَت) چَشْمها وَ اَنچه رَا سِيْنه‌ها پَنهان كَنْنَدِ وَ حُوادِثِي كِي در كَمون الْأَزْمِنَةُ وَالذُّهُورُ، یا مَنْ لا يَعْلمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ لا يَعْلمُ زَمانِها وَ رُوْزگارِها اسْتِ ای كِي نَدانَنْدِ چَكُونِگِي او رَا جِزِ خُوْدِ او ای كِي نَدانَنْدِ ادعِيه وَ اَدابِ مَكّه مَكْرَمه، ص: ۱۱۲ ما هُوَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ لا يَعْلمُ ما يَعْلمُهُ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَيَّ چِيْسْتِ او جِزِ او ای كِي نَدانَنْدِ او رَا جِزِ خُوْدِ او ای كِي زَمِينِ رَا بِرِ الْماءِ، وَ سَيِّدُ الْهُوَاءِ بِالسَّماءِ، یا مَنْ لَهُ اَكْرَمُ الْأَسْماءِ، یا ذَا آبِ فَرُو بُرْدِي وَ هُوَا رَا بِه آسْمانِ بَسْتِي ای كِي كَرامِي تَرِينِ نامِها اَز او اسْتِ ای دارَنْدِه الْمَعْرُوفِ الَّذِي لا يَنْقُطِعُ اَبْداً، یا مُقِيصِصَ الرُّكْبِ لِيوْسُفَ فِي اِحْسانِي كِي هَر كِزِ قَطْعِ نَشُوْدِ ای كِمَارَنْدِه كَارِوانِ بَرايِ نِجاتِ يوْسُفِ الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَ جاعِلَهُ بِعَيْدِ الْعَبُودِيَّةِ مَلِكًا، یا در اَن جايِ بِي آبِ وَ عِلْفِ وَ بِيرونِ آورَنْدِه‌اش اَز چاهِ وَ رَسانَنْدِه‌اش بِه پادشاهِي پَسِ اَز بَنْدِگِي ای كِي رَا دَهَّ عَلَيَّ يَعْقُوبَ بِعَيْدِ أَنْ اَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، یا او رَا بِرِ كَرْدانْدِي بِه يَعْقُوبِ پَسِ اَز اَن كِي دِيْدِ كانِش اَز اَنْدِه سَفِيْد شُدِه بُوْدِ وَ اَكَنْدِه اَز غَم بُوْدِ ای كاشِفِ الضَّرِّ وَالْبَلْوى عَنِ أَيُّوبَ، وَ مُمَسِّكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنِ بَرطَرَفِ كَنْنَدِه سَخْتِي وَ كَرْفَتاريِ اَز أَيُّوبَ وَ ای نَگَه‌دارَنْدِه دَسْتِهايِ اِبْرَاهِيمِ اَز دَبْحِ اَبْنِهِ بِعَيْدِ كَبَرِ سِنِيْهِ، وَ فَناءِ عُمَرِهِ، یا مَنْ اسْتِجَابَ لِزَكَرِيَّا ذَبَحَ پَسْرَشِ پَسِ اَز سَنِ پيريِ وَ بَسْر اَمْدَنِ عَمْرَشِ ای كِي دَعايِ زَكَرِيَّا رَا بِه اِجابَتِ رَسانْدِي فَوَهَبَ لَهُ يَحْيِي وَ لَمْ يَدْعُهُ فُودًا وَ حِيْدًا، یا مَنْ اَخْرَجَ يُوْسُفَ مِنْ يَحْيِي رَا بِه او بَخْشِيْدِي وَ او رَا تَنها وَ بِي كَسِ وَا مَكْذارْدِي ای كِي بِيرونِ آوَرْدِ يُونَسَ رَا بِطَنِ الْحُوتِ، یا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِيْنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَ جَعَلَ اَز شَكْمِ ماهِي ای كِي شَكافَتِ درِيَا رَا بَرايِ بَنِي اسْرَائِيلِ وَ (اَز فَرَعونِيانِ) نِجاتِشانِ دادِ وَ ادعِيه وَ اَدابِ مَكّه مَكْرَمه، ص: ۱۱۳ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ مِنَ الْمُعْرِقِينَ، یا مَنْ أَرْسَلَ الرِّياحَ مُبَشِّرَاتِ فَرَعونِ وَ لَشْكَرِيانِشِ رَا عَرَقَ كَرْدِ ای كِي فَرَسْتادِ بادِها رَا نُوِيْدِ دَهَنْدِ كانيِ بَيْنَ يَدِي رَحْمَتِي، یا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَيَّ مِنْ عَصاهُ مِنْ خَلْقِهِ، یا پِيْشا پِيْشِ اَمْدَنِ رَحْمَتِشِ ای كِي شَتابِ نَكَنْدِ بِرِ (عَذابِ) نافرمانانِ اَز خَلْقِ خُوْدِ ای مَنْ اسْتِتَقَدَّ السَّحْرَةَ مِنْ بَعِيدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَ قَدَّ عَدَدُوا فِي نِعْمَتِي كِي نِجاتِ بَخْشِيْدِ سَاحِرانِ (فَرَعونِ) رَا پَسِ اَز سالِها اَنْكارِ (وَ كَفْرِ) وَ چنانِ بُوْدَنْدِ كِي مَتَنَعَمَ بِه نِعْمَتِهايِ خُدا بُوْدَنْدِ يا كُلُوْنَ رِزْقَهُ، وَ يَعْجِدُوْنَ عَيزَهُ، وَ قَدَّ

حَادُوهُ وَنَادُوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ. که روزیش را می‌خوردند ولی پرستش دیگری را می‌کردند و با خدا دشمنی و ضدیت داشتند و رسولانش را تکذیب می‌کردند یا اللّٰه یا اللّٰه یا یَدِیْ یا یَدِیْعُ، لَا یَدُّ لَکَ، یا دَائِمٌ لَا نَفَادَ لَکَ، ای خدا ای خدا ای آغازنده ای پدیدآورنده‌ای که همتا نداری ای جاویدانی که زوال نداری یا حَیُّ حَیْنٌ لَا حَیَّ، یا مُحِیُّ الْمَوْتِ یا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلٰی کُلِّ اٰی زنده در آنگاه که زنده‌ای نبود ای زنده کن مردگان ای که مراقبت داری نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ، یا مَنْ قَلَّ لَهُ شُکْرٰی فَلَمْ یَحْرِمْنِیْ، وَعَظُمَتْ هَر کس بدانچه انجام داده ای که سپاسگزاری من برایش اندک است ولی محروم نکند و خطایم خَطِیْبَتِیْ فَلَمْ یَفْضَحْنِیْ، وَرَآنِیْ عَلٰی الْمَعَاصِیْ فَلَمْ یَشْهَرْنِیْ، بزرگ است ولی رسوایم نکند و مرا بر نافرمانی خویش ببند ولی پرده‌ام ندرد ای که یا مَنْ حَفَظْنِیْ فِی صِغْرِیْ، یا مَنْ رَزَقْنِیْ فِی کِبَرِیْ، یا مَنْ مَرَا در کودکی محافظت کردی ای که در بزرگی روزیم دادی ای که اندازه مرحمت‌هایی که به من کردی ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۱۴ اَیَادِیْهِ عِنْدِیْ لِأَتْخَصِیْ وَنِعْمَهُ لِأَتْجَازِیْ یا مَنْ عَارَضَنِیْ بِالْخَیْرِ بِشِمَارِهِ نِیَایِد و نعمت‌هایش را تلافی ممکن نباشد ای که روبرو شد با من به نیکی وَالْإِحْسَانِ، وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِضِّیَانِ، یا مَنْ هَدَانِیْ لِلْإِیْمَانِ و احسان ولی من با او به بدی و گناه روبرو شدم ای که مرا به ایمان هدایت کرد مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُکْرَ الْإِیْمَانِ، یا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِیضًا فَشَفَانِیْ، پیش از آنکه بشناسم طریقه سپاسگزاری نعمتش را ای که خواندمش در حال بیماری و او شفایم داد وَعُزَّیْنَا فَکَسَانِیْ، وَجَانِعًا فَاشْبَعْنِیْ، وَعَطْشَانَ فَارْوَانِیْ، وَذَلِیلاً و در برهنگی و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او سیرم کرد و در تشنگی و او سیرابم کرد و در خواری و فَأَعَزَّنِیْ، وَجَاهِلًا فَعَرَّفْنِیْ، وَوَحِیدًا فَكَتَّرْنِیْ، وَغَائِبًا فَزَدَّنِیْ، او عزتم بخشید و در نادانی و او معرفتم بخشید و در تنهایی و او فزونی جمعیت به من داد و در دوری از وطن و او بازم گرداند وَمُقَلَّمًا فَأَغْنَانِیْ، وَمُتَّصِرًا فَتَصَرَّنِیْ، وَغَیْبًا فَلَمْ یَسْلُبْنِیْ، و در نداری و او دارایم کرد و در کمک‌خواهی و او یاریم داد و در ثروتمندی و او از من سلب نفرمود وَأَمْسِیْ کُتُّ عَیْنِ جَمِیْعِ ذَلِکَ فَابْتَدَأْنِیْ. فَلَکَ الْحَمْدُ وَالشُّکْرُ، یا مَنْ و (هنگامی که) از همه این خواسته‌ها دم بستم تو آغاز کردی پس از آن تو است حمد و سپاس ای که أَقَالَ عَثْرَتِیْ، وَنَفَسَ کُرْبَتِیْ، وَأَجَابَ دَعْوَتِیْ، وَسَتَرَ عَوْرَتِیْ، لَغْزَمَ را نادیده گرفت و گرفتگی را از من دور کرد و دعایم را اجابت فرمود و عییم را پوشاند وَغَفَرَ ذُنُوبِیْ، وَبَلَّغْنِیْ طَلِیْبَتِیْ، وَنَصَرَ رَیْ عَلٰی عَدُوِّیْ، وَإِنْ و گناهانم را آمرزید و به خواسته‌ام رسانید و بر دشمنم یاری داد و اگر بخواهم ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۱۵ اَعْرَدْتُ نِعْمَکَ وَمِنْنَکَ وَکَرَامَکَ لِأُحْصِیْهَا. یا مَوْلَایْ أَنْتَ الَّذِیْ نَعَمْتَهَا و عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم ای مولای من این تویی مَنَّتْ، أَنْتَ الَّذِیْ أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ که منت نهادی و این تویی که نعمت دادی این تویی که احسان فرمودی این تویی أَجَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ که نیکی و تفضل کردی تویی که احسانت را کامل کردی این تویی رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ که روزی دادی این تویی که عطا فرمودی، تویی که أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ کَفَيْتَ، بی‌نیاز کردی این تویی که ثروت بخشیدی این تویی که ماوی دادی این تویی که کفایت کردی أَنْتَ الَّذِیْ هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ عَصَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ تَوَبَّعْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ که هدایت کردی این تویی که نگهداشتی این تویی که پوشاندی این تویی عَفَوْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ که آمرزیدی این تویی که نادیده گرفتی این تویی که قدرت و چیرگی دادی این تویی که أَعَزَّرْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَعَنْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ عَضَدْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ عَزَّتْ بِخِشْدِیْ این تویی که پشتیبانی کردی این تویی که أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ تَأَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ که یاری کردی این تویی که شفا دادی این تویی که ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۱۶ عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِیْ أَكْرَمْتَ، تَبَارَكَتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَکَ الْحَمْدُ دَائِمًا، عَافِیْتَ دادی این تویی که اکرام کردی بزرگی و برتری از تو است و ستایش همیشه مخصوص تو است وَالْمَکَّ الشُّکْرُ وَاصِحَبًا أَيْدًا. ثُمَّ أَنَا یا إِلَهَی الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِیْ و سپاسگزاری دائمی و جاوید از آن تو است و اما من ای معبودم کسی هستم که به گناهانم اعتراف دارم فَأَعْفُوهَا لِیْ، أَنَا الَّذِیْ أَسِئْتُ، أَنَا الَّذِیْ أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِیْ پَسَّ أَنْهَا را بیامرزد و این منم که بد کردم این منم که خطا کردم این منم که (به بدی) هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِیْ جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِیْ غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِیْ سِیْهَوْتُ، أَنَا الَّذِیْ هَمْتُ گماشتم این منم که نادانی کردم

این منم که غفلت ورزیدم این منم که فراموش کردم این منم اعْتَمَدْتُ، اَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، اَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، اَنَا الَّذِي كَفَرْتُ (به غیر یا به خود) اعتماد کردم این منم که (به کاربرد) تَعَمَّدْتُ کردم این منم که وعده دادم و این منم اَخْلَفْتُ، اَنَا الَّذِي نَكَثْتُ، اَنَا الَّذِي اَفْرَزْتُ، اَنَا الَّذِي اَعْتَرَفْتُ که خلف وعده کردم این منم که پیمان شکنی کردم این منم که به بدی اقرار کردم این منم که به نعمت بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَاَبُوهُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي. یا مَنْ تُوْبِرْ خُودَ وِ دَرِ پِيشِ خُودِ اعْتِرَافِ دَارِمْ وِ بَاگِناهانم بسویت بازگشته‌ام پس آنها را بیمارزای کسی که لا- تَضَرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْغَنِيُّ عَن طَاعَتِهِمْ، وَالْمُوفِيُّ زِيَانِشِ نِرساند گناهان بندگان و از اطاعت ایشان بی‌نیازی و تو آنی که هر کس از بندگان مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ اِلَهِي کردار شایسته‌ای انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی پس تو را است ستایش ای معبود و ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۱۷ وَسَيِّدِي، اِلَهِي اَمْرَتِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، آقاي من خدایا به من دستور دادی و من نافرمانی کردم و نهی فرمودی ولی من نهی تو را مرتکب شدم فَاصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ لِي فَاعْتَدِرْ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ، فَبَايَ شَيْءٍ وَاكُنْ بِحَالِي افتاده‌ام که نه وسیله تبرئه‌ای دارم که پوزش خواهم و نه نیرویی دارم که بدان یاری گیرم پس به چه وسیله اَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ، اَسْمَعِي اَمَّ بَصِيرِي، اَمَّ بِلِسَانِي، اَمَّ بِيَدِي، اَمَّ مِنْ تَوْبِ بَخْشِشِ طَلِبِمْ اِي مَوْلَايَ مِنْ اَيَا بَه گوشم یا به چشمم یا به زبانم یا به دستم یا بِرِجْلِي، اَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَةً عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ، بَه پايِم اَيَا هَمِه اينها نعمتهای تو نیست که در پیش من بود و با همه آنها تو را معصیت کردم ای مولای من فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرْتَنِي مِنَ الْاَبَاءِ وَالْاُمَّهَاتِ پس تو حجت و راه مؤاخذه بر من داری ای که مرا پوشاندی از پدران و مادران اَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْاِخْوَانِ اَنْ يُعَيِّرُونِي، که مرا از نزد خود برانند و از فامیل و برادران که مرا سرزنش کنند و از وَمِنَ السَّلَاطِينِ اَنْ يُعَاقِبُونِي، وَلَوْ اَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا اَطَّلَعْتَ سَلَاطِينِ وِ حُكُومَتِها که مرا شکنجه کنند و اگر آنها مطلع بودند ای مولای من بر آنچه تو بر آن مطلعی عَلَيَّ مِني اِذَا مَا اَنْظَرُونِي، وَكَلَّفُونِي وَقَطَعُونِي. فَها اَنَا اِذَا اَزْ كَارِمْ دَرِ اَنْ هِنْگام مَهْلَتم نَمي دادند و از خود دورم می‌کردند و از من می‌بریدند و اینک یا اِلَهِي، بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي، خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيْرٌ حَقِيْرٌ، لَا ذُو خُدَايَا اِيْنِ مَنْم که در پیشگاهت ایستاده‌ام ای آقاي من با حال خضوع و خواری و در ماندگی و کوچکی نه وسیله ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۱۸ بَرَاءَةٌ فَاعْتَدِرْ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ، وَلَا ذُو حُجَّةٍ فَاحْتَجِّجْ بِها، وَلَا تَبِرُّهُ جُوبِي دَارِمْ که پوزش طلبم و نه نیرویی که یاری جویم و نه حجت و برهانی که بدان چنگ زنم و نه قَائِلٌ لَمْ اُجْتَرِحْ، وَلَمْ اَعْمَلْ سُوءًا، وَمَا عَسَى الْجُحُودُ مِي تُوَانِم بگویم که گناه نکرده‌ام و عمل بدی انجام نداده‌ام و کجا می‌تواند انکار- فَرَضًا لَوْ جَعَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعَنِي، كَيْفَ وَآئِي ذَلِكُ وَجَوَارِحِي كُلُّها که انکار کنم ای مولای من- سُودِم بَخْشِد! چگونه؟ و کجا؟ با اینکه تمام اعضای من شاه‌دهه عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَقَدْ عَلِمْتُ يَقِيْنًا غَيْرَ ذِي شَكِّ اَنَّكَ گواهند بر من به آنچه انجام داده و به يقين می‌دانم و هیچگونه شك و تردیدی ندارم که تو از سائیلی مِنْ عَظَائِمِ الْمُؤْمَرِ، وَآتَكَ الْحَكْمَ الْعَدْلُ الَّذِي لا- تَجُورُ، كَارِهاي بزرگ از من پرسش خواهی کرد و تویی آن داور عادل که ستم نکند وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَاِنْ تُعَذِّبُنِي يا اِلَهِي و همان عدالت مرا هلاک کند و از تمام عدالت تو می‌گریزم اگر عذابم کنی خدایا فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَاِنْ تَغْفُ عَنِي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ بَواسطه گناهان من است پس از آنکه حجت بر من داری و اگر از من درگذری پس به بردباری و بخشندگی وَكَرَمِكَ. لا- اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِيْنِي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لا- اِلَهَ وِ بزرگواری تو است معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از ستمکارانم معبودی اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِيْنِي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لا- اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ جِزْ تُو نِست منزهی تو و من از آمرزش خواهانم معبودی جِزْ تُو نِست ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۱۹ سُبْحَانَكَ اِيْنِي كُنْتُ مِنَ الْمُوحِدِينَ، لا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِيْنِي منزهی تو و من از یگانه پرستانم معبودی نیست جِزْ تُو منزهی تو و من كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لا- اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِيْنِي كُنْتُ از ترسناکانم معبودی جِزْ تُو نِست منزهی تو و من از مِنَ الْوَجَلِينَ، لا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِيْنِي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِحِينَ، لا- اِلَهَ هراسناکانم معبودی جِزْ تُو نِست منزهی تو و من از اميدوارانم معبودی اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِيْنِي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ، لا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ نِست جِزْ تُو منزهی تو و من از مشتاقانم معبودی جِزْ تُو نِست سُبْحَانَكَ اِيْنِي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ، لا- اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ منزهی تو و من از تهليل (لا- اِلَهَ اِلَّا اللهُ)

گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و اینی کُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنْ أَسْفَلِ السَّمَوَاتِ جَزَاءً لِمَا كُنْتُ أَفْعَلُ مِنْ دُونِ مَا تُنَزِّلُ مِنْ سَمَاءٍ مَعْدِدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقَرَّرًا أُنِي لَمْ أُخْصَ بِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوعِهَا، در مقام شماره آنها گرچه من اقرار دارم که آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسیاری آنها و فراوانی و تظاهرها و تقادّمها إلى حَدِيثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَعْتَهْدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَآشْكَارِي أَنَّهُمْ جُسْتَنَ أَنَّهُمْ مِنْ زَمَانٍ پیدایش من که همواره در آن عهد مرا بوسیله آن نعمتها یادآوری می کردی و بَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ، از آن ساعت که مرا آفریدی و خلق کردی از همان ابتدای عمر که از نداری و فقر مرا به توانگری درآوردی و كَشَفَ الضَّرَّ، وَتَسَيَّبَ الْيُسْرَ، وَدَفَعَ الْعُسْرَ، وَتَفَرَّجَ الْكَرْبَ، و گرفتاریم برطرف کردی و اسباب آسایش مرا فراهم ساختی و سختی را دفع نموده و اندوه را زدودی وَالْعَافِيَةَ فِي الْبَدَنِ، وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ. وَلَوْ رَفَعْتَنِي عَلَى قَدَرٍ وَتَمَّ رَأْيُكَ تَنْدَرَسْت و دینم را سلامت داشتی و اگر یاریم دهند به اندازه‌ای ذَكَرَ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَّرْتُ كِتَابَةَ نِعْمَتِكَ بِذِكْرِكَ، تمام جهانیان از اولین و آخرین نه من قدرت و لاهم علی ذلک. تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ، عَظِيمٍ ذَكَرْتُكَ رَا دَارَمُ نَه أَنَّهُمْ مَنزَهِي تُو وَ بَرْتَرِي از اینکه پروردگاری هستی کریم و بزرگ رَحِيمٍ، لَا تُخْصِي الْأَوْكَ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافَأُ نِعْمَاؤُكَ، و مهربان که مهرورزی هایت به شماره درنیاید و ستایشت به آخر نرسد و نعمتهایت را تلافی نتوان کرد صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاتِّمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ، وَاسْتَعِزَّ بِطَاعَتِكَ. درود فرست بر محمد و آل محمد و کامل گردان بر ما نعمتهایت را و بوسیله اطاعت خویش ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۲۱ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، سَعَادَتِ مَنْدَمَانِ گِردَانِ مَنزَهِي تُو مَعْبُودِي جَز تُو نِيسْت خِدايَا تُو بِي كِه اِجَابَت كِنِي دَعَايِ دَرْمَانْدِه رَا وَتَكْشِفُ الشُّوْءَ، وَتُعِيْثُ الْمَكْرُوْبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُغْنِي وَ بَرْتَرَف كِنِي بَدِي رَا وَ فَرِيادِرْسِي كِنِي از گرفتار و شفا دهی به بیمار و بی نیاز كِنِي الْفَقِيْرَ، وَتَجْبِرُ الْكَسِيْرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيْرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيْرَ، وَتَلِيْسُ الْفَقِيْرَ وَ مَرْمَت كِنِي شَكْسْتِگِي رَا وَ رَحْم كِنِي بَه كُودَكْ خَرْدَسَالِ وَ يَارِي دَهِي بَه پِيْر كِهَنْسَالِ وَ جَز تُو دُونَكَ ظَهِيْرِي، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيْرِي، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيْرِي. يَا مُطَلِقَ پَشْتِيْساَنِي نِيسْت وَ نَه فَوْق (توانایی) تُو تُوَانَايِي وَ تُو بِي وَالَايِي بَزْرَگِ اِي رِهَا كِنْدِه الْمَكْبَلِ الْأَسِيْرِي، يَا رَازِقَ الْوَالِدِ الصَّغِيْرِي، يَا عِضِيْمَةَ الْخَائِفِ اسِيْرِ دَر كُنْدِ وَ زَنْجِيْرِ اِي رُوْزِي دِهَنْدِه كُودَكْ خَرْدَسَالِ اِي پِنَاهِ شَخْصِ تَرَسَانِي الْمُسْتَحْجِرِي، يَا مَنْ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَلَا وَزِيْرَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مُحَمَّدًا وَ عَطَا كِنِ بَه مِنْ دَر اِيْنِ شَامِ بَهْتَرِيْنِ چِيْزِي رَا كِه عَطَا كَرْدِي وَ دَادِي بَه يَكِي مِنْ عِبَادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِيْهَا، وَآلَاءٍ تُجَدِّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ تُصِيْرُهَا، از بندگان چه آن نعمتی باشد که می بخشی و یا احسانهایی که تازه کنی و بلاهایی که می گردانی وَكُرْبِيَّةٍ تُكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسْبِيَّةٍ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَةٍ وَغَمٍّ وَانْدُوْهي كِه بَرْتَرَف كِنِي وَ دَعَايِي كِه اِجَابَت كِنِي وَ كَار نِيكِي كِه پِندِيْرِي وَ گِناهاَنِي ادعِيه وَ آداب مکه مکرمه، ص: ۱۲۲ تَعْتَهْدُهَا، إِنَّكَ لَطِيْفٌ بِمَا تَشَاءُ حَبِيْرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. كِه پِوشاَنِي كِه بَراسْتِي تُو بَهْرِ چِه خِواهي دَقِيْقِ وَ آگَاهي وَ بَر هَر چِيْزِ تُوَانَايِي اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَسْرِعُ مَنْ أُنْجِبَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَا، خِدايَا تُو نَزْدِيكْتَرِيْنِ كَسِي هَسْتِي كِه خِواَنْدَتِ وَ از هر کس زودتر اجابت کنی و در گذشت از هر کس بزرگوارتری وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَدَر عَطَا بَخْشِي عَطَايَتِ از همه وسیعتر و در اجابت درخواست از همه شنواتری اِي بَخْشاِنْدِه دُنْيا وَ آخِرْتِ وَ رَحِيْمُهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْؤُولٌ، وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعْوَتُكَ وَ مَهْرَبانِ آن دو بَراسْتِي كَسِي كِه مانند تُو از او درخواست شود نیست و جز تُو آرزو شده‌ای نیست خواندمت فَأَجَبْتَنِي، وَسَأَلْتَنِكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَرَغَبْتُ إِلَيْكَ فَارْحَمْتَنِي، وَ تُو اِجَابَت كَرْدِي وَ دَرخواست كَرْدَمِ وَ تُو عَطَا كَرْدِي وَ بَه دَرگَاهِ تُو مِيْل كَرْدَمِ وَ تُو مَرادِ مَهْر خِويشِ قَراردادِي وَوَتَّفْتُ بِكَ

فَنَجِّتِنِي، وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي. اللَّهُمَّ فَصِّلْ وَبِهِ تَواعُدُ كَرْدَمِ وَ تَو نَجَاتِمِ دَادِي وَ بِه دَر گاهِ تَو نَالِيدِمِ وَ تَو كَفَايَتِمِ كَرْدِي خُدَايَا
 دَرودِ فَرسْتِ عَلَيِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ بِرِ مُحَمَّدِ بِنْدِه وَ رَسولِ وَ پيامبرتِ وَ بِرِ آلِ پاكِ
 الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ، وَهَيِّئْ لَنَا نِعْمَةً، وَكَثِّبْنَا لَكَ وَ پاكيزه اش همگي وَ نِعْمَتِهايِ خُودِ را بِرِ ما كَامَلِ گِرْدانِ وَ عَطَايَتِ را
 بِرِ ما گُواراكنِ وَ نام مَارادِرِ زَمِرِه شاكِرِينَ، وَ لَا لِائِكَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. سپاسگزارانْتِ بنويسِ وَ هِم جِزِ ياد كُنندگانِ
 نِعْمَتِهايِ آمِينَ آمِينَ اِيِ پُروردگارِ جِهانيانِ ادعِيه وَ آدابِ مَكّه مَكْرَمِه، ص: ۱۲۳ اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ، وَقَدَرَ فَفَقَهَرَ، وَعَصَى فَسْتَرَ،
 وَاسْتَغْفَرَ خُدَايَا اِيِ كِه مالِكِ آمَدِ وَ تَوانا، وَ تَوانا اسْتِ وَ قاهِرِ وَ نافِرمانيِ شَدِ ولىِ پُوشانْدِ وَ آمِرزششِ خواهانْدِ فَغْفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ،
 وَ مُنتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ وَ آمِرزدِ اِيِ كِمالِ مَطْلُوبِ جُويندگانِ مِشْتاقِ وَ مِنتَهَيِ آرزُويِ اميدوارانِ اِيِ كِه أَحاطِبِكُلِ شَيْءٍ عِلْمًا،
 وَ وَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا. دانششِ بِهَرِ چيزِ احاطه دَارِدِ وَ رَأْفَتِ وَ مِهَرِ وَ بِرِدباريشِ توبه جُويانِ را فِرَا گِرْفَتِه اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ
 إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، الَّتِي سَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا خُدَايَا ما رُو بِه دَر گاهِ تَو آرِويْمِ دَرِ اِينِ شَبِيِ كِه آنرا شِرافتِ وَ بزرگيِ دَادِي بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ
 وَرَسُولِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَيِ بوسيلهِ مُحَمَّدِ پيامبرتِ وَ فرستاده اتِ وَ بِرِ گَزِيده اتِ از آفريدگانِ وَ امينِ تُو بِرِ وَحِيكَ،
 الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ وَ حِيْتِ آن مژده دهنده وَ ترساننده وَ آن چِراغِ تابناكِ آنكه بوسيله اش بِرِ عَلَيِ الْمُسْلِمِينَ،
 وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيِ مُحَمَّدٍ مُسْلِمَانِ نِعْمَتِ بَخشيدِي وَ رَحْمَتِ عالِمِيانِ قِراشِ دَادِي خُدَايَا دَرودِ فَرسْتِ بِرِ
 مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ، فَصِّلْ عَلَيهِ وَ آلِ مُحَمَّدِ چنانچه مُحَمَّدِ نَزْدِ تُو شايسته آنستِ اِيِ خُدَايِ
 بزرگِ پسِ دَرودِ فَرسْتِ بِرِ اوِ عَلَيِ الْمُنتَجِرِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا وَ بِرِ آلِ بَر گَزِيدهِ پاكِ وَ پاكيزه اش همگي وَ
 پُوشانِ ما را ادعِيه وَ آدابِ مَكّه مَكْرَمِه، ص: ۱۲۴ بَعْفُوكَ عَنَّا، فَإِلَيْكَ عَبَجَتِ الْأَصْوَاتُ بِضُرُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ بِه گِذشتِ خُودِ زِيرا
 صِداها با انواعِ مِخْتَلِفِ لغتِهاشانِ (و هر كس بِه زبانيِ ناله اش) بسُويِ تُو بِلندِ اسْتِ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصَبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقَسَّمُهُ
 بَيْنَ عِبَادِكَ، پسِ اِيِ خُدَايَا ما قِراَرِ ده دَرِ اِينِ شامِ بِه رَهايِ از هَر خيريِ كِه مِيانِ بِنْدگانِ تَقْسيمِ فرمايِي وَ نُورِ تَهْيِدِي بِه، وَرَحْمَةً
 تَنْشُرُها، وَبَرَكَهً تَنْزِلُها، وَعَافِيَةً تَجْلِلُها، وَ نوريِ كِه بَدانِ هِدَايَتِ فرمايِي وَ رَحْمَتِيِ كِه بگِستريِ آنرا وَ بِرِكتِيِ كِه نازلشِ كِنيِ وَ عافيتِيِ
 كِه بِپُوشانيِ وَرِزْقِ تَبَسُّطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ وَ رُوزِيِ وَ رُزْقِيِ كِه پِهَنِ كِنيِ اِيِ مِهْرِبانترينِ مِهْرِبانانِ خُدَايَا
 بِرِگِرْدانِ ما را دَرِ اِينِ هِنكامِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غانِمِينَ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، پيروزمندِ وَ رِستگارِ وَ پذيرفتهِ وَ بِه رَه مندِ وَ از
 نااميدانِ قِراَرانِ مَدِه وَ لَا تُحِلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ لَا تُحَرِّمْنَا ما نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ از رَحْمَتِ دِستِ خاليمانِ مِفرماِ وَ مَحروممانِ مَكْنِ از
 آنچه از فَضْلِ تُو آرزومنديْمِ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَ لَا لِفَضْلِ ما نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَائِكَ وَ جِزِ مَحرومانِ رَحْمَتِ قِراَرانِ مَدِه وَ نِه
 نااميدمانِ كُنِ از آن زيادِيِ عَطَايَتِ قَانِطِينَ، وَ لَا تُرَدِّدْنَا خائِبِينَ، وَ لَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجُودَ كِه آرزومنديْمِ وَ ناكامِ بازمانِ مِگِرْدانِ
 وَ از دَر گاهِ مَطْرُودِ وَ رانده مانِ مَكْنِ اِيِ بَخشنده ترينِ الْأَجُودِينَ، وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَ لِيَتِيكَ الْحَرَامَ بَخْشندگانِ وَ
 كَرِيمترينِ كَرِيمانِ ما با يَقينِ بِه دَر گاهِ تُو رُو آرديْمِ وَ بِه آهنگِ (زيارتِ) خانِه مَحْتَرَمِ تُو ادعِيه وَ آدابِ مَكّه مَكْرَمِه، ص: ۱۲۵ آمِينَ
 قاصِدِينَ، فَأَعِنَّا عَلَى مَناسِكَنا، وَأَكْمِلْ لَنَا حَاجَتَنَا، وَأَعْفُ عَنَّا (كعبه بدينجا) آمِديْمِ پسِ كَمَكِ ده ما را بِرِ اِنجامِ مَناسِكِ حِجِ وَ حِجْمانِ را
 كَامَلِ گِرْدانِ وَ از ما دَر گِذرِ وَ عَافِنَا، فَصَدِّ مِدَدْنَا إِلَيْكَ أَيُّدِينَا، فَهِيَ بِالذُّلِّ الاعْتِرافِ وَ تَنْدَرِستمانِ دارِ زِيرا كِه ما بسُويِ تُو دو دِستِ
 (نِيازِ) دِرازِ كَرده ايمِ وَ آن دِستِها چنان اسْتِ كِه بِه خُوارِيِ اعْتِرافِ بِه گِناهِ مُؤَسْمِيَةً. اللَّهُمَّ فَأَعْظِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ ما سَأَلْنَاكَ، وَ أَكْفِنَا
 نِشاندارشده خُدَايَا دَر اِينِ شامِ بِه ما عطا كُنِ آنچه را از تُو خواسته ايمِ وَ كَفَايَتِ كُنِ از ما آنچه را از تُو كَفَايَتِ ما اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلا كَافِيِ لَنَا
 سِواكَ، وَ لا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذُ فِينَا آنرا خواستيمِ زِيرا كَفَايَتِ كُننده اِيِ جِزِ تُو نِداريمِ وَ پُروردگاريِ غَيْرِ از تُو بِرايِ ما نِستِ تُو يِيِ كِه
 فِرمانتِ دَر باره ما نَافِذِ حُكْمِكَ، مُحِيطٌ بِنا عِلْمِكَ، عَدْلٌ فِينَا قِضاؤِكَ، أَفْضَلٌ لَنَا الْخَيْرِ، وَ دانشتِ بِه ما احاطه دَارِدِ وَ حَكْمِيِ كِه دَر باره
 ما فرمايِي از رُويِ عِدالتِ اسْتِ خُدَايَا خيرونيكيِ بِرايِ ما مَقْرَرِ كُنِ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ، وَ از
 اهلِ خَيْرِ قِراَرانِ ده خُدَايَا واجبِ گِرْدانِ بِرايِ ما از آن جُودِيِ كِه دَارِيِ پاداشِيِ بزرگِ وَ كَرِيمِ الدُّخْرِ، وَ دَوامِ الْيُسْرِ، وَ اعْفُؤْ لَنَا دُنُوبَنَا

أَجْمَعِينَ، وَ ذَخِيرَةَ أَيِّ كَرَامِي وَ آسَاسِي هِمِيشْكَی وَ بِيَامِرْزِ كِنَاهَانِ مَا رَا هَمْكَی وَ دَرِ وَ لَا تُهْلِكُنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا أُنْفَكَ وَ رَحْمَتَكَ، يَا أَرْحَمَ زَمْرِهِ هَلَاكَ شَدِّكَانِ بَدَسْتِ هَلَاكْتَمَانِ مَسْپَارِ وَ مَهْرِ وَ رَأْفَتِ رَا از ما باز مگردان ای مهربانترین الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ، مَهْرَبَانَانِ خَدَايَا قَرَارْمَانِ دِهْ دَرِ اَيْنِ وَقْتِ از آن كسانی كه از تو درخواست کرده و بدیشان عطا فرموده‌ای ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۲۶ وَ شَكَرَكَ فَرِدْتَهُ، وَ تَابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ شَكَرَ تُو رَا بجا آورده و تونعمتت را بر آنها افزون کرده و بسویت بازگشته و تو پذیرفته‌ای و از گناهان بسوی تو بیرون آمده و كَلِّهَا فَعَفَّرَتْهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ وَفَقْنَا وَ سَدِدْنَا تُو هَمِهْ رَا آمْرِيذِهْ اِي، اِي صَاحِبِ جَلَالَتِ وَ بَزْرِ كُوَارِي خَدَايَا مَا رَا مَوْفِقِ وَ (دَرِ دِينِ) مَحْكَمَانِ گِردَانِ وَ اعْصِمْنَا وَ اقْبَلْ تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ مَآ رَا از گناه حفظ كن و تضرع و زاريمان بپذير اِي بَهِتَرِينِ كَسِي كه از او درخواست شود و اِي مَهْرَبَانْتَرِينِ اسْتَرْحَمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ، وَ لَا لَخْطُ كَسِي كه از او مَهْرِ خَوَاهَنْدِ اِي كه بر او پوشيده نيست بَهِمِ نَهَادِنِ پَلَكَهَايِ چَشْمِ وَ نِهْ بَرِ هَمِ خُورْدِنِ الْعُيُونِ، وَ لَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ، وَ لَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ دِيدِ كَانِ وَ نِهْ اَنچِهْ دَرِ مَكُونِ ضَمِيرِ مَسْتَقَرِّ گَرْدِيذِهْ وَ نِهْ اَنچِهْ دَرِ پَرْدِهْ دَلْهَا الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَ وَسَّعَتْ نَهْفَتُهُ اسْتِ آرِي تمام آنها را دانش تو شماره کرده و بردباريت همه حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عَلُوًّا كَبِيرًا، رَا دَرِ بَرِ گَرَفْتِهْ اسْتِ مَنزِهِي تُو وَ بَرْتَرِي از اَنچِهْ سَتْمَكَارَانِ كُوِينْدِ بَرْتَرِي بَسِيَارِي، تَسْبِيْحُ لَكَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَ الْأَرْضُونَ وَ مَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ تَنْزِيهِ كَنْدِ تُو رَا آسْمَانَهَايِ هَفْتِ كَانِهْ وَ زَمِينَهَا وَ هَرَكِهْ دَرِ اَنهَا اسْتِ وَ چيزِي نيست شَيْءٌ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ، وَ عَلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا جِزْ اَنَكِهْ بِهْ سَتَايشِ تُو تَسْبِيْحُ كَنْدِ پَسِ تُو رَا اسْتِ سَتَايشِ وَ بَزْرِ كُوَارِي وَ بَلَنْدِي رَتَبِهْ، اِي صَاحِبِ ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۲۷ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ جَلَالَتِ وَ بَزْرِ كُوَارِي وَ فَضْلِ وَ نَعْمَتِ بَخْشِي وَ مَوْهَبَتَهَايِ بَزْرِ كِ وَ تُوِي الْجَوَادِ الْكَرِيمِ، الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ بَخْشَنْدِهْ بَزْرِ كُوَارِ رُؤُوفِ وَ مَهْرَبَانِ خَدَايَا فِرَاخِ گِردَانِ بَرِ مَنِ از رُوزِي الْحَلَالِ، وَ عَافِيِي فِي يَدَيْي وَ دِينِي، وَ آمِنِ خَوْفِي، وَ أَعْتَقْ رَقَبَتِي حَلَالِ خُودِ وَ عَافِيْتِمِ بَخْشِ دَرِ تَنِ وَ هَمِ دَرِ دِينِمِ وَ تَرَسْمِ رَا اِمَانِ بَخْشِ وَ از آتَشِ دُوزَخِ مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي، وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَ لَا تَخْدَعْنِي، آزَادِمِ كَنْ خَدَايَا مَرَا بِهْ مَكْرِ خُودِ دِچَارِ مَسَازِ وَ دَرِ غَفْلَتِ تَدْرِيجِي بَسُويِ نَابُودِي مَبْرِ وَ فَرِيْمِ مَدِهْ وَ اَدْرَأْ عَنِي شَرَّ فِسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ». وَ شَرَّ تَبْهَكَارَانِ جِنِّ وَ اِنْسِ رَا از مَنِ دُورِ كَنْ. آنگاه صورت را به سوی آسمان کرد، درحالی که از دیده‌های مبارکش اشک می‌ریخت، با صدای بلند عرضه می‌داشت: «يَا أَشْيَعِ السَّمْعِينَ، وَيَا أَبْصَرَ النَّظِيرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، «اِي شَنْوَاتَرِينِ شَنْوَنْدِ كَانِ اِي بَيْنَاتَرِينِ بَيْنَايَانِ وَ اِي سَرِيْعَتَرِينِ حَسَابِ رَسَانِ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ وَ اِي مَهْرَبَانْتَرِينِ مَهْرَبَانَانِ دُرُودِ فَرَسْتِ بَرِ مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ اَنِ آقَايَانِ ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۲۸ الْمَيَامِينَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي فَرِخَنْدِهْ وَ از تُو اِي خُدَا دَرِ خُودِ اسْتِ كَنْمِ حَاجَتِمِ رَا كه اِگر اَنرَا بِهْ مَنِ عَطَا كَنْيِ دِيكِرِ هَرْ چِهْ رَا از ما مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ مِنْ دَرِيغِ كَنْيِ زِيَانَمِ نَزَنْدِ وَ اِگر اَنرَا از مَنِ دَرِيغِ دَارِي دِيكِرِ سُودَمِ نَدِهْدِ هَرْ چِهْ بِهْ مَنِ عَطَا كَنْيِ وَ اَنِ اَيْنِ اسْتِ كه از تُو خَوَاهِمِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ خَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ مَرَا از آتَشِ دُوزَخِ آزَادِ گِردَانِي مَعْبُودِي جِزِ تُو نيست يِگانه اِي كه شَرِيكِ نَدَارِي از تُو اسْتِ الْمُلْمُكُ، وَ لَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ». فَرَمَانِ رُوَايِي وَ از تُو اسْتِ سَتَايشِ وَ تُوِي كه بَرِ هَرْ چيزِ تُوَانَايِي اِي پُرُورْدِ گَارِ اِي پُرُورْدِ گَارِ». پَسِ مَكْرُرِ مِي كَفْتِ: يَا رَبِّ، وَ كَسَانِي كه دُورِ اَنِ حَضْرَتِ بُوْدَنْدِ كُوشِ بِهْ دَعَايِ اَنِ حَضْرَتِ فِرَادَادِهْ، وَ بِهْ آمِينِ كَفْتِنِ اِكْتِفَا كَرْدِهْ بُوْدَنْدِ. وَ صَدَايشَانِ هَمْرَاهِ حَضْرَتِ بِهْ كَرِيهْ بَلَنْدِ شَدِ تَا اَفْتَابِ غُرُوبِ كَرْدِ، اَنگَاهِ رُوانِهْ بِهْ سُويِ مَشْعَرِ الْحَرَامِ شَدَنْدِ. سَيِّدِ بِنِ طَاوُوسِ دَرِ اِقْبَالِ بَعْدِ از «يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ» نَقْلِ كَرْدِهْ، كه حَضْرَتِ دَرِ اِدَامِهْ عَرْضِهْ دَاشْتِ: «إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايِ فَكَيْفَ لَا- أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، «خَدَايَا مَنِ چِنَانِمِ كه دَرِ حَالِ تُوَانِگَرِي هَمِ فَقِيرِمِ پَسِ چِگونه فَقِيرِ نَبَاشِمِ دَرِ حَالِ تَهْيِدِ سَتِيمِ إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي، خَدَايَا مَنِ نَادَانِمِ دَرِ عَيْنِ دَانِشْمَنْدِي پَسِ چِگونه نَادَانِ نَبَاشِمِ دَرِ عَيْنِ نَادَانِي ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۲۹ إِلَهِي إِنْ اِخْتَلَفَ تَدْبِيرُكَ، وَسُرِعَتْ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ، مَنَعَا عِبَادَكَ خَدَايَا بَرَا سْتِي اِخْتِلَافِ تَدْبِيرِ تُو وَ

سرعت تحول و پیچیدن در تقدیرات تو جلوگیری کنند از بندگان العارفين بِحکِّ عَنِ الشُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ، وَاللَّيَّاسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ. عارف تو که به عطایت دل آرام و مطمئن باشند و در بلای تو مأیوس و ناامید شوند إِلَهِي مَنِي مَا يَلِيْقُ بِلُؤْمِي، وَمِنْكَ مَا يَلِيْقُ بِكَرْمِكَ. إِلَهِي وَصِفْتُ خَدَايَا مِنْ هَمَانِ سِرْزَنْدِ كِه شَايِسْتِه پستی من است و از تو انتظار رود آنچه شایسته بزرگواری تو است خدایا تو خود را نَفْسِيكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّافَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي، أَفْتَمَنْعِي مِنْهُمَا بِه لطف و مهر به من توصیف فرمودی پیش از آنکه ناتوان باشم آیا پس از ناتوانیم لطف و مهرت بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي، إِلَهِي إِنْ ظَهَرَتِ الْمَحَاسِنُ مِنْ فَيْضِ لِيكَ، رَا مِنْ دَرِيغِ مِي دَارِي خَدَايَا اِگَر کارهای نیک از من سرزند به فضل تو بستگی دارد وَلَكِ الْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَإِنْ ظَهَرَتِ الْمَسَاوِي مِنْ فِعْدَلِيكَ، وَتُو رَا مَنِّي اسْتِ بَرِ مِنْ وَ اِگَر کارهای بد از من روی دهد آن هم بستگی به عدل تو دارد وَلَكِ الْحُجَّةُ عَلَيَّ. إِلَهِي كَيْفَ تَكَلَّمْتَنِي وَقَدْ تَكَفَّلْتَنِي لِي، وَكَيْفَ أَضَامُ وَتُو رَا بَرِ مِنْ حَجْتِ اسْتِ خَدَايَا چگونگی مرا و اَمِي گزاری در صورتی که کفایتم کردی و چگونه مورد ستم واقع کردم وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ أَخِيْبُ وَأَنْتَ الْحَفِيْبِيُّ بِي، هَا اَنَا بَا اِيْنَكِه تُو يَاوَرِ مَنِي يَا چگونگی ناامید کردم در صورتی که تو نسبت به من مهربانی هم اکنون اَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَكَيْفَ اَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌّ بَه دَر گاه تُو تَوَسَّلُ جُوِيْمِ بُوَسِيْلَه اَن نِيَازِي كِه بَه دَر گاهْتِ دَارِمِ وَ چگونگی تَوَسَّلُ جُوِيْمِ بُوَسِيْلَه فَقْرِي كِه مَحَالٌّ اسْتِ اَدْعِيَه وَ آدَابِ مَكّه مَكْرَمَه، ص: ۱۳۰ اَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفِي عَلَيْكَ، پيرامون تُو راه يابد يَا چگونگی از حال خویش به در گاهْتِ شَكُوِه كَنَمِ بَا اِيْنَكِه حَالِ مِنْ بَرِ تُو پَنَهَانِ نِيَسْتِ يَا اَمْ كَيْفَ اُتْرَجِمُ بِمَقَالِي، وَهُوَ مِنْكَ بَرَزُ إِلَيْكَ، اَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ اَمَالِي چگونگی با زبان (قال) ترجمه حال خود كنم در صورتی که آنهم از پیش تو بَرُوَزِ كَرْدِه بَه نَزْدِ خُوْدْتِ يَا چگونگی آرزوهایم به نومیدي گرايد وَهِي قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ، اَمْ كَيْفَ لَا تُخَيِّرُنِي اَحْوَالِي وَبِحَكِّ قَامَتْ بَا اِيْنَكِه بَه اَسْتَانِ تُو وَاوَرْدِ شُدِه يَا چگونگی احوالم را نيكو نكنی با اینکه احوال من به تو قائم است يَا إِلَهِي مَا اَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي وَمَا اَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَيْحِ خَدَايَا چَه اِنْدَازَه بَه مِنْ لَطْفِ دَارِي بَا اِيْنِ نَادَانِي عَظِيْمِ مِنْ وَ چقدر به من مهر داری با این کردار فعلى إِلَهِي مَا اَقْرَبَكَ مِنْنِي وَقَدْ اَبْعَدْتَنِي عَنْكَ! وَمَا اَرْأَفَكَ بِي زَشْتِ مِنْ خَدَايَا چقدر تو به من نزدیکی و در مقابل چقدر من از تو دورم و با اینهمه که تو نسبت به من مهربانی فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ، إِلَهِي عَلِمْتُ بِاِخْتِلَافِ الْاَثَارِ، وَتَنَقُّلَاتِ پَسِ اَن چيست که مرا از تو محجوب دارد خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول الاطوار، اَنْ مُرَادَكَ مِنْنِي اَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى اَطْوَارِ بَدَسْتِ اَوْرَدَهَامِ مَقْصُودِ تُو اَزِ مِنْ اَنْسْتِ كِه خُوْدِ رَا دَرِ هَرِ چيزِي (جداگانه) به من بشناسانی تا من در هيچ چيزِي لَا اَجْهَلُكَ فِي شَيْءٍ. إِلَهِي كَلَّمَا اَخْرَسْتَنِي لُؤْمِي اَنْطَقْتَنِي كَرْمِكَ، نَسَبْتِ بَه تُو جَاهِلِ نَبَاشْمِ خَدَايَا هَرِ اِنْدَازَه پَسْتِي مِنْ زَبَانِ رَا لال مِي كَنَدِ كَرْمِ تُو اَنْرَا گويا مِي كَنَدِ وَكَلَّمَا اَيَسَّيْتَنِي اَوْصَافِي اَطْمَعْنِي مِنْكَ. إِلَهِي مَنْ كَانَتْ وَ هَرِ اِنْدَازَه اَوْصَافِ مِنْ مَرَا مَأْيُوسِ مِي كَنَدِ نَعْمَتَهَايِ تُو بَه طَمَعِ اِنْدَازْدِ خَدَايَا اَن كَسِ كِه اَدْعِيَه وَ آدَابِ مَكّه مَكْرَمَه، ص: ۱۳۱ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيَه مَسَاوِي، وَمَنْ كَانَتْ كَارَهَايِ خُوْبِشِ كَارِ بَدِ بَاشْدِ پَسِ چگونگی كار بَدِشِ بَدِ نَبَاشْدِ وَ اَن كَسِ كِه حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيَه دَعَاوِي، إِلَهِي حُكْمِيكَ حَقِيْقَتِ گُوِيِي هَايِشِ اَدْعَايِي بِيَشِ نَبَاشْدِ پَسِ چگونگی ادعاهایش ادعا نباشد خدایا فرمان النَّافِذُ وَمَسِيَّتِيكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَبْرُكَا لِذِي مَقَالٍ مَقَالًا، وَلَا لِذِي حَالٍ نَافِذٌ وَ مَشِيَّتِ قَاهِرَتِ بَرَايِ هِيچِ گُوِيِنْدَه اِي فَرِصْتِ گَفْتَارِ نَكْدَارْدِ وَ بَرَايِ هِيچِ صَاَحِبِ حَالِي حَالًا. إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعِيَه بَنِيَّتْهَا، وَحَالَتُهَا شَيَّدْتْهَا، هِيْدَمَ اِعْتِمَادِي حَسِ وَحَالِ بَه جَايِ نَهْدِ خَدَايَا چَه بَسِيَاَرِ طَاعَتِي كِه (پیش خود) پایه گذاری کردم و چه بسیار حالتی که بنیادش کردم ولی (یاد) عَلَيَّهَا عَدْلُكَ، بَلْ اَقَالْنِي مِنْهَا فَضْلُكَ. إِلَهِي اِنَّكَ تَعْلَمُ اَنِي وَ اِنْ عَدْلِ تُو اِعْتِمَادِي رَا كِه بَرِ اَنهَا دَاشْتَمِ يَكْسَرَه فَرُوْرِيخْتِ بَلَكِه فَضْلِ تُو نِيَزِ اِعْتِمَادِمْ رَا بَهْمِ زِدِ خَدَايَا تُو مِي دَانِي كِه اِگَرِ چَه لَمْ تَدْمِ الطَّاعِيَه مَنِي فَعَلًّا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةً وَعَزْمًا. إِلَهِي طَاعَتِ تُو دَرِ مِنْ بَصُوْرَتِ كَارِي مَثَبْتِ اَدَاْمَه نَدَارْدِ وَلِي دُوَسْتِي وَ تَصْمِيْمِ بَرِ اِنْجَامِ اَن دَرِ مِنْ اَدَاْمَه دَارْدِ خَدَايَا كَيْفَ اَعَزَّمُ وَ اَنْتَ الْقَاهِرُ، وَ كَيْفَ لَا اَعَزَّمُ وَ اَنْتَ الْاَمْرُ، إِلَهِي تَرُدُّدِي چگونگی تصمیم گیرم در صورتی که تحت قهر توام و چگونه تصمیم نگیرم با اینکه تو دستورم دهی خدایا تفکر (یا گردش) مِنْ فِي الْاَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ دَرِ اَثَارِ تُو رَاهِ مَرَا بَه دِيْدَارْتِ دُوْرِ سَازْدِ پَسِ كَرْدَارِ مَرَا بَا خُوْدْتِ بُوَسِيْلَه خِدْمَتِي كِه مَرَا تُوَصِّئْتَنِي اِلَيْكَ، كَيْفَ يَشْتَدَلُّ

عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ به تو برساند چگونه استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن موجود در هستیش نیازمند ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۳۲. إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ به تو است و آیا اساساً برای ما سوای تو ظهوری هست که در تو نباشد تا آن الْمُظْهَرِ لَكَ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَ مَتَى وَسِيلَهُ ظُهُورِ تُوْ كَرَدَدِ تُوْ كِي پنهان شده‌ای تا محتاج بدلیلی باشی که به تو راهنمایی کند و چه وقت بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ دور مانده‌ای تا آثار تو ما را به تو واصل گرداند کور است آن چشمی که لا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا، وَخَسِرَتْ صَفْقَةُ عِنْدَ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ تُوْ رَا نَبِيْنَدِ كِه مِرَاقِبِ اُو هَسْتِي وَ زِيَانِ كَارِ بَادِ سُوْدَايِ اَن بِنْدِه كِه اَز مَحَبْتِ خُوِيْشِ بِه اُو حَبِيْكَ نَصَبِيْبًا. اِلَهِي اَمْرَتِ بِالرُّجُوْعِ اِلَى الْأَثَارِ، فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةٍ بِهَرِه‌ای ندادی خدایا فرمان دادی که به آثار تو رجوع کنم پس بازم گردان بسوی خود (پس از مراجعه به آثار) به پوششی اَلْمَأْنُوْرَ، وَ هِدَايَةَ الْاَسِيْبِيْبَصَارِ، حَتَّى اَرْجِعَ اِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ اَز اِنُوَارِ وَ رَاهِنَمَائِي وَ اَز بِيْنَشِ جُوئِي تَا بَا ز كَرْدَمِ بَسُوِيْتِ پَسِ اَز دِيْدَنِ اَثَارِ هَم چنانكه آمدم اِلَيْكَ مِنْهَا، مَصُوْنُ السِّيْرِ عَنِ النَّظْرِ اِلَيْهَا، وَ مَرْفُوْعُ الْهَمِّهِ بَسُوِيْتِ اَز اَنه‌ا كِه نِهَادَمِ اَز نَظَرِ بِه اَنه‌ا مَصُوْنِ مَانْدِه وَ هَمْتَمِ رَا اَز عَنِ الْاِعْتِمَادِ عَلَيْهَا، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ عَقْدِيْرٌ. اِلَهِي هَذَا لِي ظَاهِرٌ اِعْتِمَادِ بَدَانِه‌ا بَر دَاشْتِه باشم كِه بَر اَسْتِي تُو بَر هَر چيز تُو اَنَائِي خَدَايَا اِيْنِ خُوَارِي مِنْ اَسْتِ كِه پِيْشِ رُوِيْتِ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ هَذَا حَالِي لَا يَخْفِي عَلَيْكَ، مِنْكَ اَطْلُبُ الْوُضُوْلَ عِيَانِ وَ اَشْكَارِ اَسْتِ وَ اِيْنِ حَالِ (تباه) مِنْ اَسْتِ كِه بَر تُو پُوْشِيْدِه نِيْسْتِ اَز تُو خُوَاْهَمِ كِه مِرَا بِه خُوْدِ اَدْعِيَه وَ اَدَابِ مَكّه مَكْرَمِه، ص: ۱۳۳. إِلَيْكَ، وَبِكَ اَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بُنُوْرَكَ اِلَيْكَ، وَ اَقْمِنِي بَر سَانِي وَ بُوْسِيْلَه دَاْتِ تُو بَر تُو دَلِيْلِ مِي جُوِيْمِ پَسِ بِه نُورِ خُوْدِ مِرَا بَر دَاْتِ رَاهِنَمَائِي فَرْمَا وَ بِه يَادِ اَرِ مِرَا بِصِدْقِ الْعُبُوْدِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ. اِلَهِي عَلَّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُوْنِ، بَا بِنْدَكِي صَادِقَانِه دَر پِيْشِ رُوِيْتِ خَدَايَا بِيَاْمُوْزِ بِه مِنْ اَز دَانَشِ مَخْزُوْنَتِ وَ صِدِيْقِي بَسِيْرِكَ الْمَصُوْنِ. اِلَهِي حَقِيْقِي بِحَقَائِقِ اَهْلِ الْقُرْبِ، وَ مَحْفُوْظَمِ دَارِ بِه پَرْدِه مَصُوْنَتِ خَدَايَا مِرَا بِه حَقَائِقِ نَزْدِيْكَانِ دَر گَاهْتِ بِيَاْرَايِ وَ اَسِيْلُكَ بِي مَسِيْلِكَ اَهْلِ الْجَزْبِ. اِلَهِي اَغْنِنِي بِتَدْبِيْرِكَ لِي عَنْ وَ بِه رَاهِ اَهْلِ جَذْبِه وَ شَوْقْتِ بِيْرِ خَدَايَا بِي نِيَاْزِ كُنِ مِرَا بِه تَدْبِيْرِ خُوْدَتِ دَر بَارِهَامِ اَز تَدْبِيْرِي، وَ بَاخْتِيَارِكَ عَنِ اَخْتِيَارِي، وَ اَوْقْفِنِي عَلٰى مَرَاكِزِ تَدْبِيْرِ خُوْدَمِ وَ بِه اَخْتِيَارِ خُوْدَتِ اَز اَخْتِيَارِ خُوْدَمِ وَ بَر جَاهَايِ بِيْجَارَكِي وَ دَر مَانْدَكِي اَمِ اَضْطِرَارِي. اِلَهِي اَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِي مِرَا وَاَقْفِ گَرْدَانِ خَدَايَا مِرَا اَز خُوَارِي نَفْسَمِ نَجَاتِ دِه وَ پَاكَمِ كُنِ اَز شَكِ وَ شَكْرِي قَبْلَ حُلُوْلِ رَمِيَّتِي، بِكَ اَنْتَصِرُ فَاَنْصِرْ رَنِي، وَ عَلَيْكَ وَ شَرَكِ خُوْدَمِ پِيْشِ اَز اَنَكِه دَاخِلِ گُوْرَمِ گَرْدَمِ بِه تُو يَارِي جُوِيْمِ پَسِ تُو هَمِ يَارِيْمِ كُنِ وَ بَر تُو اَنْوَكُلُ فَلَا تَكْلِنِي، وَ اِيَّاكَ اَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَ فِي فَضْلِكَ تُو كَلِ كُنْمِ پَسِ مِرَا وَ اَمْگِنَاْرِ وَ اَز تُو دَر خُوَاْسْتِ كُنْمِ پَسِ نَاْمِيْدَمِ مَكْرَدَانِ وَ دَر فَضْلِ تُو اَرْعَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي، وَ بِجَنَابِكَ اَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي، وَ بِبَابِكَ رَغْبَتِ كَرْدِهَامِ پَسِ مَحْرُوْمَمِ مَفْرَمَا وَ بِه حَضْرَتِ تُو خُوْدِ رَا بَسْتِهَامِ پَسِ دُوْرَمِ مَكُنِ وَ بِه دَر گَاهِ تُو اَدْعِيَه وَ اَدَابِ مَكّه مَكْرَمِه، ص: ۱۳۴. اَيْفُ فَلَا تَطْرُدْنِي. اِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ اَنْ تَكُونَ لَهُ عَلَهُ مِنْكَ، اِيْسْتَادِهَامِ پَسِ طَرْدَمِ مَكُنِ خَدَايَا مَبْرَا اَسْتِ خُوْشَنُوْدِي تُو اَز اِيْنَكِه عِلْتِ وَ سَبِيْبِي اَز جَانِبِ تُو دَاشْتِه بَاشَدِ فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عَلَهُ مِّنِّي، اِلَهِي اَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ اَنْ يَصَلَ پَسِ چَگُوْنِه مَمَكُنِ اَسْتِ مِنْ سَبَبِ اَنِ گَرْدَمِ خَدَايَا تُو بِه دَاْتِ خُوْدِ بِي نِيَاْزِي اَز اِيْنَكِه اِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَيْبًا عَنِّي، اِلَهِي اِنَّ الْقَضَاءَ سُوْدِي اَز جَانِبِ خُوْدَتِ بِه تُو بَر سَدِ پَسِ چَگُوْنِه اَز مِنْ بِي نِيَاْزِ نَبَاشِي خَدَايَا بَر اَسْتِي قَضَا وَ الْقَدْرَ يَمِيْنِي، وَ اِنَّ الْهُوِي بُوْتَائِقِ الشَّهْوَةِ اَسِيْرِنِي، فَكُنْ اَنْتَ وَ قَدْرَ مِرَا اَرْزُوْمَنْدِ مِي كَنْنَدِ وَ اَز اَنِ سُو هُوَايِ نَفْسِ مِرَا بِه بِنْدِه‌اِي شَهْوَتِ اَسِيْرِ كَرْدِه پَسِ تُو النَّصِيْرَ يَرِ لِي، حَتَّى تَنْصِيْرَنِي وَ تُبَصِّرَنِي، وَ اَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى يَاوُرَ مِنْ بَاشِ تَا پِيْرُوْزَمِ كُنِي وَ بِيْنَايْمِ كُنِي وَ بُوْسِيْلَه فَضْلِ خُوِيْشِ بِي نِيَاْزِ گَرْدَانِي تَا اَسِيْتَعِنِي بِحِكِّ عَنِ طَلْبِي، اَنْتَ الَّذِي اَشْرَقْتَ الْاَنْوَارَ فِي قُلُوْبِ بُوْسِيْلَه تُو اَز طَلْبِ كَرْدَنِ بِي نِيَاْزِ شُوْمِ تُوئِي كِه تَابَانْدِي اِنُوَارِ (مَعْرِفَتِ) رَا دَر دَلِ اَوْلِيَايِكَ حَتَّى عَرَفُوْكَ وَ وَحَدُوْكَ، وَ اَنْتَ الَّذِي اَزَلْتَ الْاَغْيَارَ اَوْلِيَايَاتِ تَا اِيْنَكِه تُو رَا شَنَاخْتَنْدِ وَ يَگَاْنَهَاتِ دَانَسْتَنْدِ وَ تُوئِي كِه اَغْيَارِ وَ بِيْگَاْنَكَاْنِ رَا عَنْ قُلُوْبِ اَحْبَائِكَ حَتَّى لَمْ يُجِبُوْا سُوَاكَ، وَ لَمْ يَلْجَأُوْا اِلَى اَز دَلِ دُوْسْتَانَتِ بَرَاْنْدِي تَا اِيْنَكِه كَسِي رَا جَزِ تُو دُوْسْتِ نَدَاشْتِه وَ بِه غَيْرِ تُو پَنَاهنْدِه وَ غَيْرِكَ، اَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ اَوْحَشْتَهُمُ الْعَوَالِمَ، وَ اَنْتَ الَّذِي مَلْتَجِي نَشُوْنَدِ وَ تُوئِي مُوْنَسِ اِيْشَانِ دَر اَنْجَا كِه عُوَالَمِ جُوْدِ اَنه‌ا رَا بِه وَحْشَتِ اَنْدَاْزَدِ وَ تُوئِي كِه اَدْعِيَه وَ اَدَابِ مَكّه مَكْرَمِه، ص: ۱۳۵. هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَتْ لَهُمْ

الْمَعَالِمِ. يَا إِلَهِي مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ؟ رَاهِنَائِشَان كُنِي أَنْكَاهُ كِه نَشَانِه‌ها بَرایشان آشكار گردد چه دارد آنكس كه تو را گم کرده؟ و چه وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ؟ لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ نَدَارْدَ آنكس كه تو را یافته است برآستی محروم است آنكس كه بجای تو بدیگری راضی شود و بطور حتم خَسِرَ مَنْ بَغِيَ عَنْكَ مَتَحَوِّلًا، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا زِيَانكار است كسی كه از تو به دیگری روی كند چسان می‌شود بغير تو امیدوار بود در صورتی كه تو قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا يَدُلُّ عَادَةَ إِحْسَانَتِ رَا قَطْعَ نَكَرْدِي و چگونه از غير تو می‌توان طلب كرد با اینکه تو تغییر نداده‌ای شیوه الامتنان، یا مَنْ أذَقَ أَحْبَاءَهُ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ عَطَابَخْشِيَتِ رَا ای خدائی كه به دوستان شیرینی همدمی خود را چشاندی و آنها در برابر مَتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ به چاپلوسی برخاستند و ای خدائی كه پوشاندی بر اولیاء خودت خلعتهای هیبت خود را پس آنها در برابر مُسْتَعْفِرِينَ. أَنْتَ الدَّاكِرُ قَبْلَ الدَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ به آمرزش خواهی بپا خواستند تویی كه یاد كنی پیش از آنكه یاد كنندگان یادت كنند و تویی آغازنده به احسان قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ، قَبْلَ از آنكه پرستش كنندگان بسویت توجه كنند و تویی بخشنده عطا پیش از آنكه خواهند گان از تو خواهند وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَفْرِضِينَ. إِلَهِي وَتَوْنِي پربخشش و سپس همان را كه به ما بخشیده‌ای از ما به قرض می‌خواهی خدایا ادعیه و آداب مكّه مكرمه، ص: ۱۳۶ اَطْلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجِدْنِي بِمَنْكَ حَتَّى أُقْبَلَ مَرَا بوسيله رحمت بطلب تا من به نعمت وصال نائل گردم و بوسيله نعمت مرا جذب كن تا به تو عَلَيْكَ. إِلَهِي إِنْ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنْ رُو كُنْم خدایا برآستی امید من از تو قطع نگردد و اگرچه نافرمانیت كنم چنانكه خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمَ إِلَيْكَ، وَقَدْ تَرَسَمَ و از تو زائل نشود و گرچه فرمانت برم همانا جهانیان مرا بسوی تو رانده‌اند و آن أَوْقَعْنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ. إِلَهِي كَيْفَ أَحْيَبَ وَأَنْتَ أَمَلِي، عِلْمِي كه به كرم تو دارم مرا به درگاه تو آورده خدایا چگونه نو مید شوم و تو آرزوی منی أَمْ كَيْفَ أَهَانَ وَعَلَيْكَ مُتَكَلِّبِي، إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الدَّلَّةِ و چگونه پست و خوار شوم با اینکه اعتمادم بر تو است خدایا چگونه عزت جویم با اینکه در خواری اَرْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّو إِلَيْكَ نَسَبْتَنِي، إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ جَائِمِ دَادِي و چگونه عزت نجویم با اینکه به خود مُنْتَسَبِمِ كَرْدِي خدایا چگونه نیازمند نباشم وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ بَا اینکه تو در نیازمندانم جای دادی یا چگونه نیازمند باشم و تویی كه به جود أَغْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ و بخششت بی‌نیازم كردی و تویی كه معبودی جز تو نیست شناساندی خود را به هر چیز فَمَا جَهَلَكُ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، و هیچ چیزی نیست كه تو را نشناسد و تویی كه شناساندی خود را به من در هر چیز ادعیه و آداب مكّه مكرمه، ص: ۱۳۷ فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ و من تو را آشكار در هر چیز دیدم و تویی آشكار بر هر چیز ای كه اسْتَوَى بِرَحْمَاتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتْ الْأَثَارَ بوسيله مقام رحمانیت خود (بر همه چیز) احاطه كردی و عرش در ذاتش پنهان شد تویی كه آثار را به بِالْأَثَارِ، وَمَحْوَتِ الْأَعْيَارِ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ، يَا مَنْ آثار نابود كردی و اغیار را به احاطه كنده‌های افلاك انوار محو كردی ای كه اخْتَجَبَ فِي سُورَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ در سرآورده‌های عرشش محتجب شد از اینکه دیده‌ها او را درك كنند ای كه تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ، فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْاسْتِوَاءَ، كَيْفَ تَخْفَى تَجَلَّى كَرْدِي به كمال زیبایی و نورانیت و پابرجا شد عظمتش از استواری چگونه پنهان شوی وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَيَّ بَا اینکه تو آشكاری یا چگونه غایب شوی كه تو نكهبان و حاضری برآستی تو بر كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ». هر چیز توانائی و ستایش تنها مخصوص خدا است.»

دعای امام سجّاد (ع) در روز عرفه

دعای امام سجّاد علیه السلام در روز عرفه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ لِمَكَ الْحَمْدُ يَدِيَعُ السَّمَاوَاتِ «سپاس خداوند را كه

پروردگار جهانیان است، خداوند اسپاس ترا ای آفریننده آسمانها ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۳۸ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَإِلَهُ كُلِّ مَلَأُوهُ، وَزَمِينِ، وَای صاحب بزرگی و کرم پرورنده پروردگان، و معبود هر پرستنده، وَخَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَوَأَفْرِينْدَه هِر آفریننده، وَوَارِثِ هِر چیز، نِیست مانند او چیزی، وَپوشیده لایعزبُ عَنْهُ عَلِمُ شَيْءٍ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ، وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ نَمِی باشد از او دانش چیزی و او است هر چیزی را فرا گیرنده، وَوَأَسْتِ بِرِ هِر شَيْءٍ رَقِيبٌ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحَّدُ، الْفَرْدُ حَيْثُ نَظَرْنَا، تَوْئِي خَدَائِي كِه نِیست معبودی جز تو، كِه یكی و یگانه‌ای، یكتا الْمُتَفَرَّدُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكَرَّمُ، الْعَظِيمُ وَبِی هَمْتَايِ، وَتَوْئِي خَدَائِي كِه نِیست معبودی غیر تو، كَرِیْمی در نهایت كَرَامَتِ عَظِیْمِ الْمُتَعَظِّمِ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ فِي نَهَائِ عِظَمِ بَزْرگوارِی بِمَنْتَهَايِ كَبْرِيَايِ وَتَوْئِي خَدَاوند و معبودی جز تو نِیست و بلندتر الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمُحَالِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ وَبِرْتَرِی از هر چیز و بغایت تَوَانَايِ وَتَوْئِي خَدَاوند نِیست معبودی جز تو كِه بَخْشَايِنْدَه الرَّحِيمِ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ وَمَهْرَبَانِ وَدَانَا وَحَكِیْمِ وَتَوْئِي خَدَاوند نِیست معبودی غیر تو كِه شَنُوا الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمَأْكُرُ، وَبِیْنَايِ هَمِیْشَه بُوْدَه وَبِر هَمَه چیز آگَاھِی وَتَوْئِي خَدَاوند نِیست خَدَائِي غیر تو كَرِیْمی وَكَرْمَتِ ادعیه و آداب مكّه مكرمه، ص: ۱۳۹ الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، بِي پَايَانِ پِیُوسْتَه پَايِدَارِی وَتَوْئِي خَدَاوند و معبودی جز تو نِیست در آغاز بُوْدِی وَپِیْشِ از هر كَسِ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَدِر اَنْجَامِ بَاشِی پِیْشِ از هر چیز وَتَوْئِي خَدَاوند نِیست خَدَائِي غیر از تو كِه نَزْدِیكِي وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ، بَا وَجُودِ بَلَنْدِیْتِ وَبَلَنْدِمَقَامِی بَا وَجُودِ نَزْدِیكِیْتِ وَتَوْئِي خَدَاوند نِیست معبودی بَغِیْرِ تو كِه صَاحِبِ فَرْ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأْتَ وَشَكُوْهَ وَعَظْمَتِي وَسَزَاوَارِ سِپَاسِی وَتَوْئِي خَدَاوند نِیست معبودی غیر تو، أَنِي كِه الْأَشْيَاءِ مِنْ غَيْرِ سَبْخِ، وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ، آفَرِیْدِی هَمَه چیز رَا بَدُونِ مَادَه وَنَگَاشْتِي اَنْجَه نَگَاشْتِي بَدُونِ وَابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا اِخْتِدَاءٍ، أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ نَمُونَه وَبَدِيدِ آوَرْدِی پَدِيدَه‌هَا رَا بَدُونِ رَنْگِ آمِيزِی وَطَرَحِی تَوْئِي كِه مَقَرَّرِ نَمُودِی هِر تَقْدِيرًا، وَبَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا، وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا، چیزِی رَا اَنْدَازَه‌ای وَآمَادَه سَاخْتِي هِر چیزِی رَا بَه آسَانِی وَتَدْبِيرِ نَمُودِی مَاسُوی أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ عَلٰی خَلْقِكَ شَرِيكٌ، وَلَمْ يُؤَاوِرْكُ فِي رَا «بِحَكْمَتِ خُودِ» تَوْئِي كِه يَارِیْتِ نَكْرَدَه دِر اَمْرِ آفَرِیْنِشِ اَحْدِی وَمَدَدِ نَمُودَه تَرَا أَمْرَكَ وَزِيْرًا، وَلَمْ يَكُنْ لَمَكَ مُشَاهِدًا وَلَا نَظِيرًا، أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ دِر كَارِ تو مَدَدِ كَارِی وَنَبُودِ «آفَرِیْنِشِ» تَرَا تَمَاشَاگَرِی وَنَه مَانَنْدِی تَوْئِي اَنْكِه ادعیه و آداب مكّه مكرمه، ص: ۱۴۰ فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ، وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ، خُوسَاتِي وَشَدِ هِر چَه خُوسَاتِي وَحَكْمِ كَرْدِی وَاز رُوی عَدَالْتِ بُوْدِ اَنْجَه حَكْمِ كَرْدِی وَحَكْمَتِ فَكَانَ نِظِيفًا مَا حَكَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي لَا يَحْوِيكَ مَكَانٌ، وَدَاوَرِی نَمُودِی از رُوی اَنْصَافِ بُوْدِ اَنْجَه دَاوَرِی نَمُودِی، تَوْئِي اَنْكِه گَنْجَايِشِ تَرَا نَادَارْدِ جَائِي وَلَمْ يَنْقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانًا، وَلَمْ يُعِيكَ بُرْهَانٌ وَلَا بَيَانٌ، أَنْتَ وَبِر نَخِيزِدِ دِر بَرَابَرِ قَدْرَتِ قَدْرَتِي وَوَامَانْدَه‌اتِ نَكَنْدِ بَرَهَانِ وَبِیَانِي، تَوْئِي الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا، اَنْكِه بَه شَمَارِ آری تَعْدَادِ هِر چیزِی رَا وَقَرَارِ دِهِي هِر چیزِی رَا اَجَلِ وَفَرَجَامِي وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، أَنْتَ الَّذِي قَضَيْتَ الْأَوْهَامَ عَيْنَ وَمَقَرَّرِ دَارِی هِر چیزِی رَا اَنْدَازَه‌ای، تَوْئِي اَنْكِه بَا مَانَنْدِ اَنْدِیْشَه‌هَا از دَرَكِ ذَاتِيْتِكَ، وَعَجَزَتِ الْأَفْهَامُ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ، وَلَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ ذَاتِ تو وَفَرُومَانْدِ دَانِشْهَا از اَدَارَكِ چَكُونِگِی تو وَدِر نِیابِدِ دِیْدَه‌هَا مَوْضِعِ اَبْنِيَّتِكَ، أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مَحْدُودًا، وَلَمْ تُمَثَلْ جَايِ بُوْدَنْتِ رَا، تَوْئِي اَنْكِه پَايَانِ نَدَارِی تَا مَحْدُودِ بَاشِی وَمَجْسَمِ نِیْسْتِي فَتَكُونُ مَوْجُودًا، وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونُ مَوْلُودًا، أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ تَا مَحْسُوسِ شُوی وَفَرَزَنْدِ نِیَاوَرْدِی تَا فَرَزَنْدِ دِیْگَرِی بَاشِی، تَوْئِي اَنْكِه دِشْمَنِي نِیست مَعَكَ فِيعَايَنْدَكَ، وَلَا عَدْلٌ لَكَ فِيعَايَنْدَكَ، وَلَا يَتَدَّلُ لَكَ فِيعَايَنْدَكَ، بَا تو بَعْنَادِ بَرَخِيزِدِ وَهَمْتَا نَدَارِی كِه بَا تو رَقَابْتِ كَنْدِ وَمَانَنْدِ نَدَارِی تَا بَا تو بَرَابَرِی نَمَايْدِ، ادعیه و آداب مكّه مكرمه، ص: ۱۴۱ أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأْتَ وَاخْتَرَعْتَ وَاسْتَبَدَّكَ وَابْتَدَعْتَ، وَأَحْسَنَ صُيُغًا مَا تَوْئِي اَنْكِه اِيجَادِ نَمُودِی وَآفَرِیْدِی «جَهَانِ رَا» وَبَدِيدِ آوَرْدِی وَنُوسَاخْتِي وَنِیكُو بُوْدِ هِر چَه صِیْنَعِ، سُبْحَانَكَ مَا أَجَلُّ شَأْنِكَ، وَأَسْنِي فِي الْأَمَاكِنِ مَكَانِكَ، سَاخْتِي، مَنزَهِي تو چَه بَزْرَگِ اسْتِ شَأْنِ تو وَچَه بَلَنْدِ اسْتِ

در میان اماکن مکان تو وَأَصْدَع بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ، سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفِ مَا أَلْطَفَكَ، و آشکار کننده حَقِّست قرآن تو منزّهی چه نیکو چاره سازی وَرَعُوفٍ مَا أَرْأَفَكَ، وَحَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكَ مَا وَجّه بسیار مهربانی و حکیمی که هر چیز را می شناسی پاک خداوندا چه پادشاه با فَرْ أَمْنَعَكَ، وَجَوَادٍ مَا أَوْسَعَكَ، وَرَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ، ذُو الْبَهَاءِ وَشَكُوهِی وَ چه بخشنده توانگری و چه بلند و بلند پایه فروغمند با وَالْمَجْدِ، وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ، سُبْحَانَكَ بَسَّطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، فَرْ وَ بزرگی و سزاوار سپاسی منزّهی تو دست بخیرات گشودی وَعَرَفْتَ الْهَدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنْ التَّمَسَكَ لِدِينٍ أَوْ دُنْيَا وَ شناخته شد هدایت از جانب تو هر کس ترا خواند برای دین یا دنیا وَحَدَّكَ، سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مِنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ، وَخَشَعَ بِيَاغْتِ مَنْزَهِي تُو فَرُوْتَنِي كُنْد بَرَاي تُو هَر چِه عِلْم تُو بَدَان تَعْلُقْ كَرَفْتِه وَ سَر فَرُوْد آوَرْد لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَزِّشَكَ، وَانْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لِمَكَ كُلُّ خَلْقِكَ، در برابر عظمت تو هر آنچه زیر عرش تو است و گردن نهد بفرمانبرداری تو همه آفریدگان ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۴۲ سُبْحَانَكَ لَا تُحْسُ وَلَا تُجْسُ وَلَا تُمَسُّ، وَلَا تُكَادُ وَلَا تُمَاطُ وَلَا مَنْزَهِي تُو در نیابد ترا حواس و دستی بتو نرسد و لمس نمی شوی و نیرنگ برداری و فرانگیرد ترا چیزی تُنَازِعُ، وَلَا تُجَارِي وَلَا تُمَارِي وَلَا تُخَادِعُ وَلَا تُمَازُ، سُبْحَانَكَ وَ كَس بَا تُو بَرِنَايِد وَ بَرَابَرِي نَكُنْد وَ بَا تُو بِه جَدَال بَرَنخِيزِد وَ تَرَا فَرِيب نَدِهْد وَ بَا تُو نِيرِنَك نَبَازد مَنْزَهِي تُو سَبِيلَكَ جَدِّدٌ، وَآمُرَكَ رَشَدٌ، وَأَنْتَ حَتَّى صَيَّمَدٌ، سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ رَاه تُو هَمُوَار وَ فَرْمَان تُو حَقَّ اسْت وَ تُوئِي زَنْدِه وَ بِي نِيَاز مَنْزَهِي تُو كَفْتَار تُو حُكْمٌ، وَقَضَاؤُكَ حَقٌّ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ، سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ بِحَكْمَتِ وَ فَرْمَان تُو شَدْنِي وَ مَشِيَّتِ تُو اَنْجَام شَدْنِي اسْت مَنْزَهِي تُو رَد نَكُنْد كَسِي لِمَشِيَّتِكَ، وَلَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِكَ، سُبْحَانَكَ قَاهِرَ الْأَرْبَابِ، بَاهِرَ خَوَاسْتِه تَرَا وَ دَگَر كُون نَسَازد سَخْنَان تَرَا مَنْزَهِي تُو بَر پادشاهان پیروزی آشکار اسْت نشانه‌های الْآيَاتِ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ، بَارِيَّ النَّسِيمَاتِ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَوْهِيَّتِ تُو وَ آفَرِينِنْدِه آسْمَانَهَائِي پَدِيد آرِنْدِه جَانْدَارَانِي سَبَاس تَرَا سَبَاسِي كِه يَدُومُ بَدَوَامِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ، وَلَكَ پَايِدَار بَاشْد بَا هَسْتِي تُو وَ سَبَاس تَرَا سَبَاسِي كِه جَاوِيد مَانْد بَا نَعْمَتِ تُو الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَي سَبَاسِ تَرَا سَبَاسِي كِه بَرَابَر اِحْسَانِ تُو بَاشْد وَ سَبَاسِ تَرَا سَبَاسِي كِه اَفْزُونِي كُنْد بَر رِضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَشُكْرًا يَقْصِرُ رِضَايِ تُو سَبَاسِ تَرَا سَبَاسِي كِه هَمْرَاه بَاشْد بَا سَبَاسِ هَر سَبَاسِ كَرَارِي وَ سَبَاسِي كِه فَرُو مَانْد اَدْعِيه وَ آدَابِ مَكّه مَكْرَمِه، ص: ۱۴۳ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ، حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَلَا يَنْتَقِرُ بِهِ إِلَّا اَزْ اَوْ شُكْرٍ هَر شُكْر كَرَارِي سَبَاسِي كِه سَزَاوَار نِيَسْت جَز بَتُو وَ مَوْجِب تَقَرُّبِ نَشُوْد جَز بِه إِلَيْكَ، حَمْدًا يَشْتَدُّ بِه الْأَوَّلُ، وَيَشْتَدُّعِي بِهِ دَوَامُ الْأَخْرِ، حَمْدًا پِيَشْگَاهِ تُو سَبَاسِي كِه پَايِدَار بُوْد سَبَبِ اَوْ نَعْمَتِ اَوَّلِ وَ خَوَاسْتِه شُوْد بِه اَوْ پَايِدَارِي نَعْمَتِ بَعْدِي سَبَاسِي كِه يَنْتَضَاعُ عَلَي كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ، وَيَتَزَايِدُ أَضْعَافًا مُتَرَادِفَةً، حَمْدًا اَفْزَايِش يَابْد بَا گَزْدَشْتَن زَمَانِهَاو زِيَاد كَرُودد چِنْد بَرَابَرِ پِي دَرِپِي سَبَاسِي كِه يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفْظَةُ، وَيَزِيدُ عَلَي مَا أَحْصَيْتَهُ فِي كِتَابِكَ فَرُو مَانْد اَز شَمَارِ اَن اَمَار كِيرَانِ وَ فَزُونِ آيِد بَر اَنچِه بَشَمَارِ آوَرْدِه اَنْدِ دَر كِتَابِ تُو الْكُتُبَةُ، حَمْدًا يُوَازِنُ عَزْمَكَ الْمَجِيدَ، وَيُعَادِلُ كُرْسِيَّكَ الرَّفِيعَ، نُويسِنْدِگَانِ سَبَاسِي كِه بَرَابَرِي كُنْد بَا عَرَشِ عَظِيمِ تُو وَ هَمَانِنْدِ بَاشْد بَا كَرْسِي رَفِيعِ تُو حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ، وَيَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ، حَمْدًا سَبَاسِي كِه كَامِل بَاشْد بِه پِيَشْگَاهِ تُو پَادَاشِ اَوْ وَ اَفْزُونِ آيِد بِه هَر ثَوَابِ ثَوَابِ اَوْ سَبَاسِي كِه ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ، وَبَاطِنُهُ وَفَقُّ لِحَقِّهِ، حَمْدًا ظَاهِرِ اَن مَوْافِقِ بَاطِنِ بَاشْد وَ بَاطِنِشِ هَم مَوْافِقِ بَا نَيْتِ صَادِقِ بَاشْد سَبَاسِي كِه لَمْ يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ، وَلَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ، حَمْدًا يُعَانُ نَكَاذَرْدِه بَاشْد آفَرِيدِه مَانْدَشِ رَا وَ نَشَنَاسْد كَسِي جَز تُو فَضْلِ اَن رَا سَبَاسِي كِه يَارِي شُوْد مَن اَجْتَهَدَ فِي تَعْلِيدِهِ، وَيُوَيِّدُ مَنْ أَعْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيَّتِهِ، حَمْدًا هَر كِه بَكُوشْد دَر گَزْدَارْدَنِ اَن وَ تَأْيِيدِ شُوْد هَر كِه مَبَالِغِه كُنْد دَر اَدَايِ اَن سَبَاسِي كِه اَدْعِيه وَ آدَابِ مَكّه مَكْرَمِه، ص: ۱۴۴ يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ، وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدِ، جَامِعِ بَاشْد اَنچِه رَا كِه آفَرِيدِه اَيِ اَز اَنْوَاعِ حَمْدِ وَ دَر آيِد بِه سَلَكِ اَنچِه خَوَاسْتِه آفَرِيدِ بَعْدِ اَز اَيْنِ حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَلَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ سَبَاسِي كِه هِيچِ حَمْدِي نَزْدِيكِ تَرَا اَز اَن بَكُفْتَارِ تُو نَبَاشْد وَ بَالَا تَرَا اَن هِيچِ كَسِ تُو رَا حَمْدِ بِه، حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ، وَتَصِلُهُ بِمَزِيدِ بَعْدِ نَكْرَدِه بَاشْد سَبَاسِي كِه سَبَبِ كَرْمِ تُو مَزِيدِ نَعْمَتِ رَا بِه فَرَاوَانِي وَ بِيُونْدِي اَن رَا بَفْزُونِي پِي مَزِيدِ طَوَّلًا مِنْكَ، حَمْدًا يَجِبُ لِكَرَمِ وَجْهِكَ، وَيُقَابِلُ عَزَّ دَرِپِي بَر حَمْتِ خُودِ سَبَاسِي كِه شَايِسْتِه بَزْرُگِي ذَاتِ

تو و سزاوار فرّ و جلالیک، رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ الْمُصِطَفَى عِظَمْتُ تُو بَاشَد پُروردگارِ درود فرست بر مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّد که برگزیده و بهترین خلق و الْمُكْرَمِ الْمُقْرَبِ أَفْضَلَ صَلِّ صَلِّ لِمَوَاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ، گرامی و مقرب نزد تست به بهترین درود و خجسته گردان بر او کمال فرخندگی را وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْنَعْ رَحْمَاتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً وَبِخْشَائِشِ فَرَمَا بر او به برترین بخشایش خود پروردگارِ درود فرست بر مُحَمَّد و آلش درودی زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَزْكَى مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً فَرَايِنْدَه که نباشد درودی فَرَايِنْدَه تر از آن و درود فرست بر آن درودی بَرُومِنْدَه لَا تَكُونُ صَلَاةً أَنَمَى مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً كَمَا لَا تَنْفَعُ كَلِمَاتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَي بَرِّتِ رِزَادِ خَدَاوِنْدَا دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ او مَكْرَمَه، ص: ۱۴۵ فَوْقَهَا، رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَي بَرِّتِ رِزَادِ خَدَاوِنْدَا دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ او دَرُودِي كِه خُوشنُودِشِ گِرْدَانِي وَبِيفَزَائِدِ بَرِ رِضَاةً، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيهِ يَكُ وَتَزِيدُ عَلَي رِضَاكَ لَهُ، وَصَلِّ خُوشنُودِشِ وَ دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ او دَرُودِي كِه خُوشنُودِشِ گِرْدَانِ وَبِيفَزَائِدِ بَرِ خُوشنُودِشِ وَ دَرُودِ فَرَسْتِ عَلَيهِ صَلَاةً لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا، وَلَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا، رَبِّ بَرِ آنحضرتِ درودی که راضی نگردی جز بآن و نبینی غیر او بر آن شایسته خداوندا صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانِكَ، وَتَصِلُ اتِّصَالَهَا دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ او دَرُودِي كِه تَجَاوِزُ كِنْدَ از رِضَايِ تُو وَ بَه پِیونْدِ پِیونْدِ او بِبِقَائِكَ، وَلَا يَنْفَعُ كَمَا لَا تَنْفَعُ كَلِمَاتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ بِيَقَايِ تُو وَ پَايَانِ نِيَابِدِ چنانکه پَايَانِ نِپِذِردِ کَلِمَاتِ تُو خَدَاوِنْدَا دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَاكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ وَآلِ او دَرُودِي كِه دَرِ بَرِگِردِ دَرُودِ فَرَسْتِگَانِ وَ پِیغمبرَانِ وَ رِسُولَانِ وَ طَاعِيَتِكَ، وَتَشْتَمِلُ عَلَي صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنِّكَ وَإِنْسِكَ فَرَمَانِبردارانِ تُو رَا وَ شَامِلِ گِردِ بَرِ دَرُودِ بِنْدِگَانْتِ از جَنِّ وَ اِنْسِ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَتَجْتَمِعُ عَلَي صَلَاةٍ كَمَلٍ مِنْ ذَرَاتٍ وَبَرَاتٍ مِنْ وَآنَانِ كِه دَعْوَتِ تَرَا اِجَابَتِ كَرْدِنْدِ وَ مَجْتَمَعِ شُودِ بَرِ دَرُودِ هَرِ آنکِه هَسْتِشِ بَخْشِیدِي وَ پِدیدِ آوَرْدِي از أَصِنَافِ خَلْقِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيهِ وَآلِهِ صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ اِصْنَافِ آفَرِیدِ گَانْتِ خَدَاوِنْدَا دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ او وَ آلِ او دَرُودِي كِه فَرَا گِردِ هَرِ دَرُودِ اِدْعِيه وَ آدَابِ مَكْرَمَه، ص: ۱۴۶ سَالِفَهُ وَ مُسْتَأْنَفَهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَي آلِهِ صَلَاةً مَرْضِيَةً لَكَ وَ لِمَنْ گِذْشْتِه وَ آيِنْدَه رَا وَ دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ او وَ بَرِ آلِ او دَرُودِي كِه پِسنِیدِه بَاشَدِ تُو رَا وَ دُونِكَ، وَتَشْتَمِلُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تَلْمَكَ غَيْرَ تُو رَا وَ بَرَانِگِيزِي بَا اِيْنِ هَمِه دَرُودِي رَا كِه بِيفَزَائِدِ بَا اِيْنِ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَتَزِيدُهَا عَلَي كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي دَرُودِهَا بِنَزْدِ آنِ وَ اَفزُودِه گِردِ بَرِ گِذْشْتِ رُوزِگَارِ اَفزَائِشِ تَضَاعِيفَ لَا يَعُدُّهَا غَيْرُكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَي اطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ، چِنْدِ بَرَابَرِ كِه نِشْمَارِدِ آنرا غَيْرِ تُو خَدَاوِنْدَا دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ پَاكَانِ خَانْدَانِ او الدِّينِ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفِظْتَهُ دِينِكَ، آنانِ كِه بَرِگِزِیدِشَانِ بَرَايِ اِجْرَايِ اَمْرِ خُودِ وَ قَرَارِشَانِ دَادِي گَنْجِینِه عِلْمِ خُودِ وَ نِگْهَبَانَانِ دِينِ خُودِ وَ خُلَفَاءِكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجِكَ عَلَي عِبَادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنْ وَ جَانِشِينَانِ خُودِ دَرِ رُويِ زَمِينِ وَ حِجَّتِ هَايِ خُودِ بَرِ بِنْدِگَانْتِ وَ پَاكَشَانِ نَمُودِي از الرَّجْسِ وَالدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، هَرِ نَاپَاكِي وَ پِلِیدِي پَاكِ كَرْدِنِي كِه بَه اِرَادِه خُودِ بُوْدِ وَ قَرَارِشَانِ دَادِي وَ سِیْلِه بَسُويِ خُويشِ وَ الْمَسْلُوكِ إِلَي جَنَّتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجْزِلُ وَ رَاهِ بَسُويِ بَهْشْتِ خُودِ خَدَاوِنْدَا دَرُودِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ آلشِ فَرَسْتِ دَرُودِي كِه بَهْرَه مَنْدِ گِرْدَانِي لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ أَنَهَا رَا از عَطَا وَ كَرَامَتِ خُودِ وَ كَامِلِ گِرْدَانِي بَرَايِ آنِهَا هَمِه گُونِه بَخْشِشِ اِدْعِيه وَ آدَابِ مَكْرَمَه، ص: ۱۴۷ وَنَوَافِلِكَ، وَتَوْفِرُ عَلَيْهِمُ الْخِطُّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَفَوَائِدِكَ، رَبِّ صَلِّ وَ نَعْمَتِ خُودِ رَا وَ فَرَاوَانِ گِرْدَانِي بَرَايِ آنِهَا لَدُنْتِ نَعْمَتِ هَا وَ فَوَائِدِ خُودِ رَا خَدَاوِنْدَا دَرُودِ فَرَسْتِ عَلَيهِ وَ عَلَيهِمْ صَلَاةً لَا أَمِيدَ فِي أَوْلِهَا، وَلَا غَايَةَ لِأَمْدِهَا، وَلَا نِهَائِيَةَ بَرِ او وَ خَانْدَانِ او دَرُودِي كِه نَه حَدِي بَاشَدِ دَرِ آغَازِ آنِ وَ نَه پَايَانِي بَمَدَّتِ آنِ وَ نَه نِهَائِيَتِي بَاشَدِ لِآخِرِهَا، رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زَنَهُ عَرْشِكَ وَ مَا دُونَهُ، وَ مَلَأْ سَمَاوَاتِكَ بَه اِنْجَامِ آنِ خَدَاوِنْدَا دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ آنَانِ هَمُوزِنِ عَرْشِ خُودِ وَ آنِچِه دَرِ زِيرِ آنِ اسْتِ وَ بَه پُريِ آسْمَانِهَائِيَتِ وَ مَا فَوْقَهُنَّ، وَ عَدَدَ أَرْضِيكَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ، صَلَاةً وَ آنِچِه بَالَايِ آنِهَا اسْتِ وَ بَه شِمَارِه زَمِينِهَائِيَتِ وَ آنِچِه زِيرِ آنِهَا اسْتِ وَ آنِچِه دَرِ لَابَلَايِ زَمِينِ وَ آسْمَانِ اسْتِ دَرُودِي كِه تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى وَ تَكُونُ لَكَ وَ لَهُمْ رِضَى، وَ مُنْتَصِلَةً نَزْدِيكَ سَازدِ آنِهَا رَا بَه مَقَامِ تُو وَ بُوْدِه بَاشَدِ بَرَايِ تُو وَ آنِهَا خُوشنُودِي وَ پِیوستِه بَاشَدِ بِنَظَائِرِهِنَّ أَيْدَا. اللَّهُمَّ إِنَّكَ

أَيَّدَتْ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ بمانند خود همیشه بار خدایا تو تأیید کردی دین خود را در هر زمان به امامی که برافراشتی
 عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ، بَعْدَ أَنْ وَصَيْلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، مانند علم برای بندگانت و مانند نورافکن در شهرهایت پس از آنکه
 پیوستی ریسمان او را بر ریسمان خود وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَخَدَّرْتَ وَ قَرَارش دادی بسوی خوشنودی
 خود و واجب فرمودی اطاعت او را و بیم دادی مَعْصِيَتَهُ، وَأَمَرْتَ بِإِمْتِثَالِ أَمْرِهِ وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَاللَّأَيُّهَا تَقَدَّمَهُ ازنافرمانی او و
 امر فرمودی بفرمانبرداری از او امر او و به پرهیز نمودن از مناهی او و اینکه پیش نیفتد از او ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۴۸
 مُتَقَدِّمٌ، وَلَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَ عِصْمَةٌ اللَّائِدِينَ، وَكَهْفٌ بِبِش رُوی و پس نماند از او کسی پس او است حافظ پناهندگان و سنگر
 الْمُؤْمِنِينَ، وَعُزْوَةٌ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَهَيْئَةُ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ مُؤْمِنَانَ وَدَسْتَاوِيزِ نَجَاتِ جُويان و فروغ مردم جهان بار خدایا الهام کن
 لَوْلِيكَ شُكْرًا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَآتِهِ مِنْ بَرای ولی خود تا شکر آنچه را که انعامش فرمودی بجای آورد و ما را نیز
 الهام فرما مانند او بوجود او شکر کنیم و عنایت کن او را لَدُنْكَ سَيِّدًا نَصِيرًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا سَيِّرًا، وَأَعِنِّهِ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، از جانب
 خود پیروزی و نصرت و بگشا برایش گشایشی آسان و مدد فرما او را به پشتیبانی محکم خود وَاشْدُدْ أَرْزَهُ، وَفَوِّ عِصْمَتَهُ، وَرَاعِهِ
 بِعَيْنِكَ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ، وَقَوِّ گِردان پشت او را و نیرو بخش بازوی او را و رعایتش فرما بدیده رحمت خود و حمایتش کن بنظر
 نگهداری خود وَأَنْصِرْهُ بِمَلَائِكِكَ، وَآمِدْهُ بِجُنْدِكَ الْمَغْلَبِ، وَأَقِمْ بِهِ كِتَابِكَ و یاریش فرما بفرشتگانت و مددش کن به سپاه
 نیرومندی و پیادار بوسیله او کتاب وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسَيِّئِن رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَاحْكَام و قوانین خود و سنت پیغمبر
 خویش را درود بی پایان خدایا بر او وَآلِهِ، وَأُحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَاجْلُ بِهِ باد و اولادش و زنده گردان به او
 آنچه را که ناپدید کرده اند ستمکاران از آثار دین خود و جلاده به او صَدَاءَ الْجُورِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَأَبِنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَأَزِلْ
 بِهِ زَنْجَ سِمْ را از صفحه ملت خویش و دور گردان به او دشواریها را از راه دین تو و نابود کن به او ادعیه و آداب مکّه مکرمه،
 ص: ۱۴۹ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَامْحَقْ بِهِ بَغَاءَ قَصِيدِكَ عَوْجًا، وَأَلِنْ أَنَانَ رَا که منحرفند از طریق تو و محو نما به او آنان را که
 طالبان ترا براه کج برند و منعطف گردان جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَائْسِطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَافِعَةً او را بدوستانت و چیره گردان
 دست او را بر دشمنانت و برسان بر ما از مهر وَرَحْمَتِهِ وَتَعَطُّفِهِ وَتَحَنُّنِهِ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَفِي وَ بَخْشایش و دلجوئی و
 نوازش او و چنان کن ما را که او را شنوا و فرمانبردار باشیم و در رِضَاةٍ سَاعِينَ، وَإِلَى نُصَيْرَتِهِ وَالْمُدَاوَعِيَهُ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَإِلَيْكَ
 خوشنودی او بکوشیم و به جهت یاری کردن و دفاع نمودن از او به دورش باشیم و به سوی تو وَإِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ. اللَّهُمَّ وَ به سوی پیغمبر تو که درود فراوانت خداوندا بر او و آلش باد بدین جهت تقرب جوئیم خداوندا وَصَلِّ
 عَلَى أَوْلِيَاءِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مَهْجَهُمْ، وَدُرُودِ فَرَسْتِ بَر دُوستان آنها که شناختند مقام آنها را و تبعیت کردند از روش
 آنها الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ وَ پیروی نمودند دز آثار آنها و پیوستند به دستاويز آنها و چنگ زدند
 بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسَلِّمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ بَعْدَ وَلايت آنها و پذیرفتند پیشوائی آنها را و گردن نهادند بفرمان آنها و
 کوشیدند فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُتَنْظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، در اطاعت آنها و انتظار کشیدند روزگار دولت آنها را و دوختند به
 سوی ایشان چشمان خود را ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۵۰ الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّاَكِيَاتِ النَّامِيَاتِ الْعَاذِيَاتِ الرَّائِحَاتِ،
 درودهایی که فرخنده و پاک و برومند باشد هر صبح و هر شام وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَ سَلام
 فرست بر آنها و بر جانهای آنها و جمع نما بر پرهیزکاری کار آنها را وَاصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَتُبْ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ،
 اصلاح فرما حال آنها را و بپذیر توبه آنها را که تویی توبه پذیر و مهربان وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ، بِرَحْمَتِكَ يَا وَ
 بهترین آمرزندگان و قرار ده ما را با آنها در منزل سلامت برحمت خود ای أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ، يَوْمٌ شَرَفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ
 مهربانترین مهربانان بار خدایا این است روز عرفه روزی است که شرافت دادی و گرامی نمودی وَعَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ،
 وَمَنْنْتَ فِيهِ بَعْفُوكَ، وَأَجَزَلْتَ وَ بزرگ داشتی منتشر ساختی در آن روز رحمت خود را و منت نهادی در آن روز به عفو خود و

فراوان ساختی فیهِ عَطِيَّتِكَ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ وَأَنَا عَزِيذُكَ الَّذِي فِي رُؤُوسِ عِزِّكَ وَتَفَضَّلْتَ فِرْمُودِي بِهِ أَنْ بَرَّ بِنَدِغَانِ خُودِ خُدَاوَنَدَا مِنْ بِنْدِهِ تَوَامُ بِنْدِهِ أَيَّ كِهْ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ، وَبَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ أَنْعَمْتَ فِرْمُودِي بِرِ أَنْ پِيشِ از آفرینش او و پس از آفرینش او و قرار دادی آن را از کسانی که هِدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَوَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ، وَعَصَيْتَهُ بِحَقِّكَ، وَادْخَلْتَهُ فِي رَاهِنَمُودِي بِسُؤِي دِينِ خُودِ وَتُوفِيقِشِ دَادِي بِهْ اِدَايِ حَقِّ خُودِ وَنَگَهْدَاشْتِي اُو رَا بِهْ طَنَابِ خُودِ وَدِرْآوردِي اُو رَا دِرْ اِدْعِيهْ وَآدَابِ مَكِهْ مَكْرَمِهْ، ص: ۱۵۱ جَزْبِكَ، وَارْشَدْتَهُ لِمُؤَالَاهِ اَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادَاةِ اَعْوِدَائِكَ، ثُمَّ اَمْرْتَهُ گِرُوهِ خُودِ وَهَدَايْتِ فِرْمُودِي اُو رَا بِدُوسْتِي دُوسْتَانَتِ وَدَشْمِنِي دَشْمِنَانَتِ سِپَسِ فِرْمَانِ دَادِي فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَزَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَنَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ اطَاعَتِ نَكْرَدِ وَمَنْعِ فِرْمُودِي اِمْتِنَاعِ نَكْرَدِ وَنَهْيِ فِرْمُودِي اُو رَا از گناه مخالفت نمود اَمْرَكَ اِلَى نَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَةَ لَكَ وَلَا اسْتِكْبَارًا عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ فِرْمَانِ تَرَا بِهْ اِرْتِكَابِ نَهْيِ تُو لَكِنْ نَهْ از دَشْمِنِي بَا تُو وَ نَهْ از گِرْدَنَكُشِي بِرِ تُو بَلَكِهْ كِشَانِيدِ اُو رَا هَوَاهُ اِلَى مَا زَيْلْتَهُ وَ اِلَى مَا حَزْرْتَهُ، وَاعَانَهُ عَلَي ذَلِكِ عِدُوْكَ بِهْ سُؤِي اَنْجِهْ از اَنْ دَفْعِ كَرْدِي وَ بِسُؤِي اَنْجِهْ از اَنْ بِيْمِ دَادِي وَ يَارِي كَرْدِ اَنْ رَا بِرَايِنِ هَمِهْ گِستَاخِي دَشْمِنِ تُو وَ عِدُوْهُ، فَاقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ، رَاجِيًا لِعَفْوِكَ، وَاثِقًا وَدَشْمِنِ خُودِ اُو «ابليس» تا اِقْدَامِ بِهْ گناه نمود دِرْ حَالِي كِهْ مَعْتَرِفِ بُوْدِ بِهْ بِيْمِ تُو وَ اَمِيدُوارِ بُوْدِ بِهْ عَفْوِ تُو وَ اطمینان داشت بِتَجَاوُزِكَ، وَكَانَ اَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ اَلَّا يَفْعَلَ، وَهَا بَگِذَشْتِ تُو وَ سَزَاوَرْتَرِيْنِ بِنْدِگَانِ بُوْدِ كِهْ بَا اَيْنِ هَمِهْ نَعْمَتِ هَايْتِ اَيْنِ هَمِهْ مَعْصِيَتِ نَكْنَدِ اَكْتُونِ اَنَّاذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِرًا ذَلِيلًا، خَاضِعًا مَأْخَاشِعًا، خَائِفًا مُعْتَرِفًا اَيْنِمِ كِهْ دِرْمَقَابِلِ تُوَامِ دِرْحَالِي كِهْ خُورِ وَ ذَلِيلِ وَ سِرَافَكْنَدِهْ وَ اِفْسَرْدِهْ وَ تِرْسَانِمِ دِرْ حَالِيكِهْ اِقْرَارِ دَارِمِ بِعَظِيْمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ، وَجَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ، بِهْ بَزْرَگْتَرِيْنِ گناهي كِهْ بَارِ اَنْ رَا بِدُوشِ گِرْفْتِهْ اَمْ وَ بِهْ بَزْرَگْتَرِيْنِ خَطَايِي كِهْ بِهْ اُو اَلُودِهْ گِشْتِمِ مُسْتَجِيرًا بِصِيْفِحِكَ، لَا يَتَدَأُ بِرَحْمَتِكَ، مُوقِنًا اَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ دِرْحَالِي كِهْ پَنَاهِ اُورْدِهْ اَمْ بِهْ عَفْوِ تُو وَ زَنَهَارِ مِيْجُويْمِ از رَحْمَتِ تُو وَ يَقِيْنِ دَارِمِ كِهْ پَنَاهِنِمِي دِهْدِمِ رَا از تُو اِدْعِيهْ وَ آدَابِ مَكِهْ مَكْرَمِهْ، ص: ۱۵۲ مُجِيرًا، وَلَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ، فَعِيدُ عَلَيَّ بِمَا تَعُوذُ بِهِ عَلَيَّ مِنَ پَنَاهِنِمِي دِهْدِنْدِهْ اِي وَ مَانِعِ نَمِي شُودِ مَرَا از عَذَابِ تُو مَانِعِي پَسِ فَرَا گِيْرِ مَرَا بِهْ اَنْجِهْ فَرَا مِيْ گِيْرِي بِهْ اُو اَنَكِهْ رَا اِقْتَرَفَ مِنْ تَعْمُدِكَ، وَجِيْدُ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَيَّ مَنْ اَلْقَى بِيَدِي كِهْ دَسْتِ بَگِنَاهِ اَلُودِ از رَحْمَتِ خُودِ وَ بِيْخَشِ بِرِ مِنْ اَنْجِهْ رَا كِهْ مِيْ بَخْشِي بِرِ اَنَكِهْ بَگِشَايِدِ دَسْتِ اَمِيدِ اِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَامْنُنْ عَلَيَّ بِمَا لِمَا يَتَعَاطَمُكَ اَنْ تَمُنَّ بِهْ عَلَيَّ بِسُؤِي تُو از عَفْوِ خُودِ وَ مَنْتِ نَهْ بِرِ مِنْ بِهْ اَنْجِهْ دِرِيغْتِ نِيَايِدِ مَنْ اَمَلَكُ مِنْ عُمْرَانِكَ، وَاجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيْبًا اُنَالُ بِهْ بِرَكْسِي كِهْ اَرْزُويِ بَخْشِشْتِ رَا دَارِدِ وَ قَرَارِ دِهْ بِرَايِ مِنْ دِرْ اَيْنِ رُوزِ بَهْرِهْ اِي كِهْ بِرَسْمِ بِهْ سَبَبِ اَنْ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَلَا تَرُدَّنِي صِرْفًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهْ اَلْمَتَّعِبِدُونَ بِهْ حَظِّي از خُوشنُودِيْتِ وَ بَا زِ مَگِرْدَانِ مَرَا دَسْتِ خَالِي از اَنْجِهْ بَا زِ گِرْدِنْدِ بِهْ اُو عِبَادَتِ كَنْنَدِگَانِ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ اِنِي وَ اِنِي لَمْ اُقْدِمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ از بِنْدِگَانَتِ وَ مِنْ گِرْچِهْ تَقْدِيْمِ نِدَاشْتِهْ اَمْ اَنْجِهْ تَقْدِيْمِ دَاشْتِهْ اَنْدِ از اَعْمَالِ شَايِسْتِهْ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ، وَنَفَى اَلْاَضْدَادِ وَ اَلْاَنْدَادِ وَ اَلْاَشْبَاهِ عَنكَ، لَكِنْ پِيشِ اُورْدِمِ اَيْنِ رَا كِهْ تَرَا بِهْ يِگَانِگِيِ شِنَاخْتِمِ وَ نَفِي كَرْدِمِ از تُو صَدِّ وَ مِثْلِ وَ مَانِنْدِ رَا وَ اَتَيْتَكَ مِنَ الْاَبْوَابِ الَّتِي اَمْرْتِ اَنْ تُوْتِي مِنْهَا، وَتَقَرَّبْتُ اِلَيْكَ وَ اَمْدَمِ بِهْ پِيشِگَاهْتِ از اَنْ دِرْهَا كِهْ فِرْمُودِي از اَنهَا سُؤِي تُو اَيْنِدِ وَ تَقَرَّبِ جِسْتِمِ بِسُؤِي تُو بِمَا لَا يَقْرُبُ بِهْ اَحَدٌ مِنْكَ اِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهْ، ثُمَّ اَتَّبَعْتُ ذَلِكَ بِهْ عَمَلِي كِهْ زَرِيكِ نَمِي گِرْدَدِ كَسِي بِهْ تُو مَگِرْ بِهْ اَنْ عَمَلِ سِپَسِ تَعْقِيْبِ كَرْدِمِ هَمِيْنِ عَمَلِ رَا اِدْعِيهْ وَ آدَابِ مَكِهْ مَكْرَمِهْ، ص: ۱۵۳ بِالْاِنَابَةِ اِلَيْكَ، وَالتَّذَلُّلِ وَ اَلْاسْتِيكَاةِ لِمَكَ، وَحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، بِهْ تُوْبِهْ كَرْدِنِ وَ بَفِرُوتِنِي وَ زَارِي نُمُودِنِ وَ بَتُو گِمَانِ نِيكِ دَارِمِ وَ اَلثَّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ، وَشَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ وَ دَلْگِرْمِ بِهْ اَنْجِهْ زَرْدِ تُو اَسْتِ وَ شَفِيْعِ خُودِ سَاخْتِهْ اَمْ اَنْ اَمِيدُوَارِي رَا كِهْ كَمِ اَفْتَدِ كِهْ نَا اَمِيدِ شُودِ كَسِي كِهْ رَا جِيْكَ، وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيْرِ الذَّلِيْلِ، الْبَائِسِ الْفَقِيْرِ، الْخَائِفِ اَمِيدِ بِهْ تُو دَارِدِ وَ دِرْ خُواسْتِمِ از تُو اَنْچِنَاكِهْ شَخْصِ حَقِيْرِ وَ ذَلِيْلِ وَ مَسْتَمِنْدِ وَ فَقِيْرِ وَ تِرْسَانِ الْمُسْتَجِيْرِ، وَمَعَ ذَلِكِ خِيْفَةً وَ تَضَرُّعًا وَ تَعُوْذًا وَ تَلَوُّذًا، وَ پَنَاهِجُو دِرْخُواسْتِ مِيْ كَنْدِ وَ بَا اَيْنِ هَمِهْ دِرْ حَالَتِ بِيْمِ وَ زَارِي مِيْ كَنْمِ وَ زَنَهَارِ مِيْخُواهِمِ وَ پَنَاهِ مِيْ جُويْمِ نَهْ مَانِنْدِ لَا مُسِيْءَ تَطِيْلًا بِتَكْبِيْرِ الْمُتَكَبِّرِيْنَ، وَ لَا مُتَعَالِيًّا بِدَالَةِ الْمُطِيْعِيْنَ، سِرْ كَشِي اَنَّا نِ كِهْ تَكْبِرِ مِيْ وَرَزَنْدِ وَ نَهْ مَانِنْدِ اَنَكِهْ تَفُوقِ جُويْدِ بَعِبَادَتِ دِيْگِرَانِ وَ لَا مُسِيْءَ تَطِيْلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِيْنَ، وَأَنَا بَعْدُ اَقْلُ الْاَقْلِيْنَ، وَأَذَلُّ وَ نَهْ مَانِنْدِ اَنَكِهْ مَغْرُورِ شُودِ بِهْ شَفَاعَتِ شَفِيْعَانِ وَ مِنْ هَنْوَزِ پَسْتِ تَرِيْنِ هَرِ پَسْتِمِ وَ خُوارْتَرِ الْاَذَلِيْنَ،

وَمِثْلُ الدَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا، يَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسَيِّئِينَ، از هر خوارم و مانند موری هستم بلکه کمتر از آنم پس ای خدایی که شتاب نمی‌فرمائی در کیفر گنهکاران و لَا يَنْدُهُ الْمُتْرَفِينَ، وَيَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالِهِ الْعَاثِرِينَ، وَيَتَفَضَّلُ بِإِنظَارِ و ناگهان نمی‌گیری غافلان را و ای آنکه منت می‌نهی بدستگیری لغزندگان و تفضل می‌فرمائی به مهلت دادن الخاطئين، أَنَا الْمَسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ، أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ خطاکاران من بدکردارم و اقرار دارم و خطا کردم و لغزیده‌ام من آنم که در پیشگاهت ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۵۴ عَلَيْكَ مُجْتَرِئًا، أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا، أَنَا الَّذِي اسْتَخَفِي مِنْ جُرْتٍ پيدا کرده‌ام من آنم که بتو نافرمانی کرده‌ام از روی عمد من آنم که پنهان داشتم از عبادتک و بآزرتک، أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَتَكَ وَأَمْنَكَ، أَنَا الَّذِي بَدَّكَ «گناه خود را» و بر تو ظاهر نمودم من آنم که ترسیدم از بندگانت و از تو ایمن بودم من آنم که لَمْ يَزْهَبْ سَطْوَتَكَ وَلَمْ يَخَفْ بِأَسْكَ، أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ، أَنَا بِيم نکرده‌ام از هیبت تو و نترسیدم از خشم تو منم که جنایت کردم بر خویشتم منم الْمُؤْتَهَنُ بِبَيْتِهِ، أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ، أَنَا الطَّوِيلُ الْعِنَاءِ، بِحَقِّ مَنْ که در گرو بلاهای خودم هستم منم که کم است حیاء من منم که بسیار است گرفتاری من بحق آنکه انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِمَنْ اضْيَطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنْ اخْتَرْتَ برگزیدی از میان آفریدگانت و بحق آنکه اختصاص دادی بقرب حضورت و بحق آنکه انتخاب فرمودی مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَمَنْ اجْتَبَيْتَ لِشَأْنِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتَهُ از میان مخلوقات و آنکه شایسته‌اش دیدی برای اجرای فرمانت بحق آنکه قرین ساختی طاعت او را بِطَاعَتِكَ، وَمَنْ جَعَلْتَ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ بطاعت خود و بحق آنکه قرار دادی نافرمانی او را مانند نافرمانی خود مُؤَالَاتَهُ بِمُؤَالَاتِكَ، وَمَنْ نُطْتَ مُعَادَاتَهُ بِمُعَادَاتِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي بِحَقِّ آنکه برابر نمودی دوستی او را با دوستی خود و آنکه پیوستی دشمنی او را بدشمنی خود بپوشان مرا در یومی هذا بِمَا تَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا، وَعَادَ اَيْنَ رُوزِ بَرَحْمَتِ خود همانظوری که میپوشانی کسی را که رو آورد بتو در حالی که از گناه بیزار می‌جویی و پناه طلبد ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۵۵ بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا، وَتَوَلَّيْتَنِي بِمَا تَوَلَّيْتَنِي بِهِ أَهْلِلْ طَاعَتِكَ، وَالزُّلْفَى بِأَطْلَبِ آمُرْشِ از تو بحال توبه و رو آور بمن همچنان که رفتار می‌نمائی با آنکه ترا اطاعت کردند و تقرب جستند لَدَيْكَ، وَالْمَكَانَةَ مِنْكَ، وَتَوَخَّذْنِي بِمَا تَوَخَّذُ بِهِ مَنْ وَفَى بِهِ بِشِغَاةٍ تو و دارای مقام ارجمند شدند از ناحیه تو و تو تنها کفالت من کن بمانند کفالت نمودنت به کسی که وفا نمود بِعَهْدِكَ، وَأَتَعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَأَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ، به عهد تو و به رنج واداشت خود را در راه تو و کوشش نمود در خوشنودی تو وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَتَعَدَّى طَوْرِي فِي حُدُودِكَ، و مرا مؤاخذه مکن بجهت کوتاهی در خدمت تو و بجهت تجاوز کردنم از حدود تو وَمُجَاوَزَةَ أَحْكَامِكَ، وَلَا تَشْتَدِرْ جُنِي بِإِمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ وَبِجْهت نافرمانی در احکام تو و مرا سرگرم مساز بمهلت دادنت همانطور که سرگرم ساختی آنکه را که مَنَعْنِي خَيْرًا مَا عِنْدَهُ، وَلَمْ يَسْرُكْكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي، وَبَنَهْنِي مِنْ دَرِيْعِ دَاخِلِ مِنْ خَيْرِ خود را و شرکت نکرد با تو در دادن نعمت بمن و بیدار کن مرا رَقْدَةَ الْغَافِلِينَ، وَسِتْنَةَ الْمُسْرِفِينَ، وَنَعْسَةَ الْمَخْذُولِينَ، وَخُذْ از خواب غافلان و غفلت بزهکاران و غنودگی مخذولان و برگمار بَقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْفَائِتِينَ، وَاسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِدِينَ، قلب مرا به آنچه واداشتی به آن پرستندگان را و عبادت واداشتی به آن عبادت‌کنندگان را وَاسْتَتَقَّدْتَ بِهِ الْمُتَهَوِّنِينَ، وَأَعِدْتَنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَيَحُولُ و نجات بخشیدی به آن سستکاران را و پناه‌ده مرا از هرچه که دور می‌کند مرا از تو و حائل میگردد ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۵۶ بَيْنِي وَبَيْنَ حَطِيئَتِكَ، وَيَصُدُّنِي عَمَّا أُحَاوِلُ لَدَيْكَ، وَسَيَهْلُ مِيان من و میان بهره من از تو و باز می‌دارد مرا از آنچه امیدوارم در پیشگاه تو و هموار کن لِي مَسِيلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَالْمَسَابِقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ، بر من راه خیرات را که به‌سوی تو آیم و سبقت جویم بسوی آنها چنانکه فرمان داده‌ای وَالْمُشَاحَّةَ فِيهَا عَلَيَّ مَا أَرَدْتَ، وَلَا تَمَحَقْنِي فِيمَنْ تَمَحَقُ مِنْ و کوشش نمایم در آن خیرات چنانکه خواسته‌ای و هلاک مکن مرا در زمره آنانکه هلاک کردی الْمُسْتَحْفِينَ بِمَا أَوْعَدْتَ، وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مَنْ بَجْهت آنکه شمردند عذاب تو را و مرا نابود مساز در جرگه آنانکه نابودشان ساختی بجهت آنکه الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْفِيكَ، وَلَا تُبَيِّرْنِي فِيمَنْ تُبَيِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْ خُودِ رَا در معرض خشم تو قرار دادند و بخطر می‌فکن مرا مانند آنان که منحرف شدند از سُبُلِكَ، وَنَجِّنِي مِنَ عَمْرَاتِ الْفُتْنَةِ، وَخَلِّصْنِي مِنَ لَهْوَاتِ رَاهِيهِ تُو و نجاتم ده از گردابهای دریای فتنه و باز رهانم از

غفلت‌های البُلوی و اَجْرِنی مِنْ اُخَذِ الْاِمْلَاءِ، وَحُلِّ بَيْنِي وَبَيْنَ عِدُوِّ بِلَا و مرا پناه ده از سرگرمی نعمت و حائل شو میان من و دشمنی که مرا یَضِئُ لُنِي، وَهَوَى يُوْبِقُنِي، وَمَنْقَصَهُ تَرْهَقُنِي، وَلَا تُغْرِضْ عَنِي گمراه می‌سازد و هوسی که مرا به هلاکت افکند و هر نقیصه‌ای که افسرده‌ام کند و روی مگردان از من اِعْرَاضَ مِّنْ لَّا- تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ، وَلَا- تُؤَيِّسْنِي مِّنَ الْاَمَلِ مانند آنان که از آنها خوشنود نمی‌شوی چون بر آنها خشم گرفته‌ای و مأیوسم مفرما از امیدهایم که ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۵۷ فَيْكَبْ فَيُعَلِّبُ عَلَيَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَمْتَحِنِي بِمَا لَا طَاقَةَ بِهِ تُوَدِّعُنِي مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ، وَلَا تُزِيلْنِي مِنْ نَدَامٍ نَكَرْتُمْ بِسَبَبِ بَارِ سَنَكِينِ اَنْ اَزْ فَضْلِ مَحَبَّتِ تُو و مرا از دست رحمت خود یَدِكَ اِزْ سَالَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، وَلَا حَاجَةَ بِكَ اِلَيْهِ، وَلَا اِنَابَةَ لَهُ، وَفَرُو مِيفَكُنْ مَانِدْ كَسِي كَه سُوْدِي دَر اُو نِيَسْتِ و نیازی بدو نداری و بسوی تو باز نمی‌گردد و لَا تَزِمْ بِي رَمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَمَنْ اَشْتَمَلَ عَلَيْهِ دُورْمِدَارْ مَرَا مَانِدْ اَنْ كَسِي كَه اَز نَظَرِ عَنَايَتِ تُو اَفْتَادَهْ بَاشْد و مَانِدْ كَسِي كَه فَرَا كَرَفْتَهْ اُو رَا الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ بِيْدِي مِنْ سَفْطَةِ الْمَتَرْدِّينَ، وَوَهْلَةَ رِسْوَانِي اَز پِيَشْگَاهِ خُودِ بَلْكَهْ بَگِيْرِ دَسْتِ مَرَا اَز پَرْتِگَاهِ دَرَاْفْتَادِگَانِ و گمراهی الْمُنْعَسَفِيْنَ، وَزَلَّهُ الْمَعْرُورِيْنَ، وَوَرَطَهُ الْهَالِكِيْنَ، وَ عَافِنِي مِمَّا كَجِرْوَانِ و لغزش خود پسندان و خطر گمشدگان و عافیت بخش مرا از آنچه اِبْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَيْبِكَ و اِمَائِكَ، وَيَلْعَنِي مَبَالِغَ مِنْ عُنِيَّتِ بِهِ، اَزْمَايِشِ مِي كَنِي بَه اَنْ عَمُومِ بِنْدِگَانِ و كِنِيْزَانَتِ رَا و بَرَسَانِ مَرَا بَه مَقَامِ اَنْ كَه عَنَايَتِ دَارِي بَه اُو وَاَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَرَضِيَتْ عَنْهُ، فَاعْشَتْهُ حَمِيْدًا، وَتَوَفَّقْتَهُ سَعِيْدًا، و انعام فرمودی بر او و خوشنودی از او و زندگی بر او خوش کردی و مرگ او را سعادت‌مند نمودی وَطَوْفِي طَوْقَ الْاِقْلَاعِ عَمَّا يُخْبِطُ الْحَسِنَاتِ، وَيَذْهَبُ و گردن مرا بطوق تقوی آراسته کن تا از هر چه حسنات را ناپسند و مشغول‌مساز به آنچه بدون‌رسم مگر بخواست تو از چیزی که غیر او تو را از من خوشنود نمی‌نماید عَنِي غَيْرُهُ، وَاَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَاهُ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، و بیرون کن از دلم محبت دنیای پست را که باز میدارد مرا از نعمتهای حضرتت وَتَصِدُّ عَنِ اِيْتِغَاءِ الْوَسِيْلَةِ اِلَيْكَ، وَتُدْهَلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ، و مانع می‌شود از اینکه به پیشگاهت توسل جویم و اغفال میکند مرا از اینکه نزدیک گردم بَدْرگَاهِ وَزَيْنَ لِي التَّفَرُّدُ بِمُنَاجَاةِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَهَبْ لِي عِضْمَةً و مَزِيْنَ گِرْدَانِ بَرَايِمِ كَه تَنَهَا بَمُنَاجَاةِ تُو پَرْدَاِزِمِ هَمِهْ شَبْ و همه روز و عنایت فرما به من عصمتی را تُدْنِيْنِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَتَقْطَعْنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ، وَتَفَكِّبْنِي كَه نَزْدِيْكَ كَنْدِ مَرَا بَه تَرَسِ اَز تُو و بَاِزْدَارْدِ مَرَا اَز اَرْتِكَابِ بَه مَحْرَمَاتِ تُو و بَرَهَانْدِ مَرَا مِنْ اَسْرِ الْعِظَائِمِ، وَهَبْ لِي التَّطْهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِضْيَانِ، وَاذْهَبْ اَز زَنْجِيْرِ گناهان بزرگ و عنایت فرما به اینکه پاک گردانی از آلودگی گناه و دور کن عَنِّي دَرْنَ الْخَطَايَا، وَسِرِّبْنِي بِسَرِّبَالِ عَافِيَتِكَ، وَرَدِّنِي رِدَاءَ اَز مَنْ كَثَافَتِ مَعَاصِي رَا و بِيُوشَانِ مَرَا بِلِبَاسِ عَافِيَتِ خُودِ و آراسته کن مرا به پوشش مُعَافَاةِكَ، وَجَلِّبْنِي سَوَابِغَ نَعْمَائِكَ، وَظَاهِرٌ لَدَيَّ فَضْلُكَ سَلَامَتِ خُودِ و فَرَاكِيْرِ مَرَا بَه فَرَاوَانِي نَعْمَتِ هَايِ خُودِ و ظَاہِرِ گِرْدَانِ بَرِ مَنْ فَضْلِ اَدْعِيَهْ و آدَابِ مَكّهْ مَكْرَمَهْ، ص: ۱۵۹ وَطَوْلُكَ، وَايْدُنِي بِتَوْفِيْقِكَ وَتَشْدِيْدِكَ، وَاَعْنِي عَلَي صَالِحِ و عَطَايِ خُوِيْشِ رَا و تَايِيْدِمِ فَرَمَا بِتَوْفِيْقِ و نِيْرُوِيِ خُودِ و يَارِي فَرَمَا مَرَا بَرِ نِيْكَوْتَرِيْنَ النَّيِّءِ، وَمَرْضِي الْقَوْلِ، وَمُسْتَحْسِنِ الْعَمَلِ، وَلَا تَكْلِنِي اِلَى حَوْلِي نَيْتِ و پَسَنْدِيْدَهْ تَرِيْنَ كَفْتَارِ و بَهْتَرِيْنَ عَمَلِ و وَاْمَگْدَارِ مَرَا بَه نِيْرُوِيِ وَوَقُوْتِي دُونَ حَوْلِكَ وَوَقُوْتِكَ، وَلَا- تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِقَاةِكَ، و قَدْرَتِ خُودِمِ بَدُونَ نِيْرُوِيِ و قَدْرَتِ تُو و رِسْوَا مَكْنِ مَرَا رُوْزِي كَه بَرَانْگِيْزِي مَرَا بَرَايِ لَقَايِ خُودِ وَلَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَيِ اَوْلِيَائِكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُذْهَبْ و مَفْتَضِحِ مَكْنِ مَرَا دَرِ مَقَابِلِ دُوسْتَانِ خُودِ و اَز يَادَمِ مَبِرِ ذِكْرِ خُودِ رَا و دُورِ مَكْرِدَانِ عَنِي شُكْرَكَ، يَلِ اَلْزَمِيْنِهْ فِي اَحْوَالِ السُّهُوِ عِنْدَ غَفْلَاتِ اَز مَنْ حَالَتِ سِيَاَسْكَرَاَرِي رَا بَلْكَهْ مَلْزَمِ گِرْدَانِ مَرَا بَه سِيَاَسْكَرَاَرِي دَر حَالِ سَهُوِ هَنْگَامِي كَه غَفْلَتِ دَارَنْدِ الْجَاهِلِيْنَ لِاَلَايِكَ، وَاَوْزِعْنِي اَنْ اُتْنِي بِمَا اَوْلِيَّتِيَهْ، وَاَعْتَرَفْ بِمَا مَرْدَمِ نَادَانِ اَز نَعْمَتِ هَايِ تُو و الْهَامِ كَنْ بَمَنْ كَه ثَنَا گُويِمِ دَرِ مَقَابِلِ نَعْمَتِي كَه اَرْزَانِي فَرْمُودِهْ اِي و اَعْتَرَاْفِ كَنْمِ بَه اَنْچِهْ اَسِيْدَيْتُهُ اِلَيَّ، وَاَجْعَلْ رَعْبَتِي اِلَيْكَ فَوْقَ رَعْبِيَةِ الرَّاعِيْنَ، وَحَمِدِي عَطَا نَمُودِهْ اِي بَمَنْ و قَرَارِ دَه رَغْبَتِ مَرَا بَه سُوِيِ خُودِ بِيَشْتَرِ اَز

رغبت راغبان و سپاس مرا إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ، وَلَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَلَا به تو مافوق سپاس سپاسگزاران و وامگذار مرا به هنگامی که نیازمند گردم به سوی تو و تَهْلِكُنِي بِمَا أَسَدَيْتُهُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْهِنِي بِمَا جَبَّهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ هَلَاكُم مَفْرَمًا بِسَبَبِ اِعْمَالِي که فرستادم بدرگاه تو و دور مگردان مرا به آنچه راندی به او دشمنان خود را ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۶۰ لَكَ، فَإِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّهَ لَكَ، وَأَنَّكَ أَوْلَىٰ بِهِ دَرَسْتِي که من در پیشگاه تو گردن نهاده‌ام و می‌دانم که حجت تورا است و تو سزاواری بِالْفَضْلِ، وَأَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ، وَأَهْلِيلُ النَّفْسَىٰ وَأَهْلِيلُ الْمَغْفِرَةِ، وَأَنَّكَ به فضل و عادت‌داری به احسان و شایسته‌ای که از تو پرواکنند و از تو آموزش طلبند و بدرستی که بِأَنَّ تَغْفُوَ أَوْلَىٰ مِنْكَ بِأَنَّ تَعَاقَبَ، وَأَنَّكَ بِأَنَّ تَسْتُرُ أَقْرَبُ مِنْكَ تُو به عفو کردن سزاوارتری از آنیکه عقاب کنی و به درستی که تو به پرده‌پوشی اولاتری إلی أَنْ تَشْهَرَ، فَأَحْبِبْنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَتَبْلُغُ مَا أَحْبَبْتُ از آنیکه رسوا نمائی پس مرا زنده‌دار بزندگی خوشی که فراهم آوری خواسته مرا و برسانی مرا به آنچه دوست دارم مِنْ حَيْثُ لَا- آتی ما تَكْرَهُ، وَلَا- أَرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَأَمِيتِي لکن انجام ندهم کاری را که تو خوش‌نداری و مرتکب‌نشوم به آنچه نهی فرموده‌ای و بمیران مرا مِيتِيَةً مِنْ يَسِيعِي نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ، وَذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، مانند کسی که می‌رود نور او از پیش روی و از جانب راست، و دلیل کن مرا در پیشگاه خودت وَأَعَزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَضَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَارْفَعْنِي بَيْنَ وَعِزِّمِ گردان در نزد مردم و خوادم ساز چون در خلوت شدم با تو و سرفرازم فرما در میان عِبَادِكَ، وَأَعْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَيْبِي عَنِّي، وَزِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَفَقْرًا، بندگان و بی‌نیازم فرما از کسی که بی‌نیازتر از من نیست و افزون کن بسوی خود حاجت و نیاز مرا وَأَعِزَّنِي مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ، وَمِنْ الدُّلِّ و پناه ده مرا از سرزنش دشمنان و از فرو ریختن بلا و از ذلت ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۶۱ وَالْعَنَاءِ، تَعَمَّدْنِي فِيمَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ و رنج پوشیده دار مرا در آنچه تو آگاهی بر آن از من به آنچه می‌پوشاند به او آنکه قدرت عَلَي الْبُطْشِ لَوْلَا حِلْمُهُ، وَالْأَخْذُ عَلَي الْجَرِيرَةِ لَوْلَا أَنَاثُهُ، وَإِذَا بر سختگیری دارد اگر نباشد بردباری او و آنکه مؤاخذه میکرد بر جرم اگر نبود صبر او و هرگاه أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَتَجْنِي مِنْهَا لَوْأَدَّ بِكَ، وَإِذْ لَمْ تُقِمْنِي اراده فرمودی برای گروهی آزمایش یا عذابی را پس نجاتم بخش از آن زیرا که من بتو پناه آورده‌ام و چنانکه قرارم ندادی مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ، وَاشْفَعْ لِي در مقام رسوائی در دنیا پس قرارم مده همچنین در آخرت و بپیوند برای من نعمتهای أَوَائِلِ مِنْكَ بِأَوَآخِرِهَا، وَقَدِيمِ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا، وَلَا تَمُدُّ لِي نَخْسْتِينَ را به آخرین آن و عطاهای دیرین خود را به تازه‌ترین آن و سرگرم نعمتم مساز مَدًّا يَفْسُو مَعَهُ قَلْبِي، وَلَا- تَفَرِّغْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي، وَهَمَّجَانِ که سخت گردد با آن دل من و مبتلایم مگردان ببلائی که برود به جهت آن آبروی من و لَا تَسْمِنِي حَسِيْسَةً يَضْرَعُ لَهَا قَدْرِي، وَلَا نَقِيصَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مشهورم مساز به صفتی که کم گردد بدان جهت قدر من و نه بصفت نقصی که مجهول گردد بخاطر آن مکانی، وَلَا- تَرْغِنِي رَوْعَةً أَيْلَسُ بِهَا، وَلَا خِيْفَةً أَوْجِسُ دُونَهَا، مکانت من و مترسان بررسی که ناامید گردم بسبب آن و نه بیمی که در باطن جانم استوار گردد اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ، وَحَذْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَإِنْذَارِكَ، «اما» قرار ده ترس مرا در وعده عذاب خود و اینکه بیمناک گردم از اتمام حجت و وعید تو ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۶۲ وَرَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ، وَأَعْمُرْ لَيْلِي بِإِيقَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، و خشیت مرا فراگیرد هنگام خواندن آیات تو و معمور کن شبهای مرا به بیداری در عبادت خود وَتَفَرُّدِي بِإِلْتِهَاجِكَ لَكَ، وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ، وَإِنْزَالِ و اینکه تنها به مناجات تو برخیزم و فقط از تو آرامش دل جویم و صرفاً حَوَائِجِي بِكَ، وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ، از تو حاجت خواهم و به آستان تو فرود آیم که رها سازی گردن مرا از آتش خشت و إِيْجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عِبَادِكَ، وَلَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي و پناه دهی به من از آنچه اهل آتش در آن معذب هستند و وامگذار مرا در سرکشی خود عامها، وَلَا فِي غَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّىٰ حِينٍ، وَلَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ سرگردان و نه در بطالت خود بی‌خبر تا دم مرگ و قرار مده مرا پند به آنان که اتَّعِظَ، وَلَا نَكَالًا لِمَنْ اِعْتَبَرَ، وَلَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ، وَلَا تَمْكُرْ بِي پندپذیرند و همچنین مرا موجب عبرت عبرت‌گیرندگان و فتنه‌بینندگان مگردان و فریب مده مرا فِيمَنْ تَمْكُرُ بِهِ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي، وَلَا تُغَيِّرْ لِي اسْمًا، و مانند آنان که بنعمت تو فریب خوردند و برمگزین بجای من دیگری را و تغییر مده اسم مرا لا تُبَدِّلْ

لی جِسْمًا، وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِخَلْقِكَ، وَلَا سِيْرِيًّا لَكَ، و دگرگون مساز جسم مرا و قرار مده مرا مضحکه خلق خود و نیز با من عمل مستهزءان مکن - وَلَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَلَا مُمْتَهِنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ، وَأَوْجِدْنِي و مرا پیرو چیزی مگردان جز موجبات خوشنودی تو و مرا به رنج و تعب مدار جز در راه انتقام از دشمنان و روزی من کن ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۶۳ بَرِّدْ عَفْوِكَ وَ خَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ، وَ رَوْحِكَ وَ رِيْحَانِكَ وَ جَنَّةَ نَعِيمِكَ، سردی مغفرت و شیرینی رحمت و خوشی و بوی جانفزا و بهشت پر نعمت خود را و بیچشان بمن مزه و اَذِقْنِي طَعْمَ الْفِرَاقِ لِمَا تُحِبُّ بِسِعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَالْأَجْتِهَادِ فِيمَا آسُودَ كِيْ بِه آنچه دوست داری و وسعتی عنایت فرما که بکوشم در آنچه نزدیک میکند مرا به یُزْلِفُ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ، وَ أَتْحَفْنِي بِتُحْفِهِ مِنْ تُحَفَاتِكَ، وَ اجْعَلْ بِشِغَاكِ تُو و ارمغان فرست بمن از نعمت‌های خود و قرار ده سودای مرا پُر سُوْدِ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَ كَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ، وَ أَخْفِنِي مَقَامِيكَ، وَ سَوْقِي و ایستادن مرا بدون زیان و بترسان مرا بمقام عظمت خود و مرا مشتاق لقای خود گردان و بپذیر لِقَاءَكَ، وَ تَبَّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَّصُوحًا، لَا تُبْقِي مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَلَا تَوْبَةً مَرَّاسْتِي که باقی نگذاری گناهان کوچک و بزرگ مرا و رها نکنی کَبِيرَةً، وَلَا تَذُرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَلَا سِرِّيْرَةً، وَ انْزِعِ الْغُلَّ مِنْ صَدْرِيْ گناهان آشکار و نهان مرا و بیرون کن از سینه من کینه مؤمنان را و لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ اعْطِفْ بِقَلْبِيْ عَلَيَّ الْخَاشِعِينَ، وَ كُنْ لِي كَمَا تَكُونُ مَهْرَبَانِ گردان دل مرا بر زیر دستان و بوده باش برای من همچنانکه میباشی با بندگان شایسته خود لِلصَّالِحِينَ، وَ خَلِّنِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي و آراسته کن مرا به زیور پرهیزکاران و قرار ده برای من زبان نیکوگوی در میان آیندگان الْغَابِرِينَ، وَ ذِكْرًا مِمَّا فِي الْآخِرِينَ، وَ وَا فِي بِيْ عَرْصَةِ الْأَوْلِيَيْنِ، وَ تَمِيمٌ وَ ذِكْرٌ وَ نَامِ بِلِنْدِي در میان آخرین و جا ده برای من در میدان آنانکه در خیرات پیش افتادند و تمام گردان ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۶۴ شُبُوْعُ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَ ظَاهِرُ كَرَامَاتِيْ لَدَيْكَ، اِمْلَأْ مِنْ فَوَائِدِكَ نِعْمَتِ خُودِ رَا بَر مَن وَ ظَاهِر سَاز كَرَامَتِيْ خُودِ رَا دَر پِيش مَن پَر كَن از عطا‌های خود بیدی، وَ سُقْ كَرَامَتِيْ مَوَاهِبِكَ اِلَيَّ، وَ جَاوِرُ بِيِ الْمَاطِيَيْنِ مِنْ دَسْتِ مَرَا و روانه ساز بخشش‌های بزرگ خویش را بسوی من و همسایه کن مرا با پاکان از اَوْلِيَاءِكَ فِي الْجَنَانِ اَلَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَاءِكَ، وَ جَلَلْنِي شَرَائِفَ دُوسْتَانَتِ دَر بَهَسْتِي که آراستی آن را برای برگزیدگان و بیوشان مرابه بزرگترین نَحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمَعْدَّةِ لِأَحْبَائِكَ، وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيْلًا عَطَاهَايْتِ دَر اَن مَقَامِ که آماده شده برای دوستانت و قرار ده برای من به پیشگاه خود آسایشگاهی آوِي اِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَ مَثَابَةً اَتَّبُوْهَا وَ اَقْرَبُ عَيْنًا، وَلَا تُقَايِسْنِي که ماوِي كَزِيْمِ بَه اَرَامِي دَل وَ مَأْمَنِي که دَر اَن بِيَاسِيْمِ و روشن گردد چشمم و مكافات مفرما مَرَا بِعَظِيْمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَلَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَ اَزَلْ عَنِي بَه بزرگترین گناهانم و هلاک مگردان مرا روزی که آشکار گردد نهانها و زایل نما از من كُلَّ شَكِّ وَ شُبُهَةٍ، وَ اجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيْقًا مِنْ كُلِّ رَحْمِيَّةٍ، هَر شَكِّ وَ شُبُهَةٍ رَا و قرار ده برای من بسوی حق راهی از رحمت بی‌پایان خود و اَجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ تَوَالِيكَ، وَ وَفِّرْ عَلَيَّ حُطُوْظَ وَ بزرگ گردان برایم بهره‌ای از موهبت و عطا‌های خود و بسیار کن حَظَّ مَرَا الْاِحْسَانِ مِنْ اِفْضَالِكَ، وَ اجْعَلْ قَلْبِيْ واثِقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَ هَمِي از نیکوئی و احسان خود و قرار ده قلب مرا امیدوار بدانچه پیش تو است و اندیشه مرا ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۶۵ مُشِيْ تَفَرَّغًا لِمَا هُوَ لَكَ، وَ اَسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَسْتَعْمَلُ بِه خَالِصِيَّتِكَ، فَارِغْ كَرْدَانِ بَكَارِي که برای تو است و مرا و اِدَارِ بَه آنچه و امیداری به آن برگزیدگان را و اَشْرِبْ قَلْبِيْ عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتِكَ، وَ اجْمَعْ لِي الْغَنِي و در آمیز دل مرا به هنگامیکه غافل گردند عقلها از تو با یاد طاعت خود و فراهم کن برای من تَوَانُكْرِي وَ الْعَفَافَ وَ الدَّعِيَّةَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الصِّحَّةَ وَ السَّعْيَةَ وَ الطَّمَأْنِيْنَةَ وَ پَاك دَامَنِي وَ اَسَايِشِ وَ عَافِيْتِ وَ تَنَدَرَسْتِي وَ فَرَاخِي وَ اَرَامِشِ دَل وَ الْعَافِيَّةَ، وَلَا تُحْبِطْ حَسَبِيْ نَاتِي بِمَا يَشُوْبُهَا مِنْ مَعْصِيَّتِكَ، وَلَا و سَلَامَتِ از هر گزند را و باطل مساز کارهای نیک مرا به آلودگیهای معصیت تو خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَاغَاتِ فِتْنَتِكَ، وَ صِيْرِنِ وَ جُهِيْ عَنِ و خلوتهای مرا به آشفتهگیهای فتنه درهم مکن و نگاه‌دار آبروی مرا که الطَّلَبِ اِلَيَّ اَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِيْنَ، وَ ذُيْنِي عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ طَلَبِ نَكُنْمِ چيزی از هيچ كَسِ از مَرْدَمَانِ و مَحَافِظْتِ فَرْمَا مَرَا که التَّمَاسِ نَكُنْمِ چيزی را از اَلْفَاسِيَةِ قِيْنِ، وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِيْنَ ظَهِيْرًا، وَلَا لَهُمْ عَلَيَّ مَحْوٍ بَد كَارَانِ و قرار مده مرا برای ستمکاران پشتیبان و برای از میان بردن كِتَابِكَ يَدًا وَ نَصِيْرًا، وَ حُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا اَعْلَمُ حِيَاطَةً نَقِيْنِي قُرْآنِ خُودِ دَسْتِيَارِ و ياور اَنَانِ مَرْدَمَانِ و نَگَهْدَارِ مَرَا از جَانِيَكِه خُودِ نَدَانْمِ چنان احتیاطی که مرا حفظ کنی بها،

وَأَفْتِيحُ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرِزْقِكَ بِهٖ أَنْ وَبِغَشَا بِهٖ رُؤْيُ مَنْ دَرَاهِي تَوْبَةٍ وَرَحْمَتٍ وَ مَهْرَبَانِي وَ رُؤْيُ ادْعِيَةٍ وَ آدَابِ مَكَّةِ مَكْرَمَةٍ، ص: ۱۶۶ الْوَاسِعِ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاغِبِينَ، وَأَتَمِّمُ لِي إِعْنَامَكَ إِنَّكَ خَيْرُ فَرَاخٍ خُودٍ رَا كَهٗ مِنْ بَسْوَى تَوْرَغْبَتٍ دَارِمٍ وَ تَمَامِ گِرْدَانِ بَرَايِ مَنْ نَعْمَتِ خُوِيْشِ رَا كَهٗ تَو بَهْتَرِيْنَ الْمُنْعَمِيْنَ، وَاجْعَلْ بَاقِي عُمْرِي فِي الْحَيِّجِ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءَ نَعْمَتِ دَهْنَدِ گَانِي وَ بَگِذْرَانِ بَقِيَّتِهٖ عَمْرٍ مَرَا دَر حَيِّجٍ وَ عَمْرَهٗ بَرَايِ طَلْبِ وَجْهِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ رِضَايِ تَوَايِ پُرُورْدِ گَارِ جِهَانِيَانِ وَ رَحْمَتِ خُدَا بَرِ مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِشِ كَهٗ پَاكِ الطَّاهِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدَ الْأَبَدِينَ». وَ پَاكِيْزِ گَانَنْدِ وَ دَرُودِ بَرِ اُو وَ آنَانِ بَادِ پِيُوسْتِهٖ تَا اَبَدِ.»

زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

از جمله مستحبات این روز شریف، زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌باشد و زیارتی که برای آن حضرت در این روز نقل شده است، اختصاص به کسانی دارد که در سرزمین مقدس کربلا توفیق زیارت آن حضرت را پیدا می‌کنند، علاقمندان به زیارت آن حضرت از راه دور، می‌توانند همان زیارت وارث یا جامعه را که در فصل نخست این کتاب آمده است در این روز بخوانند.

برخی از مستحبات و قوف به مشعرالحرام:

مستحب است حاجی با دلی آرام از عرفات به سوی مشعرالحرام حرکت کرده و در حال استغفار باشد، امام صادق علیه السلام فرمود: در راه رفتن نه تند رود و نه آهسته، بلکه به‌طور معمول حرکت کند و کسی را آزار ندهد، و مستحب است نماز را تا مزدلفه به تأخیر اندازد، اگر چه ثلث شب نیز بگذرد، و هر دو نماز را با یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد، و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد، و در میان راه بخواند. و مستحب است که در وسط وادی از طرف راست نزول نماید، و اگر حاجی ضروره باشد (سال اول حج او باشد)، مستحب است که در مشعرالحرام قدم بگذارد، و آن شب را هر مقدار که ممکن باشد به عبادت و اطاعت الهی بسر برد، و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا «خَدَاوَنْدَا! اَكْنُونِ جَمْعِ اسْتِ، خَدَاوَنْدَا! هَمَّ خُوْبِيْ هَا رَا بَرَايِمِ دَرِ اِيْنِ جَا، ادْعِيَةٍ وَ آدَابِ مَكَّةِ مَكْرَمَةٍ، ص: ۱۶۸ جَوَامِعِ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ جَمْعِ وَ فَرَاهِمِ سَازِ، خَدَاوَنْدَا! مَرَا اَزِ بَرِ اَوْرَدِهٖ شَدْنِ خُوَاَسْتِ هَايِ قَلْبِيْ اَمِ تَجْمَعُهُ لِي فِي قَلْبِيْ، وَ اَطْلُبْ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ نُوْمِيْدِ مَسَازِ، وَ اَزِ تُو مِيْ خُوَاَهْمِ كَهٗ اَزِ اَنْ شِنَاخْتِيْ كَهٗ بَهٗ اُوْلِيَايَتِ دَرِ اِيْنِجَا عَطَا كَرْدِهَايِ، اُوْلِيَايَاكَ فِي مَنْرَلِيْ هَذَا، وَ اَنْ تُقَيِّنِي جَوَامِعِ الشَّرِّ». بَهٗ مَنْ عِنَايَتِ كَنْ، وَ اَزِ مَجْمُوْعِهٖ بَدِيْ هَا مَحْفُوْظِمِ دَارِ.» اِمَامِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَرَمُوْد: مَسْتَحَبَّ اسْتِ بَعْدِ اَزِ نَمَازِ صَبْحِ دَرِ حَالِ طَهَارَتِ حَمْدِ وَ ثِنَايِ اِلَهِيْ رَا بَجَا اَوْرَدِ، وَ بَهٗ هَرِ مَقْدَارِ كَهٗ بَتُوَاَنْدِ اَزِ نَعْمَتِهَا وَ تَفَضُّلَاتِ حَضْرَتِ حَقِّ ذِكْرِ كَنْدِ، وَ بَرِ مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ صَلَوَاتِ بَفْرَسْتَنْدِ، اَنْگَاہِ دَعَا نَمَايْدِ، وَ اِيْنِ دَعَا رَا نِيْزِ بَخُوَاَنْدِ: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، فَكِّ رَقِيَّتِي مِنَ النَّارِ، وَ اَوْسِعْ «اِيْ خُدَا، اِيْ پُرُورْدِ گَارِ مَشْعَرِ الْحَرَامِ! اَزَادَمِ كَنْ اَزِ آتَشِ دُوْزَخِ، اَزِ رُوْزِيْ حَلَالِ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ اَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْاِنْسِ، بَرِ مَنْ تُوْسَعُهٗ بَخْشِ، شَرِّ جَنِّ وَ اِنْسِ رَا اَزِ مَنْ دَفْعِ كَنْ، اللَّهُمَّ اَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوْبٍ اِلَيْهِ، وَ خَيْرُ مِدْعُوٍّ وَ خَيْرُ مَسْئُوْلٍ، وَ لِكُلِّ تُو بَهْتَرِيْنَ مَطْلُوْبِ وَ بَهْتَرِيْنَ كَسِيْ هَسْتِيْ كَهٗ اُو رَا خُوَاَنْدِ وَ اَزِ اُو خُوَاَهَنْدِ ادْعِيَةٍ وَ آدَابِ مَكَّةِ مَكْرَمَةٍ، ص: ۱۶۹ وَ اِفِدِ جَائِزَةً، فَاجْعَلْ جَائِزَتِيْ فِي مَوْطِنِيْ هَذَا اَنْ تُقَيِّلَنِي عَثْرَتِيْ، هَرِ كَهٗ بَهٗ دَرِ گَاہْتِ اَيْدِ اُو رَا جَائِزِهَايِ اسْتِ، جَائِزَهٗ مَرَا دَرِ اِيْنِجَا چِنِيْنَ قَرَارِ دِهٖ كَهٗ اَزِ لَغْزَشْمِ دَرِ گِذْرِيْ، وَ تَقْبَلْ مَعْدِرَتِيْ، وَ اَنْ تَجَاوَزَ عَنِّ حَطِيَّتِيْ، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنْ پُوْزَشْمِ رَا بِنْدِيْرِيْ، اَزِ خَطَايِمِ دَرِ گِذْرِيْ وَ رَهٗ تُوْشَهَامِ رَا اَزِ دُنْيَا الدُّنْيَا زَادِيْ». تَقُوَا قَرَارِ دِهِيْ.» مَسْتَحَبَّ اسْتِ سَنَگِ رِيْزِهَايِي رَا كَهٗ دَرِ مَنَا رَمِيْ خُوَاَهْدِ نَمُوْدِ اَزِ مَزْدَلْفَهٗ بَرْدَارِ، كَهٗ مَجْمُوْعِ اَنْهَا هَفْتَادِ دَانِهٖ اسْتِ. وَ مَسْتَحَبَّ اسْتِ وَ قْتِيْ اَزِ مَزْدَلْفَهٗ بَهٗ سُوِيْ مَنَا حَرَكْتِ كَرْدِ وَ بَهٗ وَادِيْ مَحْسِرِ رَسِيْدِ، بَهٗ مَقْدَارِ صَدِ قَدَمِ هَزُوْلَهٗ كَنْدِ وَ بَگُوِيْدِ: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِيْ، وَ اَقْبَلْ تَوْبَتِيْ، وَ اَجِبْ دَعْوَتِيْ، «خُدَايَا پِيْمَانِمِ رَا

سالم، توبه‌ام را پذیرا و دعایم را مستجاب فرما و در آنچه پس از **وَ اَخْلَفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي**». خویش نهادم، جانشین باش.»

مستحبات رمی جمرات:

در رمی جمرات چند چیز مستحب است: ۱. طهارت. ۲. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که سنگ‌ها را در دست ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۰ گرفته و آماده رمی است، این دعا را بخواند: **«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّةٌ يَاتِي، فَأَخْصِرْ هِنَّ لِي، وَارْفَعْهُنَّ فِي عَمَلِي»**. «خداوندا! اینست سنگ‌ریزه‌هایم، آنها را برایم احصا، و در نامه عملم ثبت فرما.» ۳. با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید. ۴. با هر سنگی که می‌اندازد این دعا را بخواند: **«اللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ. اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ** «خدا بزرگ است، خداوندا! شیطان را از من دور ساز، خداوندا! به کتابت و علی سُنَّتِهِ نَبِيِّكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا، وَعَمَلًا مَقْبُولًا، وَبِهِ سُنَّتِ پیامبرت تصدیق می‌نمایم، خداوندا! این را برای من حجاجی خالص و مقبول و سَعِيًّا مَشْكُورًا، وَذَنْبًا مَغْفُورًا». و تلاشی با پاداش مضاعف و با گناه آمرزیده قرارده.» ۵. در جمره عقبه میان او و جمره، ده تا پانزده ذراع فاصله باشد، و در جمره اولی و وسطی کنار جمره بایستد. ۶. جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید، و جمره اولی و وسطی را رو به قبله رمی نماید. ۷. سنگ‌ریزه را بر انگشت ابهام گذارده، و با ناخن ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۱ انگشت شهادت بیندازد. ۸. پس از برگشت به جای خود در منا، این دعا را بخواند: **«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَانْعَمَ الرَّبُّ، وَنِعْمَ** «خداوندا! بتو اعتماد و بر تو توکل کردم، نیکو پروردگار و نیکو مولا **الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ»**. و نیکو یآوری می‌باشی.»

آداب قربانی:

مستحبات قربانی چند چیز است: ۱. در صورت تمکن، قربانی شتر باشد. اگر نبود گاو، و اگر گاو هم نبود گوسفند باشد. ۲. قربانی بسیار فربه و چاق باشد. ۳. در صورت شتر یا گاو بودن از جنس ماده باشد. و در صورت گوسفند یا بز بودن از جنس نر باشد. ۴. اگر قربانی شتر است ایستاده او را نحر کنند. و از سر دست‌ها تا زانوی او را ببندند. و شخص از جانب راست او بایستد. کارد یا نیزه و یا خنجر به گودال گردن او فرو برد. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۲ امام صادق علیه السلام فرمود: قربانی را رو به قبله قرار داده، و هنگام ذبح یا نحر این دعا را بخواند: **«وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا** «به کسی روی آوردم که پدید آورنده آسمان و زمین است، در حالی که خدا پرست و مسلمانم و ما آنا من المشرکین، ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله و از مشرکان نمی‌باشم، نماز، عبادت، زیستن و مردنم به اراده رب العالمین، لا شریک له، و بذلک امرت و آنا من المسلمین، پروردگار جهانیان می‌باشد، او را همتایی نیست، به این کار امر شده‌ام و من از جمله مسلمانانم، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي». خداوندا! همه چیز از تو است و برای تو است، به نام خدا، و خداوند بزرگ است، خداوندا از من بپذیر.»

مستحبات حلق و تقصیر:

مستحب است رو به قبله نام خدا را بر زبان جاری کرده، و از جانب راست پیش سر را ابتدا کند، و این دعا را بخواند: **«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَحَسَنَاتٍ** «خداوندا! به شمار هر مو، نوری در قیامت به من عطا فرما و نیکی‌های مضاعفات، إِنَّكَ عَلَيَّ كَمُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». مضاعف عنایت کن که تو بر هر چیز توانایی.» ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۳ و نیز مستحب است موی سر خود را در منا در خیمه خود دفن نماید، و بهتر این است که بعد از حلق از اطراف ریش و شارب خود گرفته، و هم چنین ناخن‌ها را بگیرد.

مستحبات منا:

۱. مستحب است حاجی ایام تشریق یعنی یازدهم، دوازدهم و سیزدهم را در منا بماند، و این ماندن در منا بهتر است از اینکه به مکه رفته، و طواف مستحبی انجام دهد. ۲. مستحب است حاجی در منا بعد از پانزده نماز واجب و در غیر منا بعد از ده نماز که اول آن نماز ظهر روز عید است، این تکبیرات را بخواند: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ عِزُّ بزرگ است خدا بزرگ است معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ است و خدا بزرگ است و ستایش الحمد، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا زَرَقْنَا مِنْ بَهِيمَةٍ خَاصَّ خُودِ اللَّهِ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ» و ستایش خاص خدا است برای آنکه روزی ما کرد از گوشت چهار پایان الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا. و ستایش خاص خدا است برای آنکه آزمود ما را.»

مستحبات مسجد خیف:

۱. مستحب است حاجی نمازهای شبانه‌روزی خود را چه واجب و چه مستحب در مسجد خیف بخواند، و بهترین محل جایگاه نماز نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد که از مناره تا سی ذراع از طرف قبله و از سمت راست و چپ و پشت سر قرار دارد. ۲. صد مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ گفتن. ۳. صد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گفتن. ۴. صد مرتبه الْحَمْدُ لِلَّهِ گفتن. ۵. خواندن شش رکعت نماز در جایگاه اصلی مسجد، و بهتر است این نماز را هنگام مراجعت به مکه روز سیزدهم انجام دهد.

مستحبات برگشت به مکه معظمه:

۱. غسل جهت ورود به شهر مکه معظمه و مسجد الحرام. ۲. وارد شدن به مسجد الحرام از باب السَّلام. ۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده که اگر روز عید قربان به زیارت خانه خدا مشرف شدی بر در مسجد بایست، و این دعا را بخوان: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۵ «اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى نُسُكِكِ، وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمْنِي لِي، أَسْأَلُكَ خُودًا! مرا بر عبادت یاری کن، مرا برای عبادت سلامت دار و آن را برای من سالم دار، از تو می‌خواهم مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذُنُوبِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَأَنْ سَوَّالَ بِنْدَةٍ نَاتَوَانِ، خُودًا، مُعْتَرِفِ بِغَنَاهِ كَمَا غَنَاهُنِي بِبِخْشَائِي وَبَا تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتُ حَاجَتُ بَرَأُورده بازم گردانی، خداوند! من بنده تو و این شهر، شهر تو و خانه، بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْثَمُ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ، خُودًا تو است برای طلب رحمت آمده‌ام و به قصد عبادت تو و پیروی از دستورات، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِتَقْدِيرِكَ، هَمَّ چُون بِيچاره‌ای مطيع فرمانت الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ، بِيَمْنَاكَ از عذاب و ترسان از كيفرت از تو می‌خواهم كه مرا مشمول عفو قرار دهی وَتَجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ». و از آتش در رحمت قرارم دهی.»

مستحبات و اعمال مکه مکرمه:

۱. نمازهای واجب را در مسجد الحرام بجا آورد. ۲. ذکر خدا را بسیار بگوید، و حالت تذکر و توبه را در ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۶ خود حفظ نماید. ۳. قرآن را ختم نماید، تا نمیرد مگر اینکه جای خود را در بهشت دیده، و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را ببیند. ۴. بسیار به کعبه معظمه نگاه کند، که موجب آموزش گناهان می‌شود. ۵. به هر اندازه که بتواند برای خود و پدر و مادر و خویشاوندان طواف مستحبی انجام دهد، و اگر بتواند به تعداد ایام سال طواف نماید ثواب بسیار دارد. ۶. از آب زمزم بنوشد. ۷. طواف وداع انجام دهد.

طواف وداع:

بدان که برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید، و در هر دور حجرالأسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام کند، و چون به مستحار که نام دیگر آن ملتزم است و نزدیک رکن یمانی است رسد مستحباتی را که قبلاً برای آن مکان ذکر شد بجا آورد، و آنچه خواهد دعا کند. بعد حجرالأسود را استلام نموده، و شکم ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۷ خود را به خانه کعبه بچسباند، یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف در گذاشته، و حمد و ثنای الهی نماید، و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ، «خداوندا! درود فرست بر محمد، بنده، و فرستاده، و پیامبر، و امین، و حبیبک و نجویک، و خیرتک من خلقک. اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ وَحَبِيبَ، وَ رَاذِدَارَ وَ بَرَكِيذَةَ مِنْ بَيْنِ آفَرِيذِهِ، خَدَاوَنَدَا! چنانچه او پیامت رسالاتک، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ، وَ صَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَ أَوْذَى رَا اِبْلَاغَ، وَ دَر رَاهَت جِهَادَ، وَ دِينَت رَا أَشْكَارَ وَ بَرَا دِين تُو فِي جَنَبِكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ. اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا تَا لِحِظَه مَرَّكَ رَنْج كَشِيدَ، خَدَاوَنَدَا! مَرَا بَا حَاجَات بَرَا آورده، بَا رَسْتْكَارِي وَ دَعَاي مُشْتَجَابَا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفِدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ مُسْتَجَابَ بَا زْ گَرْدَانِ، بَه بَهْتَرِي صُورْتِي كَه فَرْدِي اَز وَارْدَانِ بَر خُوِيش رَا بَا مَغْفَرَتِ وَ الْبَرَكَهَ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْعَافِيَهَ، (مِمَّا يَسَعُنِي أَنْ أَطْلُبَ أَنْ تُعْطِنِي وَ خُوشنُودِي وَ عَافِيَتِ بَا زْ مِي گَرْدَانِي، آنچه رَا اَز تُو مِي تُوَانَم بَخُوَاهَم مِثْلَ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ أَفْضَلَ مِنْ عَبْدِكَ، وَ تَرِيدُنِي عَلَيْهِ) اللَّهُمَّ إِنْ بَه بَهْتَرِي صُورْتِي كَه بَه بَهْتَرِي بِنْدَهَات مِي بَخُوشِي وَ اَفزُونِ اَز آن بَه مِنْ عَطَاكَن. خَدَاوَنَدَا! ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۸ اَمْتِي فَاعْفِرْ لِي وَ اِنْ اَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ هَر گَاه كَه مُرْدَمِ پَس بِيَاْمَرِز مَرَا وَ اِگَر زَنْدَهَام دَاشْتِي، پِشَاپِيش رُوزِي اَم دَه، خَدَاوَنَدَا! اَيْنِ زِيَارَتِ آخِرِ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ. اللَّهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ رَا بَرَايَمِ آخِرِي زِيَارَتِ خَانَهَاتِ قَرَارِ مَدَه، خَدَاوَنَدَا! مَن بِنْدَه وَ فَرزَنْدِ بِنْدَه اَمْتِكَ، حَمَلْتَنِي عَلَي دَائِيكَ، وَ سَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ، حَتَّى وَ كَنِيَز تُو هَسْتَم، مَرَا بَر مَرَكُوبَتِ سُوَارِ وَ اَز مَسِيرِ شَهْرَهَايَتِ بَه اَدْخَلْتَنِي حَرَمَكَ وَ اَمْنَكَ، وَ قَدْ كَانَ فِي حُسْنِ ظَنِّي بِكَ اَنْ حَرَمِ اَمْنَتِ رَسَانْدِي، وَ گَمَانِ نِيكَم بَه تُو اَيْنِ اسْتِ كَه تَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، فَاِنْ كُنْتَ قَدْ عَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَارْزُدْ عَنِّي رِضَى، گَنَاهَانَمِ رَا بِيَاْمَرِزِي، وَ چنانچه آمَرزِيده اِي، خُوشنُودِيَتِ رَا اَز مَن اَفزُونِ سَازِ، وَ قَرَّيْتَنِي اِلَيْكَ زُلْفِي وَ لَا تَبَاعِدْنِي، وَ اِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمَنْ وَ بَه مَقَامِ قَرَبَتِ نَائِلِ سَازِ، وَ دُورَمِ نَسَازِ وَ اِگَر نِيَاْمَرزِيده اِي هَم اَلآن فَاعْفِرْ لِي قَبْلَ اَنْ تَنْأَى عَن بَيْتِكَ دَارِي، وَ هَذَا اُوَانُ اَكُونُ مَرَا بِيَاْمَرِزِ پِيشِ اَز اَنكَه خَانَه تَرَا بَه سُوِي خَانَهَامِ تَرَكْ كَنَم، اَيْنَكِ اَغَازِ اِنْصِرَافِي، اِنْ كُنْتَ اَذْنَتْ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنكَ وَ لَا عَن بَيْتِكَ، بَا زْ گَشْتَم مِي بَاشَد، اِگَر اِجَازَهَام دَهِي، بِي اَنكَه بَه تُو وَ خَانَهَاتِ بِي رَغْبَتِ شَدَه وَ لَا مُسْتَبَدِلِ بِكَ وَ لَا بَه. اللَّهُمَّ اِحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مَن وَ جَايْگَرزِي نِي بَرَايِ تُو وَ خَانَهَاتِ گَرَفْتَه بَاشَم، خَدَاوَنَدَا! مَرَا اَز پِيشِ رُو وَ اَز ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۷۹ خَلْفِي وَ عَن يَمِينِي وَ عَن شِمَالِي، حَتَّى تُبَلِّغَنِي اَهْلِي، پِشْتِ سَرِ، اَز رَاسْتِ وَ چِپِ مَحَافِظْتِ فَرْمَا، تَا مَرَا بَه خَانَهَادَهَامِ بَرَسَانِي وَ چُونِ وَ اَكْفِي نِي مَوْوَنَهَ عِبَادِكَ وَ عِيَالِي، فَاِنَّكَ وَ لِي ذَلِيكَ مِنْ خَلْقِكَ رَسِيدَم، هَزِيْنَه زَنْدَگِي شَانِ رَا كَفَايَتِ كَن، كَه تُو كَفَايَتِ كُنْدَه مَن وَ دِيگَرِ آفَرِيذَهَايَتِ وَ مِينِي. مِي بَاشِي.» پَس مَقْدَارِي اَز اَبِ زَمَزَمِ بِيَا شَامَد، اَيْنِ دُعَا رَا بَخُوَانَد: «آبِيُونِ تَابِيُونِ عَابِدُونِ لِرَبَّنَا حَامِدُونِ، اِلَى رَبَّنَا «بَا زْ گَشْتْگَانِ، تُوْبَه كُنْدَگَانِ، عِبَادَتِ كُنْدَگَانِ وَ سَتَايِشْگَرَانِ پَرُورْدِ گَارْمَانِ مِي بَاشِيَم، رَاغِبُونِ، اِلَى اللّهِ رَا جِعُونِ اِنْ شَاءَ اللّهُ.» بَه سُوِي پَرُورْدِ گَارْمَانِ مُشْتَاقَانَه بَا زْ گَشْتَه وَ رَجَعْتِ مِي كَنِيَم.» ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۸۱ بَخْشِ دُوم: زِيَارَتِ مَزَارَهَايِ مَتَبَرَّكَه مَكَّه مَكْرَمَه

بخش دوم: زیارت مزارهای متبرکه مکه مکرمه

توضیحی کوتاه درباره مزارهای مکه مکرمه:

یکی از اعمال مفید و سازنده که با تأکیدات فراوان مورد توجه و توصیه ائمه اطهار و پیشوایان دین قرار گرفته، یاد گذشتگان و زیارت

قبور آنان می‌باشد. براین اساس محلّ مراقدی که در مکه مشخص است و حتّیاج محترم می‌توانند با حضور در کنار قبور آن بزرگواران یا از دور درک فیض نمایند، یادآوری می‌گردد: ۱. قبرستان ابوطالب- که به آن حُجُون و جَنَّة الْمُعَلّی نیز گفته می‌شود- پس از بقیع اشرف مقابر است، و رسول اکرم صلی الله علیه و آله مکرر به آنجا رفت و آمد داشته‌اند. و در آنجا حضرت عبدمناف جدّ اعلای پیامبر، حضرت عبدالمطلب جدّ پیامبر، حضرت ابو طالب عموی پیامبر، حضرت خدیجه همسر پیامبر، و عدّه‌ای از علمای ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۸۲ بزرگ و جمع بسیاری از مؤمنین، مدفون می‌باشند. و بنا بر قولی مدفن والده مکرمه حضرت نبی اکرم «آمنه بنت وهب» نیز در این قبرستان قرار دارد. گرچه مشهور این است که قبر آن جناب در ابواء بین مکه و مدینه است.

زیارت عبد مناف علیه السلام

جدّ اعلای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ النَّبِیُّ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْغُصْنُ» سلام بر تو ای سید بزرگوار، سلام بر تو ای شاخه الثَّمَرُ مِنْ شَجَرَةِ إِبْرَاهِیْمَ الْخَلِیْلِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا جدّ خَیْرٍ پر بار شجره (طَیْبِه) ابراهیم خلیل علیه السلام، سلام بر تو ای جد بهترین التَّوْرَى السَّلَامُ عَلَیْكَ یا ابْنَ الْأَنْبِیَاءِ الْأَصْفِیَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ آفریده‌ها، سلام بر تو ای پسر پیامبران برگزیده، سلام بر تو یا ابْنَ الْأَوْصِیَاءِ الْأَوْلِیَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا سَیِّدَ الْحَرَمِ، السَّلَامُ ای پسر اوصیای اولیا، سلام بر تو ای بزرگ حرم، سلام بر عَلَیْكَ یا وارثِ مَقَامِ إِبْرَاهِیْمَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا صَاحِبَ بَیْتِ اللَّهِ تو ای وارث مقام ابراهیم، سلام بر تو ای سرپرست بیت الله الْعَظِیْمِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِیْنَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. عظیم، سلام بر تو و بر پدران و فرزندان پاکت و رحمت خدا و برکاتش بر همه شما باد.»

زیارت عبدالمطلب جدّ پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَیْكَ یا سَیِّدَ الْبَطْحَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ نَادَاهُ» سلام بر تو ای سَیِّدِ سرزمین بطحا، سلام بر تو ای فراخوانده هَاتِفُ الْغَیْبِ بِأَكْرَمِ نِدَائِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا ابْنَ إِبْرَاهِیْمَ از سوی فراخوان غیبی به بهترین صورت، سلام بر تو ای پسر ابراهیم الْخَلِیْلِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا وارثِ الذَّیْبِیحِ إِسْمَاعِیْلِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ خلیل، سلام بر تو ای وارث اسماعیل ذبیح، سلام بر تو یا مَنْ أَهْلَكَ اللَّهُ بِدُعَائِهِ أَصْحَابَ الْفِیْلِ، وَجَعَلَ كِنْدَهُمْ فِیْ ای آنکه به دعایش اصحاب فیل به نابودی رسید، و توطئه‌شان تَضْلِیْلِ، وَأَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طِیْرًا أَبَابِیْلَ، تَزْمِیْهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سَیِّجِلٍ، خنثی گردید، و بر سرآنان پرنده ابابیل را فرستاد، و آنان را با سنگ‌های کوچکی هدف قرار داد، فَجَعَلَهُمْ كَعَصِیْفٍ مَأْكُولٍ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ تَضَرَّعَ فِیْ وَهْمِهِ را چون کاه خورد شده قرارشان داد، سلام بر تو ای آنکه متضرّعانه عرض حاجتِ إلی اللَّهِ، وَتَوَسَّلَ فِیْ دُعَائِهِ بِنُورِ رَسُولِ اللَّهِ صَیِّمِ اللَّهِ حَاجَتِ به درگاه الهی نمود، و در دعایش به نور رسول خدا صلی الله علیه و آله تَوَسَّلَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ اسْتَجَابَ اللَّهُ دُعَاءَهُ، جست، سلام بر تو ای آنکه خداوند دعایش اجابت نمود، ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۸۴ وَتُوْدَى فِی الْكَعْبَةِ، وَبُشِّرَ بِالْإِجَابَةِ فِی دُعَائِهِ، وَأَسَیَّدَ اللَّهُ الْفِیْلَ و در کعبه مورد ندای غیبی قرار گرفت، و مژده اجابت دعا به او داده شد، و خداوند فیل إكْرَامًا وَإِعْظَامًا لَهُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ أَتْبَعَ اللَّهُ لَهُ الْمَاءَ حَتَّى رَأَى به احترام او به زانو درآورد، سلام بر تو ای آنکه به امر خداوند برایش آب از زمین جوشید تا او شَرِبَ وَازْتَوَى فِی الْأَرْضِ الْقَفْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا ابْنَ الذَّیْبِیحِ در سرزمین بی آب و علف سیراب گردید، سلام بر تو ای پسر و وَأَبَا الذَّیْبِیحِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا سَاقِی الْحِجِیجِ وَحَافِرِ زَمْزَمَ، پدر ذبیح، سلام بر تو ای سَاقِی حِجَاجِ و حَفَرِ كِنْدَةَ زَمْزَمَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ جَعَلَ اللَّهُ مِنْ نَسْلِهِ سَیِّدَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَخَیْرَ سَلَامٍ بر تو ای آنکه خداوند در نسل او سرور پیامبران و بهترین أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِیْنَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ طَافَ حَوْلَ آفَرِیْدَةِ آسْمَانِ و زمین را قرار داد، سلام بر تو ای آنکه بر گرد الْكَعْبَةِ وَجَعَلَهُ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَنْ رَأَى فِی كَعْبَةِ طَوَافِ هَفْتَاگانه گزارد، سلام بر تو ای کسی که در خواب الْمَنَامِ سَلْسَلَةَ التَّوْرِ وَعَلِمَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا رشته نوری مشاهده و فهمید که او اهل بهشت

می‌باشد، سلام بر تو ای شَیْبَةُ الْحَمْدِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَجْدَادِكَ وَأَبْنَائِكَ شَیْبَةُ الْحَمْدِ، سلام بر تو و بر تمام پدر و اجداد و فرزندان، و رحمت ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۸۵ جَمِيعًا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. و برکات الهی بر همه شما باد.»

زیارت حضرت ابوطالب عموی گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله

و پدر بزرگوار امیرمؤمنان علیه السلام «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَ الْبَطْحَاءِ وَابْنَ رَيْسِهَا، السَّلَامُ عَلَیْكَ» سلام بر تو ای بزرگ سرزمین بطحا و فرزند رئیس آن، سلام بر تو یا وارث الْكَعْبَةِ بَعْدَ تَأْسِيسِهَا، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا كَافِلَ الرَّسُولِ ای وارث سرپرستی کعبه پس از تجدید بنا، سلام بر تو ای سرپرست وَنَاصِرَهُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا عَمَّ الْمُصْطَفَى وَأَيَّ الْمُؤْتَصَى السَّلَامُ و یاور پیامبر، سلام بر تو ای عموی حضرت مصطفی و پدر علی مرتضی، سلام عَلَیْكَ یا بَيْضَةَ الْبَلَدِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الذَّابُّ عَنِ الدِّينِ، بر تو ای بزرگ شهر، سلام بر تو ای مدافع دین وَالْبَاذِلُ نَفْسَهُ فِي نَصْرِهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى و یار جان‌نثار سرور پیامبران، سلام و رحمت و برکات الهی بر تو و بر وَلَدِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. فرزندان امیر مؤمنان باد.»

زیارت حضرت خدیجه، همسر گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ سَيِّدِ» سلام بر تو ای مادر مؤمنان، سلام بر تو ای همسر سرور الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ فِرْسْتَادِ كَانِ، سلام بر تو ای مادر فاطمه زهرا سرور بانوان الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَوَّلَ الْمُؤْمِنَاتِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ دُو جِهَانِ، سلام بر تو ای نخست بانوی مؤمن، سلام بر تو ای آنکه أَنْفَقَتْ مَالَهَا فِي نَصْرِهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَنَصْرَتُهُ مَا لَيْسَ طَاعَتْ دَارَائِشِ رَا دَر رَاهِ پِירוْزِي اسْلَامِ و یاری سرور انبیا هزینه کرد و دشمنان وَدَافَعَتْ عَنْهُ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهَا جَبْرَائِيلُ، رَا از او دور ساخت، سلام بر تو ای آنکه بر او جبرئیل درود فرستاد، وَبَلَّغَهَا السَّلَامَ مِنَ اللَّهِ الْجَلِيلِ، فَهَيِّئْنَا لَكَ بِمَا أَوْلَاكَ اللَّهُ مِنْ و سلام خدای بزرگ را به او ابلاغ کرد، این فضل الهی گواریت باد فَضْلٍ، وَالسَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. و سلام و رحمت و برکاتش بر تو باد.»

زیارت حضرت قاسم فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا قَاسِمَ بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ» سلام بر تو ای سرور ما؛ ای قاسم پسر رسول خدا، سلام عَلَیْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ بر تو ای پسر پیامبر خدا، سلام بر تو ای پسر حبیب خدا، سلام عَلَیْكَ يَا ابْنَ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى مَنْ حَوْلِكَ مِنْ بر تو ای پسر حضرت مصطفی، سلام بر مردان و زنان با ایمان مدفون در اطراف، الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمْ وَأَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ خَدَاوَنْد از شما خوشنود و شما را از خود به بهترین صورت الرضا، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكُمْ وَمَسِيْكُنْكُمْ وَمَأْوِيكُمْ، السَّلَامُ خوشنود گرداند، و بهشت را منزل و مأویتان قرار دهد، سلام و عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. رحمت و برکات خدا بر شما باد.» ۲. مزار شهدای فح: در این مکان که نزدیک مسجد تنعیم است حدود صد نفر از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام به دستور خلیفه عباسی «موسی الهادی» به شهادت رسیده، و به ادعیه و آداب مکّه مکرمه، ص: ۱۸۸ خاک سپرده شده‌اند با همان زیارت که امام زادگان زیارت می‌شوند، آنان زیارت می‌گردند:

مزار شهدای فح

«السَّلَامُ عَلَیْ جَدِّكُمْ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَیْ أَبِيكُمْ» سلام بر جدتان حضرت مصطفی، سلام بر پدرتان الْمُؤْتَصَى الرضا، السَّلَامُ عَلَی السَّيِّدِينَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، علی مرتضی، راضی به قضای حق، سلام بر دو سرور؛ امام حسن و امام حسین، السَّلَامُ عَلَی خَدِيجَةَ أُمَّ

الْمُؤْمِنِينَ أُمَّ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، سلام بر خدیجه مام مؤمنان و مادر سرور بانوان دو جهان، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ أُمِّ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى النَّفُوسِ سَلَامٌ بِرِ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ مَادِرِ ائِمَّةِ اطهار، سلام بر انسان‌های الفاخِرَة، بُحُورِ الْعُلُومِ الزَّاحِرَة، شُفَعَائِي فِي الْآخِرَة، وَأَوْلِيَائِي ارزشمند، دریاها و گنجینه‌های دانش، شفیعیانم در روز واپسین و اولیایم عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ إِلَى الْعِظَامِ النَّخْرَة، أَنْمَةُ الْخَلْقِ وَوَلَاةِ الْحَقِّ، به هنگام بازگشت روح به استخوان‌های فرسوده، امامان و والیان بر حق، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْأَشْخَاصُ الشَّرِيفَةُ الطَّاهِرَةُ الْكَرِيمَةُ، أَشْهَدُ سَلَامٌ بِرِ شَمَائِیِ گرامی پاکان با شرافت، گواهی می‌دهم أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَمُصْطَفَاهُ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ که معبودی جز خدای یکتا نیست و حضرت محمد بنده و برگزیده او است، و حضرت علی ولی ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۸۹ وَمُجْتَبَاهُ، وَأَنَّ الْإِمَامَةَ فِي وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، نَعَلَمُ ذَلِكَ عِلْمٌ وَبِرْگزیده او می‌باشد و امامت در میان فرزندان تا قیامت مستقر است و ما به طور یقین الیقین، وَنَحْنُ لِتَذَلِكَ مُعْتَقِدُونَ، وَفِي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ». به این حقیقت آگاه و معتقد و در یاری آنها در تلاشیم». ۳. حجر اسماعیل: در داخل مسجد الحرام کنار خانه کعبه حد فاصل رکن شمالی و رکن غربی، خانه حضرت اسماعیل بوده است که در آن قبر مبارک حضرت اسماعیل و مادرش هاجر و قبور جمع زیادی از پیامبران علیهم السلام قرار دارد. و از برخی روایات استفاده می‌شود که اطراف خانه کعبه قبور انبیای الهی فراوان است، که در این مکان زیارت می‌شوند. و مستحب است احرام حج تمتع در حجر اسماعیل زیر ناودان رحمت انجام گیرد، و آنجا مکان دعا و استغفار و طلب رحمت و حاجت می‌باشد.

زیارت حضرت اسماعیل و هاجر علیهما السلام

در حجر اسماعیل «السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ ابْنِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ» سلام بر سرورمان اسماعیل ذبیح الله، پسر ابراهیم خلیل الله، ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۰ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَابْنَ نَبِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ سَلَامٌ بِرِ تُوای پیامبر خدا و پسر پیامبر خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا وَابْنَ صَفِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْبَغَ اللَّهُ لَهُ بِئْرُ زَمْرَمِ حِينَ وَبِئْرُ زَمْرَمِ حِينَ وَبِئْرُ زَمْرَمِ حِينَ، سلام بر تو ای آن که زمزم برایش جوشید، آنگاه اَسِيكُنَّ أَبُوهُ بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ الْمُحَرَّمِ، وَاسْتَجَابَ كِه پدَرش كِه او را در وادی بی آب و علف در کنار بیت الله الحرام اسکان داد و خداوند دعای الله فِيهِ دَعْوَةَ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ حِينَ قَالَ: رَبَّنَا إِنِّي أَشْكَنْتُ مِنْ پَدَرش اِبْرَاهِيمَ را دِر باره اش مستجاب ساخت که عرضه داشت: «پروردگارا! من بعضی از ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا فِرْزَنَدَانِم را در سرزمین بی آب و علف، در کنار خانه و حرمت ساکن ساختم، پروردگارا! تا الصَّلَاةُ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنْ نَمَازِ رَا بِرِ پَا دَارِنْد، پَس دِلْهَائِي گِرُوْهِي از مردم را به آنها متمایل ساز و از ثمرات الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَلَّمَ نَفْسَهُ بِه اَنها روزی ده شاید ترا شکر گزارند، سلام بر توی ای آنکه تن به لِلذَّبْحِ طَاعَةً لَأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى إِذْ قَالَ لَهُ أَبُوهُ: إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ قِرْبَانِي شَدِن داد تا اطاعت امر الهی کرده باشد، آنگاه که پدرش به او گفت: «من در خواب دیدم أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ أَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ كِه ترا ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ گفت: پدرم به آنچه دستور داری عمل کن، ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۱ سَيِّجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ، فَدَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ الذَّبْحَ بِه خِوَاست خدا مرا از صابران خواهی یافت، پس خداوند ذبح را از او برداشت وَفَدَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَعَانَ أَبَاهُ عَلَى بِنَاءِ وَذَبْحِي بزرگ را فدای او کرد، سلام بر تو ای آنکه پدر خویش را در ساخت کعبه الْكَعْبَةِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ يَارِي داد، چنانچه خدای تعالی فرمود: «آنگاه که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، کعبه را بالا می‌بردند (می‌گفتند): «پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی» السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ بِقَوْلِهِ: وَادْكُرْ سَلَامٌ بِرِ تُوای آنکه خدای تعالی در کتابش چنین توصیف کرده: «و در این کتاب اسماعیل إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا اسماعیل یاد کن که او در وعده‌های صادق و رسول و پیامبر بود، وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا، او همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات دستور می‌داد و پیوسته مورد رضایت پروردگارش بود» السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ جَعَلَ اللَّهُ مِنْ

ذُرِّيَّتِهِ مُحَمَّدًا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ سلام بر تو ای آنکه خداوند از نسل او حضرت محمد سرور رسولان وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامَ عَلَيْكَ وَعَلَى وَخَاتَمِ پیامبران صلی الله علیه و آله را قرار داد سلام بر تو و بر ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۲ اَبِيكَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى اَخِيكَ اِسْحَاقَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ پدیرت ابراهیم خلیل الله و بر برادرت اسحاق پیامبر خدا، سلام عَلَيْكَ وَعَلَى جَمِيعِ اَنْبِيَاءِ اللَّهِ الْمَدْفُونِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ بر تو و بر تمام پیامبران الهی که در این بقعه مبارک و بزرگ مدفونند، الْمُعْظَمَةَ، السَّلَامَ عَلَيْكَ وَعَلَى اُمَمِكَ الطَّاهِرَةِ الصَّابِرَةِ هَاجِرَ سلام و رحمت و برکات خدا بر تو و بر هاجر وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ، حَشَرْنَا اللَّهُ فِي زُمْرَتِكُمْ تَحْتَ لِوَاءِ مُحَمَّدٍ مَادِرِ پاك و شكيبايت، خداوند ما را در زمره شما و زیر پرچم پیامبر و خاندانش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ اَخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ مَحْشُورِ سازد و قرار ندهد (این را) اَخْرِيْنَ زِيَارَتِ اَزْ شَمَا، زِيَارَتِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ. و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.» پس دو رکعت نماز زیارت بخوان، و ثوابش را به آن حضرت اهدا کن.

زیارت سایر انبیای عظام علیهم السلام

در حجر اسماعیل به نیت زیارت ارواح طیبه هریک از انبیای عظام الهی سلام الله علیهم اجمعین یا به نیت زیارت تمامی آنان ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۳ می‌خوانی زیارتی را که مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی، و مرحوم شیخ طوسی در تهذیب، و ابن قولویه در کامل الزیارات آورده‌اند. این زیارت که اول آن «السَّلَامُ عَلَى اَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَاَصْحَابِهِ...» می‌باشد، و در فصل اول این کتاب به‌عنوان زیارت جامعه اول قرار داده شده، در زیارت همه مرقدهای متبرکه جایز است، و پس از پایان آن بسیار بر محمد و آل محمد صلوات می‌فرستی، و برای خود و مؤمنین و مؤمنات به هر نحو که بخواهی دعا می‌کنی. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۵ بخش سوّم: اماکن متبرکه که مکه مکرمه

بخش سوّم: اماکن متبرکه که مکه مکرمه

حدود حرم:

اطراف مکه معظمه، محدوده‌ای به عنوان حرم در نظر گرفته شده است، و حرم از هر جانب مکه عبارت از آن حدی است که نمی‌شود بدون احرام از آن حد گذشت، و خداوند متعال آن حد را محل امن برای انسان و حیوان و گیاهان قرار داده است. محدوده حرم از این قرار می‌باشد: ۱. از جانب شمال مسجد تنعیم است، که در راه مدینه و حدود شش کیلومتر تا مسجدالحرام فاصله دارد. ۲. از جانب جنوب محل اضاة لاین است، که سر راه یمن و فاصله آن تا مسجدالحرام حدود دوازده کیلومتر می‌باشد. ۳. از جانب شرق جعرانه است که سر راه طائف قرار گرفته، و رسول اکرم صلی الله علیه و آله از این حد برای عمره مُحْرَم شدند. ۴- از جانب غرب منطقه حُدیبیّه (شُمیسی) می‌باشد، که ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۶ در کنار راه سابق جدّه، و محل بیعت رضوان است. حرم در فقه دارای احکامی است که حجاج و واردین به این سرزمین باید بدان توجه نمایند، و در کتب فقهیه و مناسک ذکر شده است.

برخی از مساجد شهر مکه:

در شهر مکه علاوه بر مسجد الحرام مساجد تاریخی زیادی وجود دارد، که از آن جمله است: ۱. مسجد جنّ، که نزدیک بازار معروف به ابوسفیان است، و محل نزول سوره مبارکه جنّ بر پیامبر عظیم الشان می‌باشد، و سزاوار است در آن دو رکعت نماز تحیت

خوانده شود. ۲. مسجد الزّایه، که بعد از فتح مکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور دادند آنجا پرچم پیروزی را به پا داشتند، و به این مناسبت آنجا مسجدی ساخته‌اند به نام مسجد الزّایه.

مسجد الحرام و خصوصیات کعبه

مسجد الحرام مسجدی است بسیار با عظمت که در فضیلت و شرافت بی نظیر می‌باشد، یک نماز در آن برابری ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۷ می‌کند با صد هزار نماز در مساجد دیگر، پس بایستی وقت را غنیمت شمرده و از فضیلت‌های معنوی مسجد الحرام حداکثر بهره را بُرد. کعبه در وسط مسجد الحرام قرار دارد با بنایی ساده و مکعب شکل، به ارتفاع حدود ۱۵ متر. و چون کعبه را می‌بینی بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ» «حمد خدایی را که ترا بزرگ و با شرافت و محل آمد و شد مردم و جای امن و اماناً مَبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ». و مبارک و عامل هدایت جهانیان قرار داد.»

ارکان کعبه

رکن شرقی: که حجر الأسود در آن منصوب است. رکن عراقی یا شمالی، بعد از در کعبه قرار دارد. رکن غربی: در طواف از حجر اسماعیل که می‌گذری به آن می‌رسی. رکن جنوبی: که به نام رکن یمانی معروف است، بعد از رکن غربی و محاذی رکن شرقی است، امام صادق علیه السلام فرمود: ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۸ رکن یمانی در ورود ما به بهشت می‌باشد. «۱» حَجْر الْأَسْوَد: سنگ سیاه رنگ بیضی شکلی است که در رکن شرقی کعبه قرار دارد، و به دست حضرت ابراهیم علیه السلام نصب گردیده است. ارتفاع آن از سطح زمین یک متر و نیم می‌باشد. مُلْتَزِم: نزدیک رکن یمانی مقابل در کعبه می‌باشد و آنجا جای دعا و استغفار است. و مستحب است انسان خود را به آنجا چسبانده، و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعِيدُ عِيدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنْ خَدَاوِنْدَا! خَانه توست، و بنده بنده توست، و این جایگاه پناهنده به تو از عذاب النَّارِ...». دوزخ است.» و از خدا طلب آموزش نماید. مُشْتِجَار: همان ملتزم است و آن مکانی است که گناهکاران بدان جا پناه می‌برند. ناودان رحمت: بالای کعبه در طرف حجر اسماعیل قرار ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۱۹۹ گرفته، و آنجا محلّ نزول رحمت و جای تضرع و استغفار است. حَطِيم: محلی است که بین درب کعبه و حجر الأسود قرار دارد، و حطیم نامیده‌اند چون در این جا مردم تلاش می‌کنند تا استلام حجر نموده و بیکدیگر فشار می‌آورند. و برخی گفته‌اند حطیم نام دیوار منحنی نیم دایره‌ای است که حجر اسماعیل را محصور نموده، و ما بین دو زاویه شمالی و غربی خانه کعبه به ارتفاع ۱/۳۱ متر و عرض ۱/۵۲ متر از بالا- و ۱/۴۴ متر از پایین قرار دارد، و فاصله نهایی دیوار حجر اسماعیل (حطیم) تا دیوار خانه از قسمت وسط حدود ده متر است.

حجر اسماعیل:

بنایی است به شکل نیم دایره با دیواری به ارتفاع یک متر و ۳۰ سانتیمتر که در جانب شمالی کعبه قرار دارد، و قبر حضرت اسماعیل و هاجر، مادر آن حضرت در آن جا می‌باشد، و بنا بر بعض روایات قبور جمعی از انبیا علیهم السلام هم در آن جا است.

مقام ابراهیم:

محلی است در نزدیک کعبه، به فاصله حدود ۱۳ متر، دارای گنبدی کوچک که با شیشه احاطه شده، و در آن سنگی قرار دارد، که گفته می‌شود حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام بر آن ایستاده، و مردم را به حج خدا دعوت کرده است، و اثر پاهای مبارکش در آن پیدا می‌باشد، حجاج محترم نماز طواف خود را پشت این مقام بجای می‌آورند.

زمزم:

نام چاه آبی است که خداوند به لطف خود در زیر پای حضرت اسماعیل جاری ساخت، و در طول تاریخ و پیش آمد حوادث، بارها مرمت و لایروبی گردیده، و فعلاً آب آن نیز مورد استفاده حجاج بیت الله الحرام قرار می‌گیرد، و آب آن مورد توجه خاص نبی اکرم صلی الله علیه و آله بوده است، و در طول تاریخ اسلام مؤمنین بدان تبرک می‌جسته‌اند. آب زمزم، مبارک و موجب شفاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه آب زمزم را درخواست می‌فرمودند. و در روایت وارد شده: وقتی از آب زمزم ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۱ نوشیدی، بگو: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمَانًا فِعَاً وَرِزْقًا وَسِعَةً وَشِفَاءً مَنْ كُلُّ دَاءٍ وَسِقْمٍ». «خداوند! این را سبب دانشی سودمند و روزی واسع و شفای از هر درد و بیماری قرار ده.» نوشیدن آب زمزم بعد از نماز طواف مستحب است.

صفا و مروه:

صفا در سمت جنوب شرقی و مروه در سمت شمال شرقی کعبه قرار دارند. منظره صفا و مروه بسیار زیبا و باشکوه می‌باشد، و مستحب است مردها قریب هفتاد متر از سعی را به طور «هَزْوَلَه» حرکت کنند، که حدود آن با رنگ و چراغ سبز مشخص گردیده است.

شعب ابی طالب

شعب ابی طالب در شمال شرقی مسجد الحرام و در نزدیکی صفا و مروه واقع شده، و محل ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام است. خاندان بنی‌هاشم و عبدالمطلب در همین مکان زندگی می‌کرده‌اند و پس از بعثت توسط مشرکان حدود سه سال محاصره اقتصادی شدند. طبق نقل مورخین ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۲ عده‌ای از سران قریش در دارالندوه گرد آمدند و عهدنامه‌ای تنظیم و پیمان بستند که نسبت به فرزندان عبدالمطلب سختگیری و آنها را تحریم اقتصادی و تحت اذیت و آزار قرار دهند، سرانجام بعد از گذشت سه سال از این پیمان پنج نفر از مشرکین پشیمان شده و عهدنامه را پاره کردند.

محل ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در نزدیکی صفا و مروه می‌دانی است که در آنجا کتابخانه‌ای به نام «مکتبه مکه المکرمه» واقع شده، در این بقعه نور عالم تاب نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر جهانیان تابید، و در همین محل مدتی در کنار مادرش آمنه زندگی نمود. حجاج محترم این دعا را در این مکان مقدس می‌خوانند: «اللَّهُمَّ بِجَاهِ نَبِيِّكَ الْمُصْطَفَى وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضَى وَأَمِينِكَ «خداوند! به جایگاه پیامبر برگزیده‌ات و رسول مورد رضایت که امین علی و وحی السماء، طَهَّرْ قُلُوبَنَا مِنْ كُلِّ وَصْفٍ يُبَاعِدُنَا عَنْ وَحْيِ آسْمَانِي تَوَاسْتِ، دل‌های ما را از آنچه ما را از تو و محبت دور و مهجور مُشَاهِدَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَأَمْتِنَا عَلَى مُوَالَاةِ أَوْلِيَاءِكَ، می‌سازد پاک ساز، و ما را بر دوستی اولیای ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۳ وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ، وَالشُّوقِ إِلَى لِقَائِكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَدُشْمَنِ اِعْدَايْتِ، و به شوق دیدارت، ای ذوالجلال وَالْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُوَدِّعْتُ فِي هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ وَالْإِكْرَامِ بِمِيرَانِ، خداوند! من به ودیعه سپردم در این جای شریف مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ خَالِصًا مُخْلِصًا، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ خَالِصًا مُخْلِصًا، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». نیست و حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او می‌باشد.»

غار حرا

جبل النور، اسم کوهی است در داخل شهر مکه، و در آن غاری می‌باشد به نام غارِ حِرا که رسول اکرم صلی الله علیه و آله قبل از بعثت در آن به تفکر و عبادت خداوند می‌پرداخت، و در هر فرصتی به سوی آن می‌شتافت، تا اینکه در ۲۷ رجب، جبرئیل بر آن حضرت نازل شد، و با آوردن آیات سوره علق اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ آن حضرت به نبوت مبعوث شد. مناسب است اگر موفق به دیدن غار حرا ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۴ شدی، با خواندن دو رکعت نماز و خواندن زیارت آن حضرت از راه دور یاد زحمات طاقت‌فرسای رسول اکرم صلی الله علیه و آله را گرامی داری.

کوه ثور

کوهی است که در پایین شهر مکه، تقریباً در دو فرسخی مسجدالحرام واقع شده، در آن کوه غاری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در وقت مهاجرت به جانب مدینه در آن پنهان شدند، و این کوه را جبل الثور نامیده‌اند، از آن جهت که ثور بن عبد مناف زمانی در آن نزول کرده است. مرحوم شیخ انصاری رحمه الله در مناسک این دعا را برای کوه ثور نقل کرده، که به قصد رجاء می‌خوانی: «اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَأَمِينِهِ وَصَدِيقِهِ يَسِّرْ أُمُورَنَا، وَأَسْرِحْ «خداوندا! به جایگاه پیامبرت حضرت مصطفی و رسالت حضرت مرتضی و امینت کارهای ما را آسان گردان صُدُورَنَا، وَتَوَزَّ قُلُوبَنَا، وَاخْتِمِ بِالْخَيْرِ أُمُورَنَا، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ و سینه‌های ما را گشاده و قلوب ما را نورانی و امور ما را ختم به نی ۹ کی فرما خدایا تو از سِرِّی وَعَلَانِيَتِي فَأَقْبَلْ مَعْدِرَتِي، وَتَعْلَمُ حَاجَتِي وَتَعْلَمُ مَا فِي ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۵ نهران و آشکار من آگاهی داری، عذر من را بپذیر و از نیاز من با خبری و نسبت به نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي مِنْ آغَاهِي، گناهانم بیامرز که جز تو کسی نخواهد آمرزید خدایا من أُوْدَعْتُ فِي هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ايمانم را در این مکان شریف خالصانه و مخلصانه و در این روز تا روز قیامت به ودیعه خَالِصاً مُخْلِصاً، أَنِي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. و فرستاده اوست.»

عرفات

سرزمین عرفات بیابان وسیع و همواری است که در شمال مکه در مسافت حدود ۲۱ کیلومتری واقع شده است، و از حد حرم خارج است. عرفات سرزمینی است که آدم و حوا علیهما السلام بعد از جدایی طولانی، در این سرزمین به یکدیگر رسیدند، و نسبت به هم آشنا و عارف گردیدند. عرفات سرزمینی است که آدم در این سرزمین اعتراف به ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۶ گناه خویش کرده است. عرفات سرزمینی است که دعا در آن مستجاب است، کوه عرفات را «جبل الرحمة» می‌گویند، و امام حسین علیه السلام دعای معروف عرفه را در کنار همین کوه خواندند. وقوف در عرفات از ارکان حج می‌باشد، و مستحبات و دعا‌های مربوط به آن قبلاً گذشت.

مُزْدَلِفَه (مشعر الحرام)

از انتهای مَازَمِين در سمت عرفات تا وادی مُحَسَّر در سمت مَنِی مُزْدَلِفَه یا مَشْعَرِ الْحَرَامِ نامیده شده است، در سال‌های اخیر حدود مشعرالحرام علامت گذاری شده. وقوف به مشعر در شب دهم ذی حجه بین الطلوعین از ارکان حج می‌باشد، مستحبات و ادعیه مربوط به مشعر قبلاً بیان شد.

منا، سرزمینی است میان وادی مُحَسَّر و جمره عقبه که جزو حرم می‌باشد، و در فاصله کمی در جانب شرقی بین مکه و مشعرالحرام قرار دارد. از جمره عقبه که حدّ نهایی مکه است تا وادی محسّر در طرف مُزدلفه، منا است، و طول آن ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۷ حدود «۳۶۰۰ متر» می‌باشد. یکی از جهاتی که این جا را منا گفته‌اند آن است که جبرئیل امین در این حصار به حضرت ابراهیم گفت از خدا تمنا و درخواست کن.

مسجد خیف:

از مساجد بسیار با عظمت است و در منا قرار دارد. رمی جمرات، قربانی، حلق یا تقصیر و بیتوته شب یازدهم و دوازدهم، و در بعض موارد شب سیزدهم ذی حجه از اعمالی است که باید در منا انجام شود. اعمال مستحبّ منا و مسجد خیف قبلاً گذشت. ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۰۸

بخش چهارم: اماکن مقدّسه بین راه مکه و مدینه

اماکن مقدّسه بین راه مکه و مدینه

پایان بخش این قسمت یادی از اماکن و مشاهد مقدّسه‌ای است که در مسیر راه مکه و مدینه وجود دارد، مانند: قبر عبدالله بن عباس در وادی طائف، قبر میمونه همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سیرف واقع در دو فرسخی مکه، قبر حوّا در جدّه، و آمنه در ابواء، مسجد غدیر خم در نزدیکی جحفه با فاصله سه میل یا دو میل از جحفه، و قبور شهدا بدر در بدر، و مدفن عبدالله بن الحارث بن عبدالمطلب که در مراجعه از جنگ بدر در اثر زخم‌های زیادی شهید شد، و در «رَوْحاء» ۱۷ کیلومتری مدینه به خاک سپرده شد. مناسب است در خاتمه کتاب درباره برخی از آنها بطور خلاصه مطالبی را یادآور شویم:

مسجد غدیر خم:

غدیر خم در سه میلی جحفه و به روایت دیگر در دو میلی آن واقع شده است. مرحوم شیخ صدوق در «فقیه» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که نماز در مسجد غدیر خم مستحبّ است.

ابواء

ابواء، نام قریه‌ای است در سیزده میلی میقات جحفه، که مادر رسول خدا جناب آمنه بنت وهب پس از زیارت قبر همسرش عبدالله در مدینه، و مراجعت به سوی مکه در آن قریه مریض شد و از دنیا رفت، و در آن محل به خاک سپرده شد.

زیارت آمنه بنت وهب مادر گرامی حضرت رسول صلی الله علیه و آله

«السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيَّتُهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ «سلام بر تو ای بانوی پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای خَصَّهَا اللَّهُ بِأَعْلَى الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ سَطَعَ مِنْ جَبِينِهَا آنکه خدایش به برترین شرافت اختصاص داد، سلام بر تو ای آنکه از پیشانی ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۱۰ نُورُ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، فَأَضَاءَتْ بِهِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ نُورُ سرور رسولان درخشید و زمین و آسمان را روشن ساخت، سلام بر تو یا مَنْ نَزَلَتْ لِأَجْلِهَا الْمَلَائِكَةُ، وَضُرِبَتْ لَهَا حُجُبُ الْجَنَّةِ، ای آنکه به خاطرش فرشتگان نازل شدند و سرا پرده بهشتی برایش زده شد، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ لِخِدْمَتِهَا الْحُورُ الْعِیْنُ، وَسَيَقْبِنُهَا مِنْ سَلَامٍ بِرِئَاسَةِ حُورِ الْعِیْنِ» برای خدمتش

فرود آمد و او را از شرابِ الْجَنَّةِ، وَبَشَّرَهَا بِوِلَادَةِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ آشَامِدِنِي بهشت نوشانید و به تولد برترین پیامبران نویدش داد، سلام بر تو ای مادر رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ حَبِيبِ اللَّهِ، فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا آتَاكَ رَسُولُ خُودَا، سَلَامٌ بِرِ تَوَاي مَادِر حَبِيبِ خُودَا، گوارا باد تو را بر آن چیزی که اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ خُودَا از فضل و کرم به تو عطا فرمود. سلام بر تو و بر پیامبر خُودَا، درود خُودَا براو و آلِهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. و بر آتش و رحمت و برکات خُودَا بر شما باد.»

بدر

در رمضان سال دوم هجری، جنگِ بدر کبری در آنجا به وقوع پیوست که در جریان آن چهارده تن از اصحاب ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۱۱ آن حضرت به شهادت رسیدند، در زیارت آن شهدا می‌گویی: «السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ خُودَا، سَلَامٌ بِرِ پِامِبِرِ خُودَا، سَلَامٌ بِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ بِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، سَلَامٌ بِرِ اَهْلِ بَيْتِ پَاكش، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ بِرِ شَمَا اَي شَهْدَايِ بِا اِيْمَانِ، سَلَامٌ بِرِ شَمَا اَي خَانْدَانِ الْاِيْمَانِ وَالتَّوْحِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ اِيْمَانِ وَ تَوْحِيدِ، سَلَامٌ بِرِ شَمَا اَي ياورانِ دِينِ خُودَا، وَ يارانِ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ رَسُولِ او صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلَامٌ بِرِ شَمَا كِه شَكِيْبَايِ وَرَزِيدِ فَنِعَمَ عُقْبَى الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ قَدِ اخْتَارَكُمْ لِذِيْنِهِ وَاصِيَةً طَفَاكُمُ وَ نِيكُو سَرَايِ اِسْتِ سَرَايِ آخِرْتِ گَوَاهِي دَهْمِ كِه خُودَاوند شَمَا را بِرِ اَي دِيْنش بِرِ گَزِيْدِ لِرَسُولِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَنَصَرْتُمْ وَ بِرِ اَي پِامِبِرش اِنْتِخَابِ كَرْدِ وَ گَوَاهِي دَهْمِ كِه شَمَا حَقَّ جِهَادِ در راه او را گَزاردِيْدِ وَ يَارِي لِذِيْنِ اللَّهِ وَسَيِّئَةِ رَسُولِهِ، وَجُدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ دِينِ خُودَا وَ پِامِبِرِ او كَرْدِيْدِ وَ در برابر او جَانفَشَانِي نَمُوْدِيْدِ وَ گَوَاهِي دَهْمِ ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۱۲ قِيلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، كِه شَمَا در راه پِامِبِرِ خُودَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سِيرِ نَمُوْدِيْدِ فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَن نَبِيِّهِ وَعَنِ الْاِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَعَرَفْنَا بِسِ خُودَاوند اَز سَوِي پِامِبِرش وَ اَز اِسْلَامِ وَ اَهْلِ اِسْلَامِ بِهْتَرِيْنِ پاداَشِ را بِه شَمَا عِنَايَتِ فَرْمَايِدِ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ اِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِيْنَ وَ ما را در بهشت و محل کرامتش با پِامِبِرانِ وَ صَدِيْقَانِ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِيْنَ، وَحَسَنَ اَوْلِيْكَكَ رَفِيْقًا، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حَزْبُ وَ شَهْدَا وَ صالِحانِ اَشْنا سازد كِه اَنانِ بِهْتَرِيْنِ رَفِيْقانِ وَ گَوَاهِي دَهْمِ كِه شَمَايِدِ اللَّهُ، وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ، وَأَنَّكُمْ لِمَنْ الْمُقَرَّبِيْنَ حَزْبِ اللَّهِ وَ هِرِ كَسِ بِا شَمَا بَسْتِيْزِدِ بِا خُودَاوند جَنگِيْدِه اِسْتِ وَ اِيْنِكِ شَمَا اَز مُقَرَّبِيْنَ الْفَاظِرِيْنَ، الَّذِيْنَ هُمْ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ وَ رَسْتِگارانِ اَنانِ كِه نَزْدِ پِرورِدِ گارشانِ زنده‌اند وَ رُوْزِي مِي خورند لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، خُودَاوند بِرِ شَمَا باد.» ادعیه و آداب مکه مکرمه، ص: ۲۱۳ بخش پنجم: ربنده

بخش پنجم:

ربنده

«ربنده» در فاصله حدود ۲۰۰ کیلومتری شمال شرقی مدینه در کوه‌های حجاز غربی، بر خط طولی ۴۱-۱۸ و خط عرضی ۲۴-۴۰ قرار دارد. نزدیک ترین راه برای رسیدن به آن، از راه قصیم به مدینه است که حدود ۷۰ کیلومتر از مدینه فاصله دارد. «۱» جناب ابوذر غفاری و جمعی از صحابه در آنجا مدفون می‌باشند. و مستحب است ابوذر را به این عبارات زیارت کنید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا ذَرَّ الْغِفَارِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ «سَلَامٌ بِرِ تَوَاي اَبُوذَرِ غَفَارِي، سَلَامٌ بِرِ تَوَاي يارِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، رَسُولِ خُودَا درود و سلام و رحمت و برکات خُودَا بر رسول خُودَا باد السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ قَالَ فِي حَقِّهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

